



سال سوم - شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۳۹۹
ویژه نامه حجاب و عفاف

دوفصلنامه علمی-تخصصی
مطالعات تربیتی و اجتماعی
قرآن و عترت



مطالعات تربیتی و اجتماعی



هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

دکتر حمید پارسانیا: دانشیار گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
دکتر فریبا حاج‌علی: دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه الزهراء
دکتر محسن رفیعی: استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه فرهنگیان قم
دکتر احمد رهنمایی: دانشیار گروه علوم تربیتی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
دکتر معصومه شریفی: استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه فرهنگیان قم
دکتر محمد مهدی صفورایی: دانشیار گروه روانشناسی تربیتی جامعه المصطفی العالمیه
دکتر زینب طیبی: استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه فرهنگیان قم
دکتر فایزه عظیم زاده اردبیلی: دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق
دکتر محمد فاکر میبیدی: استاد تمام گروه علوم قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه
دکتر عبدالله معتمدی: دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه علامه طباطبائی
دکتر زهرا(شادی) نفیسی: دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دکتر معصومه شریفی مسئول بسیج
اساتید پردیس حضرت معصومه
سردبیر: دکتر زینب طیبی
مدیر اجرایی: هادی برهانی
ویراستار علمی: دکتر محسن رفیعی، دکتر معصومه شریفی
ویراستار ادبی: دکتر زینب طیبی، زینب ربیعی
ویراستار انگلیسی: کمال برزگر بفرویی
صفحه‌آرا: محمدحسین همدانیان
زبان انتشار: فارسی
قالب انتشار مجله: چایی - الکترونیکی
تناوب انتشار: دوفصلنامه
شمارگان: ۲۰۰ نسخه

داوران این شماره (به ترتیب الفبا):

دکتر محسن رفیعی، دکتر فاطمه زیان، دکتر صدیقه شاکری حسین آباد، دکتر معصومه شریفی،
دکتر زهره شریعت‌ناصری، دکتر زینب طیبی، دکتر فاطمه علی پور، دکتر عبدالله معتمدی

ISSN: ۲۷۱۷-۱۸۳۳

همکاران این شماره: رضیه عمرانی، لیلا طهماسبی، زینب سوری
نشانی: قم، بلوار شهید کربعی، روبروی بوستان بنفشه، دانشگاه فرهنگیان استان قم، پردیس
حضرت معصومه
تلفن: ۰۲۵۲۲۷۰۴۶۷۲
آدرس الکترونیکی: quran.etrat.journal@gmail.com

نقل مطالب دوفصلنامه با ذکر مأخذ بلامانع است.

دوفصلنامه علمی-تخصصی قرآن و عترت دارای مجوز نشر به شماره ۸۰۷۱۷ مورخ ۹۶/۱۰/۰۴ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

دستورالعمل نگارش و ارسال مقالات دوفصلنامه علمی-تخصصی قرآن و عترت

الف) راهنمای نگارش مقالات:

۱. زبان انتشار دوفصلنامه فارسی است، از این رو مقاله به زبان فارسی باشد.
۲. مقاله تحقیقی، مستند، دارای نوآوری و براساس معیارهای پژوهشی و حاصل پژوهش علمی در یکی از موضوعات مرتبط با مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و سنت باشد.
۳. **عنوان:** عنوان مقاله دقیق، علمی، رسا، مختصر و متناسب با متن و مسأله پژوهش باشد.
۴. **مشخصات نویسنده:** شامل نام و نام خانوادگی، رتبه علمی، تحصیلات، رشته، دانشگاه یا سازمان وابسته، شماره تلفن و نشانی الکترونیکی باشد.
۵. **چکیده:** آیین تمام نما و فشرده بحث است که باید در بردارنده عنوان و موضوع مقاله، قلمرو بحث، اشاره به مهمترین یافته‌ها و نتایج، روش تحقیق و رویکرد خاص و فهرستی از واژه‌های کلیدی، حداقل سه واژه و حداکثر هفت واژه باشد و به طور جداگانه به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی و حداکثر ۱۵ کلمه ضمیمه شود.
۶. **مقدمه:** شامل خلاصه‌ای از بیان مسأله، اهمیت و ابعاد موضوع، اهداف پژوهش، سؤال‌های پژوهش و پیشینه‌ی پژوهش باشد.
۷. **بدنه اصلی مقاله:** در ساماندهی بدنه اصلی مقاله لازم است به توصیف و تحلیل ماهیت ابعاد و زوایای مسأله، نقد و ارزیابی نظریات رقیب به طور مستدل، تبیین نظریه پذیرفته شده، تقسیم بندی مطالب در قالب محورهای مشخص پرداخته شود. متن مقاله باید پاراگراف بندی شده و دارای نثری روان و یکدست باشد و مقالات دارای نثر نارسا و اشکالات و برابری متعدد، در فرایند داوری قرار نمی‌گیرند.
۸. **نتیجه‌گیری:** شامل مهمترین نتایج مبتنی بر یافته‌های پژوهش به شیوه‌ای دقیق و روشن، تبیین میزان ارتباط یافته‌های پژوهشی با اهداف پژوهش و ارائه‌ی راهکارها و پیشنهادات.
۹. **ارجاعات:** ارجاع منابع و مآخذ در متن مقاله و به شیوه‌ی استاندارد (APA)، در پایان نقل قول یا موضوع استفاده شده به شکل ذیل آورده شود:
 - ۱/۹. آیات قرآن: (نام سوره: شماره آیه)؛
 - ۲/۹. منابع فارسی: (نام خانوادگی مؤلف، سال نشر، جلد، صفحه)؛
 - ۳/۹. منابع لاتین: (صفحه، جلد، سال نشر، نام خانوادگی مؤلف)؛
 - ۴/۹. چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار، از یکدیگر متمایز شوند.
 - ۵/۹. در صورتی که به دو اثر مختلف با مؤلفان متفاوت ارجاع داده شود، به صورت (نام خانوادگی، سال نشر، جلد، صفحه / نام خانوادگی، سال نشر، جلد، صفحه)؛
 - ۶/۹. اگر مؤلفان یک اثر بیش از سه نفر باشند، فقط نام خانوادگی یک نفر آورده می‌شود و با ذکر کلمه «دیگران» به سایر مؤلفان اشاره می‌شود.
 - ۷/۹. یادداشت‌ها: تمام توضیحات ضروری، در انتهای متن مقاله آورده شود (ارجاع و اسناد در یادداشت‌ها مانند متن مقاله، به روش درون متنی (بند ۹) خواهد بود).
۱۰. **فهرست منابع:** در پایان مقاله، فهرست منابع الفبایی به ترتیب منابع فارسی، عربی و لاتین به صورت ذیل ارائه شود:
 - ۱/۱۰. **کتاب:** نام خانوادگی، نام، نام کتاب، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار، نام ناشر، تاریخ چاپ (ق/ م).
 - ۲/۱۰. مقاله مندرج در مجلات: نام خانوادگی، نام، «عنوان مقاله»، نام نشریه، دوره نشریه، شماره نشریه، سال نشر، صفحه شروع و پایان مقاله.

- ۳/۱۰. مقاله مندرج در مجموعه مقالات یا دایرة المعارف‌ها: نام خانوادگی، نام. «عنوان مقاله»، نام کتاب، نام ویراستار، شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار: نام ناشر، سال نشر.
- ۴/۱۰. پایان‌نامه: نام خانوادگی. نام نویسنده. «عنوان پایان‌نامه»، مقطع تحصیلی و رشته، نام دانشکده، دانشگاه، سال دفاع.
- ۵/۱۰. در صورت نامشخص بودن محل نشر از لفظ «بی‌جا»، نام ناشر «بی‌نا» و تاریخ نشر از لفظ «بی‌تا» استفاده شود.
۱۱. نقل قول‌های مستقیم به صورت جدا از متن، با تورفتگی (یک و نیم سانتی متر) از سمت راست درج شود و ابتدا و انتهای مطلب در گیومه «» قرار گیرد.
۱۲. عنوان کتاب در متن مقاله ایتالیک و عنوان مقاله در گیومه «» قرار گیرد.
۱۳. درج معادل لاتین اسامی و اصطلاحات مهجور، مقابل عبارت و در پرانتز ضروری است.
۱۴. مقاله در الگوی A4 با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها رچپ و راست ۴ و بالا و پایین ۵ سانتی‌متر) و میان سطرها) ۱ سانتی‌متر)، در محیط ۲۰۰۷ word، متن مقاله با قلم ۱۴ B Mitra (لاتین ۱۰ TimesNewRoman) و یادداشت‌ها و کتابنامه ۱۲ B Mitra (لاتین ۱۰ TimesNewRoman) حروف چینی شود و حجم مقاله حداقل ۴۰۰۰ و از ۸۰۰۰ کلمه تجاوز ننماید.
۱۵. عناوین تیتراها: عناوین باروش شماره‌گذاری عددی و ترتیب اعداد در عناوین فرعی از چپ به راست تنظیم شود و در صورت طولانی شدن تیتراهای فرعی، اعداد فارسی بکار رود.
۱۶. شکل‌ها، نمودارها و جداول: اصل عکس‌ها، نمودارها و جداول باید همراه با متن مقاله در محل مناسب علامت‌گذاری و دارای زیرنویس باشد.
۱۷. رعایت دستورخط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی (www.persianacademy.com) در نگارش مقالات الزامی است.

ب) راهنمای ارسال مقالات و فرایند داوری:

۱. مقاله دستاورد پژوهش علمی نگارنده باشد و برای چاپ در نشریات دیگر ارسال نشده باشد.
۲. مقاله ارسالی در هیچ مجله داخلی یا خارجی چاپ نشده باشد. (تکمیل تعهدنامه و فرم تعارض منافع از سوی نویسنده مسئول و ارسال به دبیرخانه مجله الزامی است).
۳. فایل مقاله به نشانی پست الکترونیکی دو فصلنامه (Quran.etrat.journal@gmail.com) با ذکر نام و نام خانوادگی کامل نویسنده، رتبه دانشگاهی یا عنوان علمی و نام متبوع وی، نشانی پستی، شماره تلفن و نشانی الکترونیکی ارسال شود.
۴. مقالاتی که براساس مندرجات راهنمای نگارش مقالات مجله تهیه نشود، در فرایند ارزیابی قرار نخواهد گرفت.
۵. «دو فصلنامه نامه قرآن و عترت»، در رد، قبول، چاپ، اصلاح و ویرایش مقالات آزاد است و مقالات ارسالی بازگردانده نمی‌شود. مقالات رسیده توسط هیأت تحریریه و با همکاری هیأت داوران ارزیابی شده و در صورت تصویب، طبق ضوابط مجله در نوبت چاپ قرار خواهند گرفت.
۶. گواهی پذیرش مقاله پس از اتمام مراحل داوری، ویراستاری و تصویب نهایی هیأت تحریریه، توسط سردبیر مجله صادر و به اطلاع نویسنده مسئول خواهد رسید.
۷. مسئولیت‌های ناشی از صحت علمی و یا دیدگاه‌های نظری و ارجاعات مندرج در مقاله، برعهده نویسنده مسئول است.
۸. تعداد وردیف نویسندگان مقاله به همان صورتی که در نسخه اولیه و زمان ارائه به دفتر مجله مشخص شده، مورد قبول است و تقاضای حذف یا تغییر در ترتیب اسامی نویسندگان تنها قبل از داوری نهایی و با درخواست کتبی نویسندگان و اعلام علت امر قابل بررسی است.
۹. تقدّم و تأخّر چاپ مقالات با بررسی و نظر هیأت تحریریه مشخص می‌شود.
۱۰. قالب انتشار دو فصلنامه چاپی - الکترونیکی است. در صورت چاپ مقاله، نسخه چاپی دو فصلنامه، به نویسنده مسئول اهدا خواهد شد.

فهرست مطالب

۷

سیر تشریح حجاب در قرآن کریم

فاطمه فاخر / محمد فاخرمبیدی

۳۷

بررسی ابعاد عفاف در قرآن و حدیث

زینب طیبی / زهره عزیزی

۶۷

مهندسی فرهنگ ارزشی با توجه به سیر نزول آیات حجاب

زهرا فخرروحانی

۸۸

عفاف و حجاب در متون مقدس با تأکید بر قرآن کریم

معصومه شریفی / محسن رفیعی

۹۹

جایگاه حجاب در ساختار آیه ۳۱ سوره نور و پیوند آن با کل سوره

حبیب کارگر / زهرا بهمنی

۱۱۳

نقش حجاب بر کاهش میزان انحرافات اجتماعی - روانی زنان از منظر اسلام

فرزانه اله ویردی

سیرتشریح حجاب در قرآن کریم^۱

فاطمه فاکر^۲

محمد فاکرمیبدی^۳

چکیده

مسأله حجاب یکی از موضوعات بسیار مهم و حساس جامعه اسلامی است که از سده نخستین ظهور اسلام تا به امروز مورد توجه دانشمندان اسلامی به خصوص فقها، مفسران، جامعه شناسان و روان شناسان بوده است. قرآن کریم نیز این مهم را مورد اهتمام خود قرار داده و در آیات متعدد و به مناسبت های مختلف، به آن پرداخته است، ضمن این که قرآن در خلال آیات مربوط به اصل تشریح حجاب، جایگاه، احکام و فلسفه آن نیز اشاره کرده است. این مقاله در صدد آن است که مسأله حجاب را از نظرگاه قرآن با استمداد از روایات به روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی و تحقیق قرار دهد تا این بحث اساسی از نگاه مهم ترین مصدر تشریح اسلامی تبیین شود. در این نوشتار روشن می شود که حجاب با قطع نظر از کمیت و کیفیت آن، یک امر مسلم در دین مبین اسلام است و رعایت آن بر زن و مرد لازم است. ضمن آن که قرآن در مراحل تشریح حجاب به دو ویژگی توجه داشته است؛ نخست آن که رعایت این مهم را از خانواده خود پیامبر ﷺ آغاز و سپس به درون جامعه تسری داده است و دیگر ویژگی آن، تدریج، یعنی شروع از مرحله آسان به مرحله دشوار است. در نهایت خداوند در قرآن اعلام می کند که آثار این پایبندی به حکم الهی، به سود خود جامعه و تضمین کننده سلامت جامعه بشری است.

واژه های کلیدی: حجاب، زینت، تبرج، تشریح، قرآن کریم.

۱. تاریخ دریافت: ۹۹/۳/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۳۱

۲. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان قم، پردیس حضرت معصومه علیها السلام fatemehfaker1379@gmail.com

۳. استاد تمام گروه قرآن و حدیث جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه m_faker@miu.ac.ir

مقدمه

قرآن حکیم در چندین آیه از حجاب و مراحل تشریح آن در زمان های گوناگون سخن به میان آورده است. از زمان های گذشته تاکنون، رعایت حجاب و عفاف مورد توجه ادیان بوده است، اما با بعثت پیامبر ﷺ و رواج مسأله حجاب، بسیاری از عیوب و گناهانی که میان مردم مفهومی نداشت، شناخته شده و مردم با رعایت پوشش مناسب، روز به روز به حجاب قرآنی-اسلامی نزدیک تر شدند. با توجه به رعایت اعتدال در دین اسلام، حکم حجاب تنها به زنان اختصاص نیافته، بلکه خداوند آن را برای مردان نیز قائل است، البته برای هر کدام، حد و مرزی در نظر گرفته شده است. با وجود اهمیت مسأله حجاب به خصوص در جوامع اسلامی، هنوز این موضوع برای بسیاری از افراد به خوبی شفاف سازی نشده است و مردم به طور دقیق با پیدایش حجاب و مراحل آن، آشنایی کافی ندارند.

مسأله حجاب و تغییرات آن در گذر زمان، موجب بروز شبهات زیادی شده است که برای پاسخ به این شبهات، افزایش آگاهی و نیز فرهنگ سازی بهترین موضوع، مقالات و کتب مختلف و زیادی توسط محققان و پژوهشگران به رشته تحریر در آمده است. باید توجه داشت که گرچه موضوع حجاب اسلامی از صدر اسلام تاکنون در منابع اسلامی به خصوص منابع حدیثی و تفاسیر قرآن کریم از جمله تفسیر المیزان، تألیف علامه سید محمد حسین طباطبایی و تفسیر نمونه، نوشته آیت الله ناصر مکارم شیرازی و همکاران ایشان مطرح بوده است، اما تدوین کتابی مستقل در این باره دست کم تا وقوع انقلاب اسلامی چندان مورد توجه نبوده است. پس از انقلاب اسلامی، به دلیل بروز شبهات و مسائل مختلف درباره حجاب، به این مهم توجه بیشتری شد و کتاب های مختلفی عرضه شده است که به معرفی اجمالی برخی از آن ها بسنده می شود:

۱. کتاب «مسأله حجاب» نوشته استاد شهید آیت الله مرتضی مطهری؛ این کتاب در ظاهر اولین اثر ارزنده در این زمینه است. اصل این کتاب از آثار پیش از انقلاب است که پس از انقلاب اسلامی، مکرر به چاپ رسیده است. در سال ۱۳۷۹ به پنججاه و دو چاپ و در سال ۱۳۹۸ به یکصد و بیست و یک چاپ،

توسط انتشارات صدرا رسید.

۲. کتاب «حجاب از دیدگاه قرآن و سنت» نگارش فتحیه فتاحی زاده که توسط بوستان کتاب قم منتشر شده است. این اثر در حقیقت پایان نامه کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی در دانشگاه تهران است که با راهنمایی حجت الاسلام دکتر سید محمدباقر حجتی در ۱۳۷۲ نگاشته شده است.
 ۳. کتاب «پوشش اسلامی، چالش ها و راهکارها»، نوشته آقای حسن بنیانیان. این اثر در سال ۱۳۹۳ توسط انتشارات سوره مهر برای نوبت سوم و در قطع رقعی به چاپ رسیده است.
 ۴. کتاب «عفاف و حجاب در سبک زندگی ایرانی - اسلامی» که گزیده ای از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله سیدعلی خامنه ای (مدظله) است که به کوشش امیرحسین بانکی جمع آوری شده است.
- همچنین مقالات متعددی در این باره نگاشته شده است که به تعدادی از آن ها اشاره می کنیم:
۱. «حجاب در قرآن»، نوشته سید جعفر شهیدی، نشر در مجله پژوهش های قرآنی، ۱۳۸۰، شماره ۲۵ و ۲۶.
 ۲. «روش قرآن در طرح مسأله حجاب»، نوشته مریم حاجی عبدالباقی، منتشر شده در مجله نامه الهیات آزاد، زمستان ۱۳۸۶، شماره ۱.
 ۳. «گستره حجاب در قرآن»، فرزانه غفاری، چاپ شده در مجله بینات، تابستان ۱۳۹۱، شماره ۷۴.
 ۴. «پوشش زنان در ادیان توحیدی شبه جزیره در صدر اسلام»، نوشته مهراب صادق نیا، منتشر شده در مجله سفینه، تابستان ۱۳۹۸، شماره ۶۳.
- در این نوشتار کوشش شده است که مسأله حجاب و مراحل تشریح آن از دیدگاه قرآن با استمداد از روایات به روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد تا این بحث اساسی از نگاه مهم ترین مصدر تشریح اسلامی تبیین شود. رعایت حجاب و عفاف امری ضروری بر زنان و مردان است که رعایت آن موجب تأمین امنیت و سلامت فرد و جامعه است.

۱. مفهوم‌شناسی حجاب

حجاب از ریشه حجب است. اهل کتاب معنای حجاب را این‌گونه بیان کرده‌اند: «پرده، چادر، روپوش و روبند» (ر.ک. عمید، ۱۳۴۲، ص ۴۱۸). معانی پرده، ستر، نقابی که زنان چهره خود را بدان می‌پوشانند، روبند، برقع، چادری که زنان سر تا پای خود را بدان می‌پوشانند، غشا، کدورت دل، زنگ دل، هوای نفسانی، علاقه به دنیا نیز برای این واژه ذکر شده است (ر.ک. معین، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۳۴). شهید بزرگوار استاد مطهری درباره تعریف واژه حجاب می‌گوید:

«کلمه حجاب هم به معنای پوشیدن است و هم به معنای پرده و حاجب. بیشتر، استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت هرپوششی حجاب نیست، آن پوشش حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد» (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۷۲).

۲. کاربست واژه حجاب در قرآن کریم

درباره واژگان به کار رفته در قرآن هرچند ممکن است کاربرد آن در لغت و تفسیر یکسان باشد، اما در همه جا و همیشه این طور نیست. از جمله همین واژه حجاب که بحث از موضوع آن با کاربردش در قرآن متفاوت است. کلمه حجاب در قرآن کریم بارها به کار رفته است، ولی به نظر می‌رسد در تمام موارد به معنای مانع شدن یک چیز بین دو چیز دیگر است، چنانکه خداوند درباره گونه‌ای از وحی می‌فرماید: «وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكَلِمَهُ اللَّهُ إِلَّا وُحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بآيَاتِهِ» (شوری: ۵۱)، در این آیه شریفه بین خداوند که متکلم است و حضرت موسی عليه السلام که شنونده است، درخت، آتش و یا یک واسطه دیگر بود. همچنین حجاب در این آیه به معنی فاصله و مانع میان بهشتیان و دوزخیان است: «وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ» (اعراف: ۴۶). درباره تقاضا و سؤال از همسران پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز در قرآن آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» (احزاب: ۵۳). این آیه بیان می‌کند که هرگاه قصد دارید چیزی را از

پیامبر ﷺ درخواست کنید، خواه سؤال مادی باشد و یا سؤال علمی، نباید به صورت مباشر و مستقیم با ایشان صحبت کنید، بلکه باید از پشت حجاب و مانع باشد. این موضوع در آیه شریفه « وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقُفْرًا مِّنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَأَعْمَلُ إِنَّا عَامِلُونَ » (فصلت: ۵) نیز به این معناست که بین آن‌ها و پیامبر ﷺ حاجز و مانعی از قبول دعوت ایشان است.

آن چه در این جا مورد بحث است، موضوع حجاب است که از جهت لغت به همان معنی مانع بین دو چیز است؛ یکی نگاه ناظر و دیگری سطح ظاهر که مصداق بارز آن صورت و زینت زن است. ضرورت دارد که مسأله حجاب به لحاظ معنا، جایگاه، فلسفه و مراحل تشریح و حکم آن مورد بررسی قرار گیرد.

۳. تاریخچه حجاب

برای این که بتوانیم به خوبی موقعیت و جایگاه حجاب را در اسلام دریابیم، ضرورت دارد تا اندکی به گذشته و قبل از اسلام نظر بیفکنیم و از احوال و اوضاع زمان‌های قدیم آگاهی داشته باشیم؛ این مسأله می‌تواند ما را در مقایسه‌ای درست و نتیجه‌گیری مطلوب، رهنمون سازد. شهید مطهری در این باره می‌نویسد:

«در ایران باستان و در میان قوم یهود و احتمالاً در هند، حجاب وجود داشته که از آن چه در قانون اسلام آمده، سخت‌تر بوده است. اما در جاهلیت عرب حجاب وجود نداشته است و به وسیله اسلام در عرب پیدا شده است» (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۱۹).

ایشان به نقل از ویل دورانت درباره یهود و قانون تلمود می‌نویسد:

«اگر زنی به نقص قانون یهود می‌پرداخت، چنان‌که مثلاً بی آن‌که چیزی بر سر داشت به میان مردم می‌رفت و یا در شارع عام نخ می‌رشت یا با هر سنخی از مردان درد و دل می‌کرد یا صدایش آن قدر بلند بود که چون در خانه اش تکلم می‌کرد، همسایگانش می‌توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت مرد حق

داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد» (ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۲، ص ۳۰، به نقل از مطهری، ۱۳۷۹، ص ۲۳-۲۴).

و نیز می افزاید:

«در ایران باستان و در میان قوم یهود قوانین سختی وجود داشته است، به گونه ای که زن حیض را در اتاقی محبوس می کردند و همه از او در مدت عادت زنانگی دوری می جستند و از معاشرت با او پرهیز داشتند و همین قوانین سخت سبب پیدایش حجاب در آن ایام بوده است» (ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۵۵۲، به نقل از مطهری، ۱۳۷۹، ص ۲۳-۲۴).

شهید مطهری سپس با اشاره به احکام آیین اسلام در این باره می گوید که در احکام اسلامی هیچ کدام از مقررات سخت آن زمان درباره زن حیض که پیش از این به آن اشاره کردیم وجود ندارد. در هیچ کجای احکام دین اسلام، زن حیض از معاشرت منع نشده است، تنها زنان در بعضی از امور واجب همچون نماز و روزه معاف شده اند که اگر این طور نبود، سبب بیماری روحی و افسردگی آنان می شد و حکمت خداوند زیر سؤال می رفت، در صورتی که هیچ کار خدا بی دلیل نیست و به یقین این مسأله، نمی تواند دلیل محکمی برای پوشش و حجاب باشد. همچنین برخلاف قوم یهود که خیلی آیین سخت گیرانه و شدیدی داشتند، عرب ها این گونه نبودند (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۲۴). ایشان سپس با استناد به سخن ویل دورانت می نویسد:

«همه طبقات، زیورهای داشتند. زنان پیکر خود را به نیم تنه و کمربند براق و جامه گشاد و رنگارنگ می آراستند و غالباً خود را با جواهر و گل زینت می دادند». وی می افزاید: «عکس این گونه افراد زمانی پیدا شد که آیات سوره نور نازل شد به گونه ای که عایشه زنان انصار را این چنین ستایش می کرد: مرحبا به زنان انصار. همین که آیات سوره نور نازل شد، یک نفر از آنان دیده نشد که مانند سابق بیرون بیاید. سر خود را با روسری های بلند مشکی می پوشیدند. گویی کلاغ روی سرشان نشسته است» (ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۱، ص ۱۱۲، به نقل از مطهری، مسأله حجاب، ۱۳۷۹، ص ۲۴).

وی در ادامه می‌نویسد که برخلاف زنان عرب که رسم حجاب در میان آنان وجود نداشت، در هند، حجاب سختی حکم فرما بود، ولی معلوم نیست قبل از نفوذ اسلام بوده است یا بعد از آن (همان، ص ۲۵).

۴. سیر تشریح حجاب در قرآن کریم

با توجه به این که مراحل تشریح احکام چه در موضوع حجاب و یا سایر موضوعات دیگر باید بر اساس ترتیب نزول بررسی شود، نه ترتیب موجود در قرآن، بنابراین باید ابتدا ترتیب نزول آیات حجاب مشخص شود. با توجه به گزارش‌های تاریخ قرآن، سوره احزاب در ترتیب نزول، سوره نود و سوم قرآن و سوره نور یکصد و سومین سوره قرآن و هر دو از سوره‌های مدنی هستند، در نتیجه نزول سوره نور پس از سوره احزاب است. ترتیب آیات حجاب در سوره‌ها و آیات مربوط به تشریح حجاب به شرح زیر است:

۱. «قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ...» (نور: ۳۰).
۲. «وَ قُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ...» (نور: ۳۱).
۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنُوا...» (نور: ۵۸).
۴. «فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (نور: ۵۹).
۵. «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ...» (احزاب: ۳۲).
۶. «وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...» (احزاب: ۳۳).
۷. «إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ» (احزاب: ۵۳).
۸. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ...» (احزاب: ۵۹).

ملاحظه می‌شود که موضوع حجاب، ابتدا از خانواده پیامبر ﷺ شروع شد، پس از آن به درون جامعه تعمیم یافت و سپس به درون خانه مؤمنین ختم شد. بنابراین آیات هشتگانه حجاب را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول؛ آیات خطاب به جامعه ایمانی. دسته دوم؛ آیات مشترک میان خانواده پیامبر ﷺ و مردم. دسته سوم؛ آیات خطاب به همسران پیامبر ﷺ. این

مسأله گرچه از این جهت اهمیت دارد، اما آن چه در این جا مهم تر است، ترتیب نزول آیات حجاب است که در ادامه بحث به ترتیب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۱.۴. آیه پرهیز از نرمش در سخن گفتن زن

یکی از مصادیق عفاف، رعایت حدود در سخن گفتن و پرهیز از نرمش صدا و سخن گفتن هوس انگیز است. قرآن کریم خطاب به همسران نبی مکرم اسلام ﷺ در این باره می‌فرماید: «یا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنْ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب: ۳۲)؛ ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از آنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید؛ پس به گونه‌ای هوس انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند. این آیه نیاز به بررسی‌های گسترده‌ی تفسیری، فقهی، اخلاقی، اجتماعی و جامعه‌شناختی دارد که در این جا به ذکر چند نکته مرتبط با بحث حجاب بسنده می‌شود:

۱.۱.۴. جایگاه ویژه زنان پیامبر ﷺ

خدای سبحان در صدر آیه جایگاه عظیم و تأثیرگذار همسران پیامبر ﷺ به خاطر مسئولیت سنگینی که بر عهده دارند را گوشزد می‌کند و آن‌ها را الگویی برای دیگران می‌داند؛ به همین دلیل از آن‌ها می‌خواهد که تقوای الهی پیشه کنند. البته این بدان معنا نیست که زنان پیامبر ﷺ با دیگر زنان در حکم و نتیجه این دستور متفاوت‌اند، بلکه ایشان در کنار پیامبر ﷺ و در کانون وحی بودند، آیات قرآن کریم را می‌شنیدند و با تعلیمات اسلام و دستورات الهی آشنا بودند، همین جایگاه خاص آنان موجب شد که سرمشقی برای همه زنان باشند، چه در مسیر تقوا و چه در مسیر گناه. (رک. مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۲۸۸).

۲.۱.۴. تسری حکم آیه از زنان پیامبر ﷺ به زنان جامعه

آیه شریفه با خطاب خاص به همسران پیامبر ﷺ آغاز شده، اما نتیجه و تعلیل آن بیانگر یک قانون عمومی است که می‌فرماید: «فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ». گرچه اثر سوء رفتار نابهنجار همسران و بستگان پیامبر ﷺ و بزرگان دین به لحاظ تأثیرگذاری بیشتر است و حتی خطای آن‌ها چند برابر محاسبه می‌شود، آن چنان که در قرآن ذکر شده است: «یا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ

مِنْكُمْ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيَّنَةٍ يُضَاعَفُ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ» (احزاب: ۳۰)، اما به لحاظ کمی، نسبت به افراد عادی جامعه کم ترخ می دهد. از این رو خطاب متوجه آنان، بیانگر عدم مصونیت همسران پیامبر ﷺ و بستگان بزرگان دین در دنیا و آخرت است.

۳.۱.۴. خضوع در کلام

در این آیه نهی از خضوع در سخن و تعلیل طمع ورزی بیمار دلان بیان شده است: «فَلَا تَخْضَعَنَّ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ». خضع دو معنی دارد؛ یکی آرامش و سکون و دیگری صوتی است که با نرمی و فروتنی همراه باشد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۸۹). راغب اصفهانی در معنی خضوع می نویسد: «خُضُوعٌ بِأَخْشَعِ دَارَائِ يَكُونُ مَعْنَى اسْتِوَانٍ وَأَنْ فُرُوفَاتِ دَارَائِ وَنَرْمِي اسْتِ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۶۰۸). در تفسیر این آیه بیان شده است که خضوع در سخن، یعنی آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کردن و نرمش کلامی با مردان [اجنبی] به گونه ای که موجب اضطراب در نفس و تحریک شهوت شود. در این صورت بیمار دلان یعنی کسانی که فاقد ایمان قوی هستند و میل به فحشا دارند، نسبت به زنانی که با مردان لینت کلام و خضوع در سخن دارند، طمع می ورزند و خیال های شیطانی در سر می پروارند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۳۰۹). برخی دیگر از مفسران، در تفسیر «فَلَا تَخْضَعَنَّ» گفته اند که مراد این است که زن نباید به گونه ای هوس انگیز سخن بگوید؛ زیرا بیمار دلان در آنان طمع می کنند، بلکه به هنگام سخن گفتن باید جدی و خشک باشند و به طور معمولی سخن بگویند، نه همچون زنان کم شخصیت که سعی دارند با تعبیرات تحریک کننده که گاه توأم با ادا و اطوار خاصی است سخن بگویند و افراد شهوت ران را به فکر گناه می اندازند (رک. مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۲۸۹).

این که قرآن طمع بیمار دلان را گوشزد کرد، اما متعلق طمع را بیان نکرد، به دلیل احترام به پیامبر ﷺ است. در حالی که طمع بیمار دل نسبت به زنی که با ناز و کرشمه سخن بگوید با ادا و اطوار برخورد کند، چیزی جز آلودگی به گناه و ارتباط نامشروع نیست.

۴.۱.۴. خوب سخن گفتن و سخن خوب گفتن

قرآن در انتهای آیه دو توصیه مهم دارد؛ یکی سخن معروف گفتن و دیگری رعایت تقوا. یکی از جلوه های شخصیت زن، کیفیت سخن گفتن اوست. سخنان انسان باید هم دارای

محتوا باشد و هم کیفیت و اگر هر کدام را به نوعی نداشته باشد، مورد رضای خدا سخن نگفته است. کیفیت سخن گفتن باید دو شرط داشته باشد: اول این که تحریک کننده مردان بیمار دل و چشم چران نباشد و دوم این که مورد رضایت خدا و در مسیر حق و عدالت باشد (رک. مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۲۸۹). زن باید در برخورد با مردان هم سخن خوب بگوید و هم خوب سخن بگوید که مطابق شرع و عرف اسلامی باشد، در حقیقت جمله «لَا تَخْضَعَنَّ بِالْقَوْلِ» اشاره به کیفیت سخن و جمله «قُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» اشاره به محتوای سخن دارد.

۵.۱.۴. تأمین امنیت و سلامت

هر چند حکم این آیه به حسب ظاهر محدودیت برای زن است، اما در حقیقت ایمن سازی جامعه از گسترش بیماری های اخلاقی است. این مسأله درست همانند زدن ماسک بر صورت در روزگار شیوع کرونا است که افراد با محدود کردن خود، ایمنی خود و سلامت جامعه را تأمین می کنند و کسی حق ندارد بگوید چرا من خودم را محدود کنم تا دیگران سالم بمانند؟ رعایت عفاف و حجاب یک حق اجتماعی است، گرچه برخی نپذیرند که فلسفه اصلی آن، سلامت و ایمنی است، نه محدودیت. وانگهی اگر محدودیتی هم در کار باشد، یک سویه نیست؛ زیرا در مرحله نخست، محدودیت برای آلودگان، چشم چران ها، شهوت ران ها، بی بند بارها و هنجارشکنان است.

۲.۴. آیه تَبَرُّج و خودنمایی

نهی از تبرج و خودنمایی مهم ترین دستور خداوند به زنان در رعایت عفاف است. قرآن در آخرین آیه مربوط به حجاب، بر اساس چینش قرآنی می فرماید:

«وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِنَّ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب: ۳۳)؛ و در خانه های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت

نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و خدا و رسولش را اطاعت کنید؛ خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

این آیه از بُعد اعتقادی و ولایی به آیه تطهیر معروف است، البته در بینش شیعه عبارت **﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾** به عنوان آیه تطهیر نامبردار است، نه همه آیه و این مهم‌ترین دلیل بر عصمت اهل بیت **علیهم‌السلام** است. اما از بُعد اجتماعی و حجاب پژوهی، قسمت نخست آن به آیه تبرج مشهور است که به بررسی نکات آن می‌پردازیم:

۱. کلمه بُرَج دارای دو معنی است: اول ظهور و بُرُوز که تبرج زن به معنی نشان دادن زیبایی‌های خود از همین معنا گرفته شده است. معنای دوم، ملجأ، حصن و قصر است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق؛ جوهری، ۱۳۷۶، ذیل ماده برج). برخی مفسران معتقدند که تبرج یعنی ظاهر شدن برای مردم، همانند نمایان شدن بُرَج بر کسانی که به آن می‌نگرند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۳۰۹). ابن عاشور می‌گوید که مراد از تبرج این است که زن زیبایی‌های ذاتی، لباس‌های زیبا و زیورآلات خود را برای مردان آشکار کند. (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۱، ص ۲۴۴). وی در جای دیگری می‌نویسد: «تبرج، مکشوف کردن مستوراتی است که به عادت پوشیده است و تبرج به زینت این است که زن، خود را به اموری که مرسوم نیست، مثل استعمال رنگ‌های سرخ و سفید مزین کند یا بدون جلاباب (چادر یا مقنعه) از منزل خارج شود» (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۸، ص ۲۱۸).

۲. تشبیه به برج در این آیه با توجه به فلسفه برج‌های جهان در روزگار قدیم و حاضر به خوبی معلوم می‌شود؛ وقتی کسی وارد شهر و منطقه‌ای شود، اولین چیزی که برای وی چشم‌نواز است، برج است. از این رو هرگاه زن آرایش کرده و مزین وارد جمعی شود، همانند برجی است که همه نگاه‌ها متوجه او می‌شود.

۳. آیه کریمه، تبرج مورد نهی را متصف به جاهلیت و آن هم جاهلیت اولی کرده است. در این‌که مراد از جاهلیت اولی چیست، نظرات متفاوتی بیان شده است. علامه طباطبایی معتقد است که مقصود از جاهلیت اولی، جاهلیت قبل از بعثت است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۳۰۹). برخی دیگر بیان می‌کنند که منظور از جاهلیت اولی، همان جاهلیت مقارن با عصر پیامبر **صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم** است که به نقل از تاریخ در آن موقع زنان حجاب درستی نداشتند و دنباله روسری‌های خود را به پشت سر می‌انداختند، به طوری که گلو و قسمتی از سینه و گردن‌بند و گوشواره‌های آنان آشکار بود. به این ترتیب قرآن همسران پیامبر **صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم** را از این‌گونه اعمال باز می‌دارد (مکارم

شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۲۹۰). باید به این نکته نیز توجه داشت که بازگشت پوشش زنان جامعه امروزی به آن وضعیت و بلکه بدتر از آن، نوعی جاهلیت مدرن است.

۳.۴. آیه درخواست متاع از زنان پیامبر ﷺ

قرآن درباره تقاضا و سؤال از همسران پیامبر ﷺ فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» (احزاب: ۵۳)؛ هرگاه قصد دارید چیزی را از پیامبر ﷺ درخواست کنید، خواه سؤال مالی و مادی و یا سؤال علمی، نباید به صورت مباشر و مستقیم با آنان صحبت کنید، بلکه از پشت حجاب و مانع باشد. بنابراین دیدگاه اهل لغت مراد از متاع، هر آن چیزی است که انسان از آن نفع می برد؛ مثل طعام، لباس و لوازم منزل (فیومی، ۱۴۱۴ق، ذیل ماده متع). نکته مهمی که در این باره وجود دارد این است که قرار گرفتن همسران پیامبر ﷺ پشت پرده حجاب، هم برای سائلان پاک تر است و هم برای مسئولان که همسران پیامبر ﷺ باشند، یعنی با ندیدن یکدیگر هیچ شائبه ای در بین نخواهد بود.

۴.۴. آیه جلباب

مهم ترین آیه در زمینه ی حجاب آیه ی جلباب است. خداوند در این آیه می فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ» (احزاب: ۵۹)؛ ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: روسری های بلند خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای این که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است. در تبیین معنای آیه، چند مطلب اساسی وجود دارد که به شرح آن ها خواهیم پرداخت.

واژه «یدنین» فعل مضارع از باب افعال و از ریشه «دُنُو» به معنی قرب و نزدیکی است. در نتیجه معنی آیه این است که زنان نباید جلباب خود را رها کنند تا بدنشان نمایان شود، بلکه باید جلبابشان را به خود بپوشند تا شناخته نشوند. ضمن این که خداوند در آیه فرمود: «مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ»، ممکن است سؤال شود که «مِنْ» در این جا به چه معنی است؟ برای این تعبیر دو

وجه متصور است: یکی این که زن دو جلباب داشته باشد و بعضی از آن‌ها را به هنگام خروج از منزل استفاده کند؛ دوم این که بدن خود را با قسمتی از جلباب بپوشاند و با قسمت دیگر صورت خود را بپوشاند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۶۰).

در این که واژه جلباب به چه معنی است و به چه نوع لباسی جلباب می‌گویند، سخن بسیار است. جلابیب جمع جلباب است. برخی آن را قمیص (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ذیل ماده جلباب) و بعضی آن را جامه ای بزرگ تراز چارقد و کوچک تراز عبا که زن به وسیله آن سرو سینه خود را می‌پوشاند، معنی کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۱۳۲). برخی معنای این واژه را اِزَّارِی که تمام بدن را می‌پوشاند و نیز لباس شب که نائم (کسی که خوابیده) سرش را با آن می‌پوشاند، دانسته‌اند. بعضی از لغت‌شناسان قرآن‌پژوه نیز جلباب را به پیراهن (قمیص) و مقنعه (خُمْر) معنی کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ذیل ماده جلب). معانی ملحفه (روکش سراسری) (جوهری، ۱۳۷۶، ذیل ماده جلب) و آزار و رداء نیز برای این واژه آمده است (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۸۳). ملاحظه می‌شود که واژه جلباب در لغت به قمیص، لباس بزرگ، آزار، ملحفه، رداء و عبا معنی شده است. مفسران نیز چند تفسیر برای جلباب ارائه کرده‌اند:

الف) برخی آن را به مقنعه تفسیر کرده‌اند که سرو پیشانی را می‌پوشاند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۸۰). علامه طباطبایی بعد از نقل این معنی می‌افزاید: «با این نوع لباس، گریبان، محل یقه و سینه زن پوشیده می‌ماند» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۳۴۰).

ب) بعضی آن را به لباس، پیراهن و چادر تفسیر کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۸۰).

ج) برخی از مفسران جلباب را به پیراهن سراسری (روپوش، مانتوی امروزی) که تمام بدن زن را می‌پوشاند، تفسیر کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۳۴۰).

د) ملحفه (چادر) معنی چهارمی است که از در تفاسیر بیان شده است. این پوشش پارچه بزرگی است که از روسری بلندتر و از چادر کوچک‌تر است و سروگردن و سینه‌ها را می‌پوشاند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۴۲۸). این دیدگاه با معنی لغوی نیز سازگار است، ضمن این که اصل این پوشش برای بیرون خانه و در برابر چشمان مردان نامحرم است.

قرآن کریم در بیان حکمت این نوع پوشش می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ أَذَى أَنْ يُعْرِفَنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ﴾؛

یعنی جلباب‌تان را به خود نزدیک کنید و برگریبان بیندازید تا شناخته نشوید و در نتیجه مورد آزار قرار نگیرید. در این‌که منظور از شناخته شدن چیست؟ مفسران دو نظریان داشته‌اند: نخست این‌که در آن زمان معمول بوده است که کنیزان بدون پوشیدن سروگردن از منزل بیرون می‌آمدند و از آن‌جا که از نظر اخلاقی وضع خوبی نداشتند، گاهی بعضی از جوانان هرزه مزاحم آن‌ها می‌شدند. در این‌جا به زنان آزاد مسلمان دستور داده شد که حجاب اسلامی را کاملاً رعایت کنند تا از کنیزان شناخته شوند و بهانه‌ای برای مزاحمت به دست هرزگان ندهند. بدیهی است مفهوم این سخن آن نیست که او باش حق داشتند مزاحم کنیزان شوند، بلکه منظور این است که بهانه را از دست افراد فاسد بگیرند. همچنین آیه حکم می‌دهد که زنان مسلمان در پوشیدن حجاب، سهل‌انگار و بی‌اعتنا نباشند؛ مثل بعضی از زنان بی‌بند و بار که در عین داشتن حجاب، آن‌چنان بی‌پروا و لاپرواہی هستند که غالباً قسمت‌هایی از بدن‌های آنان نمایان است و همین امر، توجه افراد هرزه را به آن‌ها جلب می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۴۲۸-۴۲۷). بدیهی است هنگامی که زنان با چادر و پوشش مناسب در برابر نامحرمان قرار بگیرند، از چشم‌چرانی مردان هوس‌باز در امان هستند، اما خودنمایی برخی از زنان سبب جلب توجه مردان ضعیف‌النفوس می‌شود و سرانجام هر دو با اطاعت از شیطان نفس، دست به گناه می‌زنند.

۵.۴. آیات متضمن حکم حجاب

به ترتیب چینش سوره‌های قرآن، اولین آیات متضمن حکم حجاب، آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور هستند که مشتمل بر چندین حکم درباره رعایت حجاب و عفاف هستند: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ. وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِجُمُوحِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوَاتِرِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا

يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِمْ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (نور: ۳۰-۳۱)؛ به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند، و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ خداوند از آن چه انجام می‌دهید، آگاه است. و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار نکنند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‌کیششان، یا کنیزانشان، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود (و صدای خلخال که برپا دارند به گوش رسد). و همگی بسوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید!

در این آیه احکامی درباره کنترل نگاه، پوشش عورت، پنهان کردن زینت آشکار، نحوه پوشش، معرفی محارم و آشکار نکردن زینت پا آمده است که به بررسی هر کدام می‌پردازیم.

۱.۵.۴. فروبستن چشم

خداوند در عبارت‌های ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾ و ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ...﴾، به مردان و زنان مؤمن دستور می‌دهد تا چشمان خود را در برابر مردان فرو بندند. بنابراین نگاه برخی صاحب نظران لغت، غَضُّ دارای دو معنی است: یکی کوتاه کردن نگاه و صدا و دیگری طراوت (فیومی، ۱۴۱۴ق؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ذیل ماده غَضُّ). راغب نیز همین معنی را آورده است و بر غرض صدا به این آیه استناد کرده است که می‌فرماید: ﴿وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ﴾ (لقمان: ۱۹)؛ از صدای خود بکاه (راغب اصفهانی، مفردات، ۱۴۱۲، ذیل ماده غَضُّ). لازم به ذکر است که خطاب به مؤمنان اعم از زن و مرد در این تکلیف، نه به خاطر مکلف نبودن غیرمؤمنان است، بلکه به دلیل حرمت ایمانی است که مؤمنان تحصیل کرده‌اند. همچنین از این دو آیه دریافت می‌شود که وظایف زنان و مردان در برخورد با یکدیگر این است که هر مسلمان، چه مرد و چه زن، باید از چشم چرانی و نظر بازی اجتناب کند.

۲.۵.۴. نهی از آشکار ساختن زینت

خداوند در عبارت «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»، زنان را از آشکار کردن زینت خود، نهی کرده است، البته همراه با یک استثنا. واژه زینت در اصل کلمه‌ای عربی است و در لغت به معنای زیبایی و آراستگی و در مقابل شین به معنای عیب و زشتی است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ذیل ماده زین). البته این کلمه در فرهنگ فارسی نیز کاربرد دارد و به معنای آرایش، پیرایه، زیور و آن چه با آن آرایش کنند، است (عمید، ۱۳۴۲، ص ۵۸۴).

شهید مطهری درباره مفهوم زینت می‌نویسد:

«کلمه زینت در عربی، اعم از کلمه زیور فارسی است، زیرا زیور به زینت‌هایی گفته می‌شود که از بدن جدا است؛ مانند طلاآلات و جواهرات، ولی کلمه زینت هم به این دسته گفته می‌شود و هم به آرایش‌هایی که به بدن متصل است؛ نظیر سرمه و خضاب» (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۱۳۱).

کلمه بیدین نیز از مصدر «ابداء» و ریشه «بدو» به معنای ظهور است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ذیل ماده بدو). در نتیجه کلمه «بیدین» با ساختار نهی آن به معنی آشکار نکردن است. و اما این که مراد از زینت زنان در این جا چیست، چندین دیدگاه وجود دارد: بنا به نظر برخی مفسران، منظور مواضع زینت است با این استدلال که اظهار خود زینت از قبیل گوشواره و دست بند حرام نیست، پس مراد از اظهار زینت، اظهار محل آن‌ها است (رک. طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۱۱۱). به نظر بعضی دیگر از مفسران منظور خود زینت است، لیکن نه زینت آلات به تنهایی، بلکه زینتی که روی بدن قرار گرفته باشد. طبیعی است که آشکار کردن چنین زینتی توأم با آشکار کردن اندامی است که زینت بر روی آن قرار دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۴۳۹). بعضی از مفسران معتقدند زینت بردو قسم است: یکی زینت ذاتی؛ یعنی زینتی که همراه با آفرینش انسان به وی داده شده است؛ مثل صورت زیبا. دوم زینت اکتسابی؛ مثل زینت‌هایی که خریداری می‌شود و بر روی بدن قرار می‌گیرد؛ مانند لباس‌های زیبا، زیورآلات و آرایش‌های مصنوعی که صورت می‌گیرد (ابن عربی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۳۶۸).

به نظر می‌رسد محتوای مجموع این دیدگاه‌ها یکسان باشد، لیکن اگر بنا باشد ترجیحی

صورت گیرد، روی آن با کلام علامه طباطبایی است که مورد تأیید روایات فقهی نیز است. بر اساس هردو دیدگاه، اگر زنی زیورآلاتی داشته باشد و در دست گرفته و به مردی نشان دهد و یا برای مثال النگورا در دست کند، اما روی روپوش قرار دهد، مانعی ندارد. همان طور که مرسوم است ساعت را روی ساق دست قرار می دهند. به هر صورت برخی از مصادیق حجاب در روزگار حاضر، خود نوعی زینت است که نباید در منظر عمومی قرار گیرد.

عبارت «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» در آیه، زینت را به دو قسم نهران و پنهان معرفی می کند. در توضیح این بیان باید گفت که زینت ها در مجموع چند صورت دارند: الف) زینت های ذاتی و جسمانی که خود بردو قسم است: بخشی که به طور عادی آشکار است؛ مثل صورت و دست ها تا مچ و پاها و بخشی که به طور عادی پنهان است؛ مثل گردن، سینه و بازوها. ب) زینت مصنوعی. ج) محل زینت به تنهایی. د) محل زینت که مزین به زیورآلات شده است. حال باید دید کدام یک از این ها مصداق «ما ظاهر» است. تعیین مصداق تنها با روایات قابل حل است که در ذیل به چندین مورد از آن ها اشاره می کنیم:

۱. فضیل بن یسار از امام صادق علیه السلام سؤال می کند که آیا ذراع (از مچ تا بازو) زن جزو زینتی است که خداوند در این آیه فرمود؟ امام علیه السلام پاسخ داد: آری ذراع جزو زینت است و ما بین سر و گردن که با خمار پوشیده می شود و محل دست بند نیز جزو زینت است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۲۰).

۲. زراره از امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه نقل می کند: «الزَّيْنَةُ الظَّاهِرَةُ الْكُحْلُ وَالْحَاتَمُ»؛ یعنی زینت آشکار مثل سرمه کشیدن و انگشتر است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۲۱).

۳. در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده است که راوی از آن حضرت می پرسد: دیدن چه مقدار از بدن زن برای مرد نامحرم حلال است؟ امام فرمود: صورت، دو دست تا مچ و پاها (از انگشت تا مفصل) (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۲۱). این قسمت های سه گانه به طور معمول آشکار است و تقریباً عموم زنان، آن را آشکار می کنند.

در این سه روایت که به لحاظ سندی، اولی صحیح، دومی موثق و سومی به خاطر ارسالش ضعیف است، به موارد ممنوع از محل زینت؛ یعنی محل گوشواره، گردن بند و دست بند اشاره شده و

زینت های مصنوعی چون سرمه و انگشتر را معرفی می کنند. همچنین در این روایات به موارد مجاز چون صورت، دست و پا اشاره شده است که محدوده جواز آشکار شدن بدن زن را معلوم می کند.

۳.۵.۴. پوشاندن سرو سینه

یکی از دستورات حجاب در این آیات، پوشاندن سرو سینه زنان است که در عبارت ﴿وَلْيَضْرِبْنَ خُمْرَهُنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾ بیان شده است. راغب اصفهانی در معنی واژه خمر می گوید که اصل آن پوشاندن چیزی است و به هر چیزی که با آن و به وسیله آن پوشانده می شود، خمار گفته می شود. ولی خمار در سخنان معمولی اسمی است برای روپوشی که زنان سر خود را با آن می پوشانند و جمع آن خُمُر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ذیل ماده خمر). واژه «جیوب» نیز جمع «جیب» و به معنی یقه پیراهن است که از آن تعبیر به گریبان می شود و گاه به قسمت بالای سینه به تناسب مجاورت با آن نیز اطلاق می شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۲۴۰). چیزی که از معنای کلمه خمر و جیوب فهم می شود این است که خمر وسیله ای برای حفظ پوشش سرو گردن در برابر مردان نامحرم است.

۴.۵.۴. تأکید بر حفظ حجاب همراه با استثنا

این آیه زنان را در دو عبارت ﴿لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ و ﴿لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ...﴾ از آشکار کردن زینت نهی کرده است، با این تفاوت که در جمله اول پوشیدن زینت آشکار را در برابر عموم مردان استثنا کرده و در عبارت دوم رعایت حجاب زن در برابر گروه خاصی از مردان استثنا شده است. در این جا زنان مجاز به آشکار کردن زینت خود در برابر بیش از ده گروه از مردان هستند که موارد مستثنی به ترتیب مذکور در آیه به این شرح است:

۱. شوهران: ﴿الْبُعُولَتِهِنَّ﴾.

۲. پدران: ﴿أَوْ آبَائِهِنَّ﴾.

۳. پدر شوهر: ﴿أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ﴾.

۴. پسران: ﴿أَوْ أَبْنَاءِهِنَّ﴾.

۵. پسران شوهر: ﴿أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ﴾ و این هنگامی است که مرد دارای همسر همزمان

و یا همسر قبلی باشد و از آن همسر دارای فرزند باشد.

۶. برادران: «أَوْ إِخْوَانِهِنَّ».
۷. پسر برادران: «أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ».
۸. پسر خواهر: «أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ».
۹. زنان هم‌کیش: «أَوْ نِسَائِهِنَّ» و این بدان معنی است که زنان مؤمن نباید جلو زنان غیرمؤمن خود را مکشوف کنند.
۱۰. کنیزان: «أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ».
۱۱. سفیهان که تمایلی به زنان ندارند: «أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ».
۱۲. کودکانی که از امور جنسی آگاهی ندارند: «أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ».
- باید توجه داشت که براساس آیات دیگر، محارم رضاعی (محرمیت‌هایی که به واسطه شیرخوردن پدید آمده) نیز در حجاب مستثنی هستند. چنان‌که خداوند فرمود: «أُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمُ مِنَ الرِّضَاعِ...» (نساء: ۲۳) که در جای خود باید بحث شود.
- با مرور در آیه به خوبی روشن می‌شود که افراد محرم که کشف حجاب در برابر آنان جایز است، یکسان نیستند، بلکه به چند گروه تقسیم شده‌اند: الف) محارم نسبی که به خاطر پیوند ذاتی محرمند و آن‌ها عبارتند از: موارد ۲، ۴، ۶، ۷ و ۸. ب) محارم نسبی که به خاطر پیوند زناشویی و به صورت عَرَضِي محرم شده‌اند و آنان عبارتند از: موارد ۱، ۳ و ۵. ج) گروه سوم کسانی هستند که به دلایل متفرقه چون همجنس بودن، خریداری، سفاهت و صغیر بودن، نگاه کردنشان جایز است.
- نهی از آشکار کردن زینت در موارد نهم و دهم که از جنس زنان هستند، نه به دلیل نامحرم بودن آنان است که محرم و نامحرم بین زن و زن معنی ندارد، بلکه به دلیل رعایت امنیت آنان است؛ زیرا این زنان، خبررا برای شوهران و اربابانشان می‌برند و در آنان طمع ایجاد می‌کنند.

۴.۵.۵. اصلاح راه رفتن

پنجمین حکم حجاب در آیه این است که زن نباید به گونه‌ای راه برود که زینتش آشکار شود. خداوند در این باره می‌فرماید: «لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ». لازم به ذکر است کلمه ضرب در ادبیات عرب، فعل متعدی است، ولی نیازی به تعدی به حرف جر

ندارد، اما با توجه به بیان متعلق آن معانی مختلفی پیدا می‌کند؛ به عنوان مثال اگر همراه با «باء» باشد مثل *صَرَیْبُهُ بِسَیْفٍ* یا *فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ* (شعراء: ۶۳) به معنی زدن و نیز اشاره کردن، اگر با *فی* همراه باشد، مانند آیه *إِذَا صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ* (نساء: ۱۰۱) به معنای در، اگر با *مع* همراه باشد مثل *صَرَبْتُ مَعَ الْقَوْمِ بِسَهْمٍ* به معنی مشارکت و اگر با *علی* همراه باشد مثل *صَرَبْتُ عَلَىٰ يَدَيْهِ* به معنی محجور کردن است که در این آیه شریفه همراه *باء* است. در این که مراد از *ضرب* به *أرجل* که موجب آشکار شدن زینت می‌شود چیست؟ برخی نوشته‌اند مراد این است که زن پاهای خود را به هم می‌زند تا صدای خلخال (زیوری به شکل حلقه فلزی که زنان بر مچ پای می‌بندند، همانند النگو که به دست بسته می‌شود) وی شنیده شود. این کار اگر برای شادی خود زن باشد، مکروه و اگر برای تبرج و اعلام به مردان باشد، حرام است (ابن‌العربی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۳۷۶). برخی دیگر می‌گویند این عبارت یعنی زن به گونه‌ای راه برود که صدای خلخال پاهایش شنیده شود. زیرا اسماع (شَتَوَانِیدِن) صوت زینت، همانند آشکار کردن آن بلکه شدیدتر از آن است (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۲، ص ۲۳۷). بعضی دیگر از مفسران نیز معتقدند معنا، محکم و شدید راه رفتن (یعنی پا بر زمین کوبیدن) زن و راه رفتن زن با ناز و کرشمه و برای مباحثات کردن است (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۸، ص ۱۷۰). این مفسر سپس می‌افزاید تحریک شهوت از شنیدن صدای این زینت به این شکل، بیشتر از نگاه به زینت است (همان).

بیان این مطلب متین است، اما انحصار صوت زینت به صدای خلخال، دلیلی ندارد. به خصوص این که پای کوبی تنها باعث آشکار شدن زینت بسته بر پا نمی‌شود، بلکه معلوم شدن زیورآلات بسته شده بر گوش، گردن، دست و پا، موجب نمایش مفاتن (مواضع تحریک‌آمیز) بدن نیز می‌شود. از این رو دیدگاه علامه طباطبایی بهتر به نظر می‌رسد که می‌گوید: «زن نباید پاهای خود را محکم به زمین بزند تا صدای زیورآلاتش از قبیل خلخال، گوشواره، گردنبند و دستبند در نیاید» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۱۱۲).

۴.۵.۶. راز اهتمام بیشتر به زنان

از اقتران دو آیه «غَصَّ بَصْرًا» معلوم شد که رعایت نگاه و فرو بستن چشم منحصر به زنان

نیست، بلکه مردان نیز باید مواظب نگاه خود باشند. ممکن است در مواردی تأکید بیشتری بر حجاب زنان شده باشد، اما این نشانه تبعیض میان زن و مرد نیست و تنها به این دلیل است که زن نماد زیبایی و جمال آفرینش است و در کنار زیبایی ظاهری، دارای احساسات لطیف (زیبایی باطنی) است. از آن جا که خود زن تمایل بیشتری به تبرج و خودنمایی دارد در صورت عدم پوشش، در معرض سوء استفاده مردان قرار می‌گیرد؛ از این رو طبیعی است که بیش از مردان مورد توجه شارع قرار گیرد. فلسفه حجاب افزون بر پاکیزگی درونی و فردی، جامعه را نیز پاک و طیب می‌کند و این امر موجب امنیت اجتماعی می‌شود که هم به سود فرد و هم به سود جامعه خواهد بود، چنان‌که خداوند می‌فرماید: ﴿ذَلِكِ أَرْكَىٰ لَهُمْ﴾.

۴.۶. آیات استیذان ممیز و بالغ

قرآن کریم برای هر کاری، آدابی را معین کرده است. در این آیات نیز خداوند به استیذان ممیز و بالغ اشاره می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ. وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ (نور: ۵۹-۵۸)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بردگان شما و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح و نیمروز، هنگامی که لباس‌های (معمولی) خود را بیرون می‌آورید و بعد از نماز عشا؛ این سه وقت خصوصی برای شماست؛ اما بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون اذن وارد شوند) و برگرد یکدیگر بگردید (و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت کنید). این‌گونه خداوند آیات را برای

شما بیان می‌کند و خداوند دانا و حکیم است و هنگامی که اطفال شما به سنّ بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همان‌گونه که اشخاصی که پیش از آنان بودند، اجازه می‌گرفتند؛ این چنین خداوند آیاتش را برای شما بیان می‌کند و خدا دانا و حکیم است.

۱.۶.۴. اذن گرفتن فرزندان

این آیه شریفه گرچه مربوط به موضوع بلوغ فرزندان و احکام ورود بر پدر و مادر است و باید در جای خود مورد بررسی قرار گیرد، اما به نوعی با رعایت حجاب در درون خانه مرتبط است. فرزندان که به حد بلوغ (جنسی) نرسیده‌اند، نباید در حال استراحت پدر و مادر بدون هماهنگی بر آن‌ها وارد شوند. از نسبت این حکم به افراد نابالغ چنین استنباط می‌شود که به طریق اولی نسبت به افراد بالغ، این حکم، جاری و ساری است، چنانکه در این آیه آمده است: «وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا...». این‌گونه نیست که همه فرزندان حتی کودکان مثلاً دو سه ساله که از مسائل جنسی و شهوانی سر در نمی‌آورند، مشمول این حکم باشند، بلکه مراد فرزندان هستند که به اصطلاح ممیزند و تا حدی بدی و زشتی را تشخیص می‌دهند؛ لذا خداوند فرمود: «عَوْرَاتٍ لَكُمْ». به نظر می‌رسد والدین باید با توجه به درکی که از فرزندان خود دارند، رعایت منظر و حضور آنان را بکنند.

۲.۶.۴. وظایف متقابل والدین و فرزندان

گرچه به صراحت قرآن کریم، فرزندان نباید در حال استراحت والدین بدون هماهنگی بر آنان وارد شوند، اما از مفهوم آیه به خوبی در می‌یابیم که والدین حق ندارند جلوی فرزندان خود عریان باشند و به اصطلاح قرآن، عورت خود را حفظ کنند (عَوْرَاتٍ لَكُمْ). عورت در لغت به معنی نگاه به قبیح و زشت است. لغت شناسان می‌گویند مواضعی که انسان عار از نگاه دیگران دارد و هر چیزی که انسان از دید دیگران مستور می‌دارد، عورت است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ذیل ماده عار). بنابراین چون در آن هنگام خاص، والدین لباس عادی خود را از تن کنده‌اند (تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ)، خوشایندشان نیست که دیگران حتی فرزندانشان بدان نگاه کنند. به گفته برخی مفسران، وضع ثیاب یا کندن لباس، کنایه از حالتی

است که دوست نمی‌دارند اجنبی آنان را ببینند (علامه طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۱۶۳).

۳.۶.۴. مشترک بودن زن و مرد در حکم

تعايير در دو آیه شریفه با الفاظ مذکر بیان شده است. در این جا ممکن است شبهه شود که با توجه به کاربست مذکر در آیات، پس زنان و دختران از این قانون مستثنی هستند و موظف به رعایت هیچ حق و تکلیفی نیستند! در پاسخ باید گفت این بحث گسترده است که باید در جای خود بررسی شود، اما به اجمال باید گفت که این گونه نیست که حکم مختص جنس مذکر باشد و جنس زن اعم از دختران و زنان حکم دیگری داشته باشند؛ زیرا بر اساس قاعده اشتراک در تکلیف و بر پایه فرهنگ ادبی قرآن و روایات در مواردی که دلیلی بر اختصاص حکم به جنس خاصی نباشد، آن حکم و یا حق، مشترک بین زن و مرد خواهد بود. دلیل دوم نیز در ادبیات عرب، طفل، لفظ مشترک بین مذکر و مؤنث است و اختصاصی ندارد، از این جهت نیز حکم مشترک است.

۴.۶.۴. دست یابی به قانون کلی

از این دو آیه برداشت می‌شود که احکام پسران نابالغ با پسران بالغ در اجازه گرفتن برای ورود به اتاق دیگران متفاوت است؛ پسران بالغ باید همانند بزرگسالان در همه اوقات برای ورود به اتاق اجازه بگیرند و دین اسلام حکم این دو گروه را یکسان دانسته است، اما در این حکم، اجازه به پسران نابالغ به دلیل عدم تکامل و بلوغشان در ابعاد مختلف و نیاز مداوم به پدر و مادر فقط در سه زمان استثنا شده است. در روایتی از علی علیه السلام آمده است: «شخصی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و پرسید: آیا وقتی می‌خواهم نزد مادرم بروم، باید اجازه بگیرم؟ حضرت فرمود: آری، گفت: چرا یا رسول الله؟ حضرت فرمود: آیا خوشحال می‌شوی وقتی وارد شدی، او را عریان ببینی؟ گفت: نه. فرمود: پس با اذن و اطلاع وارد شو» (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۵، ص ۶۶۴). رعایت احتیاط در برخورد حتی با محارم در ادامه روایت مذکور، آمده است که آن مرد افزود: یا رسول الله گیسوان خواهرم جلو من مکشوف می‌شود! آیا نگاهش کنم؟ فرمود: نه، گفتم: چرا؟ فرمود: بیم آن دارم که اگر از زیبایی‌ها، مو و دستان وی آشکار شود به درگیری [مبارزه برای کام‌گیری] منجر شود» (همان). این روایت ارشاد به این است که روابط صمیمی و رابطه نزدیک پسر و دختر، حتی اگر

خواهر و برادر باشند، بسیار خطرناک است و ممکن است کار به جاهای باریک و ناخواسته کشیده شود، چنانکه در روایت دیگری این‌گونه تعبیر شده است که «أَنْ يَسْتَفْزِكَ الشَّيْطَانُ»؛ شیطان تو را ریشه کن کند (همان). وگرنه براساس آیات قرآن، خواهر و برادر می‌توانند بدون نگاه هوس‌آلود، یکدیگر را ببینند.

با دقت و تدبیر در آیه و روایت می‌توان به یک قانون کلی دست یافت. بدین معنی که وجوب استیذان در آیه گرچه مربوط به اطفال و والدین است، اما ملاک آن کلی است؛ بنابراین برای همه افراد لازم و جاری است. به بیان شهید مطهری در این دو آیه یک استثناء وجود دارد و آن قانون کسب اجازه در وقت ورود به اتاق دیگران است؛ بدین معنی که هرکس می‌خواهد وارد محل خلوت دیگری شود باید اعلام کند و با کسب اجازه وارد شود و این دستور حتی برای محارم نزدیک مانند، پسر نسبت به مادر و پدر نسبت به دختر نیز جاری است (ر.ک مطهری، ۱۳۷۹، ص ۱۵۰-۱۴۹).

۵. گام‌های قرآن در سیر تشریح حجاب

با توجه به این مراحل، تشریح احکام چه در موضوع حجاب و یا سایر موضوعات دیگر باید براساس ترتیب نزول بررسی شود نه ترتیب موجود در قرآن. بنابراین ابتدا باید ترتیب نزول آیات حجاب مشخص شود. با توجه به گزارش‌های تاریخ قرآن، سوره احزاب در ترتیب نزول، سوره نود و سوم قرآن و سوره نور یکصد و سومین سوره قرآن و هر دو از سوره‌های مدنی هستند، در نتیجه نزول سوره نور پس از سوره احزاب است.

۱.۵. گام‌های هشت‌گانه

با مرور در آیات حجاب و ترتیب نزول آن‌ها، معلوم می‌شود که از آغاز طرح مسأله حجاب تا زمان تشریح آن، چندین گام برداشته شده که به شرح زیر است:

- گام اول: کلید خوردن مسأله حجاب از داخل خانه پیامبر ﷺ با نهی زنان آن حضرت از سخن گفتن با ناز و کرشمه: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ»

إِن اتَّيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا ﴿احزاب: ۳۲﴾.

- گام دوم: کنترل رفتار زنان پیامبر ﷺ با نهی آنان از تبرج: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾ (احزاب: ۳۳).

- گام سوم: صیانت از همسران پیامبر ﷺ با سفارش به مردم در برخورد با آنان: ﴿إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ﴾ (احزاب: ۵۳).

- گام چهارم: یکسان سازی زنان جامعه با زنان پیامبر ﷺ با بیان لزوم پوشیدن مقنعه و چادر به دلیل حفظ حرمت و امنیت خودشان: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ﴾ (احزاب: ۵۹).

- گام پنجم: سفارش به چشم فرو بستن مردان از نگاه به زنان: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ... ذَلِكَ أَرْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾ (نور: ۳۰).

- گام ششم: سفارش به چشم فرو بستن زنان از نگاه به مردان: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ...﴾ (نور: ۳۱).

- گام هفتم: کنترل نوجوانان ممیز و ملزم کردن آنان به اجازه گرفتن، هنگام ورود بر والدین: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنُوا...﴾ (نور: ۵۸).

- گام هشتم: کنترل جوانان و بزرگسالان با ملزم کردن آنان به استیذان از والدین، هنگام داخل شدن بر آنان در محل استراحت: ﴿فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ (نور: ۵۹).

ملاحظه می شود که موضوع حجاب، ابتدا از خانواده پیامبر ﷺ شروع شد، پس از آن به درون جامعه تعمیم یافت و سپس به درون خانه مؤمنین ختم شد. بنابراین آیات هشتگانه حجاب را می توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول؛ آیات خطاب به جامعه ایمانی. دسته دوم؛ آیات مشترک میان خانواده پیامبر ﷺ و مردم. دسته سوم؛ آیات خطاب به همسران پیامبر ﷺ.

۲.۵. ویژگی‌های حجاب قرآنی

با نگاهی کلان به احکام حجاب قرآنی آشکار می‌شود که تشریح حجاب دارای چند ویژگی است:

۱. با توجه به ترتیب نزول دو سوره، فرمان رعایت حجاب در سال پنجم هجری صادر شده است و این بدان معنی است که در فرایند تشریح احکام، تشریح حکم حجاب، پس از تشریح احکام عبادی، حقوقی، جزایی، کیفری، سیاسی، جهادی و... صورت گرفته است.
۲. از ترتیب نزول آیات و سوره‌های قرآن و تقسیم سوره‌ها به مکی و مدنی، چنین استنباط می‌شود که در مکه سخن از حجاب نبوده و تشریح آن در مدینه صورت گرفته است.
۳. در فرایند تشریح حجاب، حکم جَلْبَاب (چادر و حجاب سراسری) قبل از حکم خُمُر (مقنعه و روسری) است که پوشش از یک قطعه به قطعات متعدد افزایش یافته است. در حقیقت حکم حجاب، سیر صعودی از آسان به دشوار را پیموده و ویژگی تدریجی بودن در آن رعایت شده است.
۴. نکته قابل توجه در تشریح حکم حجاب، این است که خداوند منفعت و حکمت آن را بیان می‌کند، چنان‌که در قرآن آمده است: ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾ (احزاب: ۳۲)؛ یعنی رعایت این امر موجب کنترل شهوت انسان‌های هوسران در زنان می‌شود. همچنین خداوند در آیه ﴿ذَلِكُمْ أَظْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ﴾ (احزاب: ۵۳) فرموده است که این نسخه شفابخش برای قلب‌های سائل و مسئول تأثیرگذارتر است و در آیه ﴿ذَلِكِ أَرْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾ (نور: ۳۰) فرموده است که فواید رعایت حجاب و عفاف به خود شما باز می‌گردد.
۵. بر اساس آموزه‌های ثقلین، قرآن به اصل تشریح و احکام کلی حجاب پرداخته است و ائمه معصومین علیهم‌السلام به تبیین جزئیات و بیان مصادیق آن مبادرت کرده‌اند.
۶. توصیه‌های حجاب در قرآن چون پرهیز از چشم‌چرانی، پنهان نگه داشتن زینت، پرهیز از نرمی در سخن، نفی تبرج و... به نوعی نفی افراط و تفریط است؛ به این معنی که اسلام نمی‌گوید زن باید به طور مطلق از خانه بیرون نرود و یا به هر شکل دلخواه و با خودنمایی

در منظر عموم ظاهر شود. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در وصیت به امام مجتبی علیه السلام می فرماید: «با پوششی که بر آنان قرار می دهی دیده آنان را از دیدن مردمان بازدار. زیرا سختی حجاب، آنان را پاک تر نگاه می دارد، و بیرون رفتن زنان از خانه بدتر از این نیست که افراد غیرمطمئن را بر آنان درآوری، و اگر بتوانی چنان کن که غیر تو را نشناسند، اموری که در خورتوان زنان نیست به دستشان مسپار، زیرا زن گلی است ظریف، نه خادم و کارپرداز» (صبحی صالح، ۱۴۱۴ق، ص ۴۰۵).

از این کلام امیرالمؤمنین علیه السلام به یک توصیه ارشادی دست می یابیم که با توجه به جایگاه ویژه زن در آفرینش، پرهیزی از اموری که در شأن و جایگاهش نیست، بهتر است؛ زیرا جنس زن (نه تعدادی استثنایی) به تعبیر آن حضرت، همانند گلی ظریف است، نه کارگر و کارمند در فعالیت های شاق و طاقت فرسا مانند طلا که با همه زیبایی و ارزشی که دارد، نمی تواند به عنوان ستون در ساختمان به کار گرفته شود، اما آهن گرچه در مقایسه با طلا ارزش چندانی ندارد از عهده این کار برمی آید. ضمن این که زن مجاز است برای امور مناسب و متناسب در اجتماع ظاهر و حاضر شود و با شرایط ویژه، دوشادوش مردان به فعالیت های اجتماعی بپردازد.

۷. تشریح حکم حجاب برای زنان و مردان جامعه ی ایمانی است که بر اساس قواعد اصولی و فقهی، واجب و ترک آن معصیت است. از این جهت حکم حجاب با دیگر احکام فقهی اسلام تفاوتی ندارد، بلکه از مسلمات دین اسلام است، اما این که انتخاب حجاب می تواند آزاد باشد تا هر کس بخواهد رعایت کند و هر کس نخواست، سبک دیگری را برگزیند و یا این که باید اجباری باشد و همه در محیط های مختلف زندگی اعم از خانه، محل تحصیل، اداره، سطح شهر و... موظف به رعایت آن باشند و همچنین به عنوان مقوله قابل امر به معروف و نهی از منکر، افراد متدین مجاز به تذکر باشند و یا گروه ویژه ای بر رعایت آن نظارت داشته باشند، امری دیگری است. به عبارت دیگر باید بین وجوب یک عمل و اجباری بودن آن تفاوت قائل شد. یک عمل ممکن است واجب باشد، اما اجباری نباشد؛ مثل نماز خواندن و روزه گرفتن. البته نماز خواندن با رعایت حجاب

قابل مقایسه نیست، چون نماز موضوعی فردی و حجاب اجتماعی است. این مقوله نیاز به پژوهش مستقل دارد، هرچند به نظر می‌رسد روح تشریح حکم حجاب، افزون بر التزام فردی، افراد را به سمت التزام نسبی (نوعی سترو پوشش) رهنمون می‌کند، زیرا این مسأله همان‌گونه که اشاره شد از سنخ حقوق مدنی است و از سوی دیگر ترک آن موجب فساد در جامعه خواهد شد.

نتیجه‌گیری

با مرور آیات مربوط به حجاب و مطالعه تفاسیر آن می‌توان موارد زیر را در خصوص اهمیت مسأله پوشش و حجاب، اصل تشریح و سیر تکمیلی آن به عنوان نتیجه پژوهش بیان کرد:

۱. تشریح حجاب در دو سوره نور و احزاب که هر دو مدنی هستند، در سال پنجم هجری رخ داده و با برداشتن چندین گام به حکم نهایی رسیده است. سیر تشریح حجاب از خانواده پیامبر ﷺ آغاز شد و بعد به درون جامعه تعمیم یافت و در نهایت به خانه مؤمنان منتهی شد.

۲. قرآن کریم در عمده‌ترین آیات مربوط به حجاب با نهی از گفتگو با ناز و کرشمه و خودنمایی زنان، زمینه روابط نامشروع را مسدود کرده است.

۳. حجاب مطلوب قرآنی این است که زن نباید برهنه یا نیمه برهنه در جوامع حضور یابد، بلکه با استفاده از ابزاری چون مقنعه، روسری و چادر، امنیت فردی و سلامت اجتماعی را تأمین کند.

۴. از نظرگاه قرآن حجاب تنها مختص به زنان نیست، بلکه مردان نیز باید آن را رعایت کنند. همچنین این حکم به یک گروه یا یک طبقه خاص از زنان اختصاص نیافته، بلکه همگان ملزم به رعایت آن هستند.

۵. از نظر قرآن کریم، حکمت حجاب، تأمین امنیت فردی و اجتماعی است که این مهم را با تعبیری چون «أَظْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» و «أَزْكَى لَهُم» بیان کرده است.

۶. در فرهنگ قرآن، مقولاتی چون فرو بستن چشم توسط زن و مرد، پرهیز از آشکار

کردن زینت زن، پوشاندن سرو سینه، گریبان و یقه توسط زن و نیز صیانت زن و مرد از نگاه طفل ممیز و استیدان برای ورود به استراحتگاه والدین، مجموعه مفاهیم حجابی را تشکیل می‌دهند.

۷. در نگاه نهایی قرآن، حجاب یک حکم فردی و حریم خصوصی نیست تا متعلق به آزادی باشد، بلکه یک امر التزامی و الزامی است و مقایسه آن با واجبات دیگر که بیش ترجیه فردی دارند، قیاس نابه جا است.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه، ترجمه حسین انصاریان.
۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد. *النهايه في غريب الحديث والأثر*، تصحيح محمود محمد طناحی و طاهر احمد زاوی، چاپ چهارم، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷.
 ۲. ابن عاشور، محمدطاهر. *التحریر والتنویر*، بیروت: مؤسسه التاريخ العربي، ۱۴۲۰ق.
 ۳. ابن عباس، عبدالله. *غريب القرآن في شعر العرب*، بیروت: مؤسسه الكتب الثقافیه، ۱۴۱۳ق.
 ۴. ابن عربی، محمد بن عبدالله. *احكام القرآن*، تحقیق علی محمد بجاوی، بیروت: دار الجیل، ۱۴۰۸ق.
 ۵. ابن فارس، احمد بن فارس. *معجم مقاییس اللغة*، تصحيح عبد السلام محمد هارون، قم: مكتب الاعلام الاسلامي، ۱۴۰۴ق.
 ۶. ازهری، محمد بن احمد. *تهذيب اللغة*، بیروت: دار احیاء التراث العربي، ۱۴۲۱ق.
 ۷. بروجرودی، آقا حسین. *جامع أحادیث الشیعه*، تصحيح جمعی از مؤلفان، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶.
 ۸. جوهری، اسماعیل بن حماد. *تاج اللغة و صحاح العربیه*، تصحيح احمد عبد الغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۳۷۶.
 ۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
 ۱۰. زمخشری، محمود بن عمر. *الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، چاپ سوم، بیروت: دار الكتاب العربي، ۱۴۰۷ق.
 ۱۱. طباطبایی، محمد حسین. *المیزان في تفسیر القرآن*، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه علمی، ۱۳۹۰.
 ۱۲. طبرسی، فضل بن حسن. *مجمع البیان في تفسیر القرآن*، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
 ۱۳. عمید، حسن. *فرهنگ عمید*، مؤسسه تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۲.
 ۱۴. فراهیدی، خلیل بن احمد. *کتاب العین*، چاپ دوم، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
 ۱۵. فیومی، احمد بن محمد. *المصباح المنیر*، چاپ دوم، قم: مؤسسه دارالهجره، ۱۴۱۴ق.
 ۱۶. قرطبی، محمد بن احمد. *الجامع لأحكام القرآن*، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
 ۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب. *الکافي*، علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دار الكتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
 ۱۸. مطهری، مرتضی، *مسأله حجاب*، چاپ پنجاه و دوم، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۷۹.
 ۱۹. معین، محمد. *فرهنگ فارسی*، تهران: بی تا.
 ۲۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. *تفسیر نمونه*، چاپ دهم، تهران: دار الكتب الإسلامیه، ۱۳۷۱.

بررسی ابعاد عفاف در قرآن و حدیث^۱

زینب طیبی^۲

زهره عزیزی^۳

چکیده

از فضائل اخلاقی مورد تأکید در قرآن کریم، عفت ورزیدن است. عفت به معنای حالتی درونی در انسان است که او را از حرام باز می‌دارد و به مراتب والای انسانیت رهنمون می‌کند. عفاف افزون بر این که نقش مهمی در سلوک فردی انسان به سوی مقصد آفرینش دارد، می‌تواند جامعه را از خطر سقوط اخلاقی و سلطه فرهنگی بیگانگان نجات دهد، از این رو پرداختن به ابعاد عفاف و کارکرد آن در رشد و تعالی انسان بایسته است. با عنایت به این که در قرآن کریم عفت ورزی در سه حوزه کردار، گفتار و اندیشه مطرح شده است و در روایات معصومین علیهم‌السلام، «عفاف» بهترین عبادت شمرده شده است، این پژوهش با استفاده از منابع مکتوب کتابخانه ای و پردازش اطلاعات با رویکرد توصیفی-تحلیلی، به بررسی ابعاد عفاف پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از منظر قرآن و حدیث، عفت در نگاه، عفت در پوشش، عدم پوشش لباس شهرت، عدم تَبَرُّج، عفت در طعام و مال از مصادیق عفاف در کردار است. قول معروف، سخن به ضرورت، عدم شوخی با نامحرم، استفاده نکردن از محتوای شهوت‌انگیز نیز در آیات مرتبط با عفاف در گفتار آمده است. همچنین ممنوعیت اختلاط با نامحرم، خلوت نکردن با نامحرم، پرهیز از عشوه و ناز، پرهیز از مصافحه، پرهیز از خلوت‌گزینی و دل‌باختگی نامشروع، از جمله راه‌کارهای قرآن و حدیث برای حفظ عفاف در اندیشه است.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، ابعاد عفاف، حجاب، حدیث.

۱. تاریخ دریافت: ۹۹/۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۱۸

۲. استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران tazayyebi62@gmail.com

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی هدی azizi68z@yahoo.com

۱. مقدمه

عفاف در مفهوم مقاومت در برابر خواسته های نفسانی، یکی از فضایل مهم اخلاقی است که علاوه بر آنکه در قرآن به روشنی آمده است، در روایات معصومین علیهم السلام نیز دارای جایگاه ویژه ای است. از دیدگاه معصومین علیهم السلام، گستره عفاف از رعایت عفاف ظاهری با پوشش مناسب و عدم تبرّج، فروگرفتن چشم از نگاه به بیگانگان تا حفظ باطن در برابر ارتکاب به حرام، همه جوانب را در برمی گیرد. از این روانسان های عقیف پایه گذار جامعه ای عقیف هستند که در برابر زشتی ها مقاومت نموده و دامن عفتشان را به پلیدی ها نمی آیند. با وجود اهمیت مباحث عفاف زنان و مردان در آیات و روایات و پژوهش هایی محدود و پراکنده در ابواب گوناگون فقهی به ویژه در باب صلاح و نکاح در آثاری مانند مبسوط و خلاف شیخ طوسی، سرائر ابن ادریس، شرایع الاسلام محقق حلی، جامع المقاصد محقق کرکی، مسالک الأفهام شهید ثانی، جواهرالکلام محمد حسن نجفی و عروة الوثقی اثر سید محمد کاظم یزدی و عنایت مفسران و اندیشه وران مسلمان به تبیین جوانب تفسیری عفاف، به نظر می رسد نگاهی مستقل به ابعاد عفاف زنان و مردان در آیات و روایات با تأکید بر دیدگاه اندیش وران مسلمان صورت نگرفته است و آنچه بیشتر در این زمینه انجام شده بر مبنای عدم تمایز مفهوم حجاب از عفاف است. با وجود آنکه استعمال واژه عفاف در معنای خاص حجاب، استعمال کل در جزء است، معنا، مفهوم و ابعاد عفاف بسیار فراتر و گسترده تر از حصر آن در معنای پوشش و حجاب است و تبیین زوایای این بحث نیازمند پژوهشی مستقل است. در این نوشتار تلاش شده است با ارائه ای نوین، منسجم و منطقی از پژوهش های گذشته درباره حجاب و عفاف، مبناسازی و استدلال بر دیدگاه برخی مفسران درباره ابعاد عفاف نیز انجام شود. تتبع در آثاری که تاکنون در پیوند با موضوع این پژوهش نوشته شده است نشان می دهد با وجود نگارش مقالاتی مانند «عفاف در قرآن و نگاهی به روایات» نگاشته کاظم قاضی زاده و سید علی سلیمانی، «مفهوم شناسی حیا و عفاف، آسیب ها و راه کارها»، نوشته انسیه ماهینی، نگاشته حاضر، نخستین اثری مستقلی است که با رویکرد تحلیلی-توصیفی، به مطالعه تطبیقی ابعاد عفاف در قرآن و حدیث پرداخته است.

۲. مفهوم‌شناسی

در اینجا به تعریف مهم‌ترین واژه‌های مرتبط با بحث، برای روشن‌تر شدن موضوع نگاشته حاضر پرداخته شده است.

۱.۲. حجاب

حجاب در لغت معانی مختلف دارد؛ مانند پوشش، پرده، منع و آنچه میان دو چیز واقع شود (انوری، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۲۴۶۸). این واژه از ریشه حجب به معنای مانع ایجاد کردن چیزی در مقابل چیز دیگر است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ذیل ماده حجب). مراد از کلمه حجاب در مباحث مربوط به روابط زن و مرد به معنای آن چیزی است که مانع نگاه غیر مجاز می‌شود و آن پوشش است که لازمه حجاب است. در اصطلاح نیز حجاب یا به مقنعه گفته می‌شود و یا به پوششی که روی تمام لباس‌ها را بپوشاند. از این رو به طور حتم، سر و گردن و سینه و اطراف آن با حجاب پوشانده می‌شود (ابن عاشور، ج ۲۱، ص ۳۲۸). استعمال کلمه «حجاب» در مورد پوشش زن یک اصطلاح جدید است و در اصطلاح فقها کلمه «ستر» به معنای پوشش به کار رفته است، زیرا معنای شایع لغت «حجاب» به معنای پرده است و همین امر موجب شده بعضی گمان کنند که اسلام خواسته زن پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۷۳).

۲.۲. عفاف

داشتن ویژگی عفت و مزین بودن به عفاف یکی از بزرگ‌ترین فضایل اخلاقی انسان است. در قرآن کریم، عفاف به دو صورت «یستعفف» و «تعفف» و در مجموع در چهار آیه آمده است. عفاف با توجه به متن آیه، معانی مختلفی دارد که عبارت است از: عفت به معنای خویشتن‌داری به موقع اظهار نیاز (بقره: ۲۷۳)، قناعت (نساء: ۶)، پاک‌دامنی (نور: ۳۳) و رعایت حجاب (نور: ۶۰). واژه‌ی عفاف به فتح عین، مصدر ماده‌ی «عف» و مصدر دیگر آن «عفه» است که هر دو به یک معنا بوده و به جای یکدیگر به کار می‌روند. نگرش بیشتر اهل لغت از عفاف، «خویشتن‌داری» نفس است؛ ولی دامنه عفاف در این نگره متفاوت است؛ ابن فارس خویشتن‌داری نفس را

نسبت به آن چه انجام آن سزاوار نیست، دانسته و دامنه آن را افعال رفتاری، گفتاری و هرآن چه انجام آن برای نفس سزاوار نیست، می داند (ابن فارس، ۱۳۸۷، ص ۶۷۶). صاحب اقرب الموارد گستره عفاف را وسیع دانسته و می گوید: «عف الرجل: كف عما لا يحل ولا يجمل قولاً أو فعلاً و امتنع» (شرتونی، ۱۹۹۲م، ج ۲، ص ۸۵۳). ابن منظور در تعریف واژه‌ی عفاف می گوید: «خودداری از عمل یا سخنی که حلال و نیکو نیست» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۹، ص ۲۵۳)، اما عده‌ای دامنه عفاف را محدود به خویشتن داری از حرام برشمرده‌اند (طریحی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۲۰۸). برخی دیگر از اهل لغت معتقدند که عفاف یک حالت درونی و نفسانی است که مانع غلبه شهوت و تمایلات نفسانی می شود و این حالت غیر از تقواست که مانع از انجام کارهای ناشایست در بیرون می شود. راغب در مفردات می گوید: «عفت حالتی است برای نفس که مانع از غلبه شهوت بر نفس می شود که اصل آن، اکتفا کردن به بهره برداری از هر چیزی به صورت کم است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۳۹) و در کتاب الذریعه الی مکارم الشریعه، آن حالت را اعتدال بین افراط و تفریط می داند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۳۱۵). با توجه به معانی لغوی و استعمالی واژه عفاف باید گفت: ۱. عفاف یک حالت درونی نفسانی است، نه بیرونی؛ ۲. این حالت یک بازدارندگی برای نفس دارد و مانع از میل و غلبه هوی و هوس و لذایذ و تمایلات حیوانی بر نفس می شود؛ ۳. دامنه معنای استعمالی عفاف گسترده است.

شهید مطهری عفاف را این گونه تعریف می کند: «عفاف و پاک دامنی یک حالت نفسانی است؛ یعنی رام بودن قوای شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان، تحت تأثیر قوه‌ی شهوانی نبودن، شهوه نداشتن» (مطهری، ۱۳۸۶، ص ۱۰۴). خواجه نصیرالدین طوسی در تعریف عفت گفته است: «عفت، ملکه‌ی خلقی یا فضیلتی است که قوه‌ی شهوانی را کنترل کرده و زیر پوشش قرار می دهد تا اراده بر مقتضای تدبیر عقلی به سوی این قوه گسیل شود و اجازه نمی دهد که اراده به طور مستقیم در دسترس قوه‌ی شهوانی قرار گیرد تا به سوی مطلوبات خود برود» (طوسی، ۱۴۰۹ق، ص ۹۸۷). عفت دو مفهوم دارد؛ یک مفهوم عام که عبارت است از خویشتن داری در برابر هرگونه تمایل افراطی نفسانی و مفهوم خاص آن که خودداری از تمایلات افراطی است (احمدی سلمانی، ۱۳۸۴، ص ۹۱). عفت در هر دو مفهوم عام و خاص آن

اختصاص به جنس زن ندارد، بلکه هم برای زن و هم برای مرد یک ضرورت محسوب می‌شود. با جمع‌بندی تعاریف عفاف، می‌توان گفت که این واژه به معنای کنترل شهوت در حد اعتدال و تبعیت آن از عقل است. لازم به ذکر است که عفاف «دارای مفهوم عام و خاص است؛ مفهوم عام آن، خویشتن‌داری در برابر هرگونه تمایل افراطی و نفسانی است و مفهوم خاص آن، خویشتن‌داری در برابر تمایلات بی‌بند و باری جنسی است (علم‌الهدی، ۱۳۹۱، ص ۲۶).

۳. ابعاد عفاف

عفاف یک زینت اخلاقی و از مسائل مهم مورد تأکید در قرآن کریم و احادیث است. تقویت این ویژگی در وجود انسان او را از ابتلا به بسیاری از گناهان بازمی‌دارد و مسیری را به سوی سعادت هموار می‌کند. عفاف در قرآن و احادیث در چهار بُعد نگاه، پوشش، گفتار و اندیشه آمده است.

۳.۱. عفاف در نگاه

چشم یکی از نعمت‌های الهی در خدمت انسان است که برای یاری رساندن او در رسیدن به کمال و سعادت حقیقی به کار می‌رود و سهم بسزایی در تکوین شخصیت و کسب فضایل اخلاقی دارد. از سوی دیگر، تمایلاتی از جمله گرایش به جنس مخالف به طور فطری در درون انسان وجود دارد که «نگاه» از مؤثرترین ابزارها و مقدمه‌ی آن است. نگاه در ارتباطات غیرکلامی هم می‌تواند دریافت‌کننده پیام و هم ارسال‌کننده پیام باشد. قرآن کریم حفظ نگاه را عاملی مهم برای کنترل گناه شهوت جنسی و حفظ حیا می‌داند و می‌فرماید:

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّونَ أَبْصَارَهُمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ

يَغُضُّنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ﴾ (نور: ۳۱-۳۰)؛

به مردان باایمان بگو دیده (از نامحرم) فرونهند و پاک دامنی خود را حفظ کنند که این برای آن‌ها پاکیزه‌تر است. همانا خداوند به آن چه می‌کنند آگاه است و به زنان باایمان بگو چشمان خود را از آن چه حرام است، فروبندند.

ظاهر آیه این است که مراد از امر به چشم پوشی در آیه شریفه، نهی از مطلق نگاه به زن اجنبی است و مطابق روایات، آنچه از نگاه به زن نامحرم حلال است، صورت و کفین است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۵، ص ۱۱۷) و اگر آن هم با لذت همراه باشد بدون اشکال نیست.

قرآن کریم امر می‌کند که در تعامل نگاه خویش با نامحرم، حریم عفاف را مدنظر قرار دهید و با نگاه همراه با غرض به یکدیگر نگاه نکنید که رعایت این امر در پاک دامنی و سلامت جنسی و تقوای درونی شما بسیار مؤثر است. اگرچه غمض و بستن چشم را توصیه نمی‌کند، اما از چشم چرانی نیز منع و تعادل بر پایه عفاف را در نگاه اجتماعی ملاک شرعی قرار می‌دهد. بیان «غض بصر» در آیه غیر از «غمض بصر» است. «غض بصر» به معنای کوتاه کردن و کاهش دادن و تند نظر نکردن است (راغب اصفهانی، ذیل ماده غض). بنابراین آیه، کاهش دادن نگاه و خیره نگاه نکردن است و به اصطلاح علمای اصول، نظر باید آلی باشد نه استقلالی؛ یعنی چشم چرانی نکنند (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۱۲۷).

از آن جا که عامل اصلی بسیاری از انحرافات، «نگاه آلوده» است، از این رو در روایات در خصوص خویشتن داری و کنترل نگاه چشم، بسیار سفارش شده که در صورت عدم کنترل آن، خسران و ضررهای دنیوی و اخروی، از جمله عدم درک حقایق هستی و بازماندن از سعادت ابدی را در پی خواهد داشت. از امام علی علیه السلام روایت شده است: «چشم راهبر (پیام رسان) دل است» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۹، ص ۶۰). کنترل نگاه از دو جنبه می‌تواند رابطه دو جنس را از حالت عفیفانه خارج سازد: یکی از جنبه چشم چرانی و دیگری از جنبه عاطفی. هر چند نگاه هوس آلود به جنس مخالف، بیشتر دامن گیر مردان غیر عقیف است، اما زنان نیز می‌توانند به این آلودگی دچار شده و نگاه‌های معناداری به جنس مخالف داشته باشند؛ نگاه‌هایی که جرقه آتشی خطرناک برای طرفین است.

عفاف اسلامی، زن و مرد نامحرم را از نگاه‌های خیره و ممتد به یکدیگر باز می‌دارد. این نگاه می‌تواند فارغ از برقراری ارتباط با طرف مقابل و صرف چشم دواندن در جذابیت‌های ظاهری وی و به عبارتی، چشم چرانی باشد و یا می‌تواند نگاهی عاطفی یا هوس‌انگیز برای گره زدن به نگاه جنس مخالف باشد؛ نگاهی سرشار از عاطفه و رغبت که با استعداد فوق العاده‌ای که

چشم انسان دارد، می‌تواند احساس قلب را به مخاطب منتقل کند. هرچند که این نوع نگاه هم می‌تواند همراه با چشم چرانی باشد و غیر از تبادل احساس، کسب لذت جنسی هم نماید. نگاه، چشم عقل را بسته و راه قلب را باز می‌کند. روایات مختلف، این نگاه‌ها را نفی کرده و فرد مسلمان را به حفظ نگاه سفارش کرده‌اند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «بسی نهال هوس که از نیم‌نگاهی کاشته شده است» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۹، ص ۳۸۱). عاقبت نگاه کنترل نشده، آن قدر وخیم است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام در روایتی دیگر می‌فرماید: «کوری چشم بهتر از بسیاری نگاه‌هاست» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۹۵).

در مورد نهی از نگاه خیره و چشم چرانی روایات فراوانی از معصومین علیهم السلام رسیده است. پیامبر اکرم می‌فرماید: «آن کس که چشم را از حرام پرکند، خداوند در روز قیامت چشم‌هایش را از میخ‌های آتشین پُر خواهد کرد و آنگاه درونش را آکنده از آتش می‌کند تا مردم از گورها برآیند و سپس او را به آتش م‌افکنند» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۶۸). در همین رابطه از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است: «نگاه (حرام) تیری است مسموم از جانب شیطان. هر کس آن را به خاطر خدا - نه غیر او - ترک کند، خداوند در پی آن ایمانی به او می‌دهد که طعم آن را بچشد» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۸).

حاصل بحث آن‌که از آن‌جا که عامل اصلی و اولیه بسیاری از انحرافات، «نگاه حرام» است؛ از این رو خداوند در سوره نور آیات ۳۱ و ۳۰، اولین دستوری که در زمینه عفاف می‌دهد، حفظ نگاه و پرهیز از چشم چرانی است.

۲.۳. عفاف در پوشش

لباس و پوشش نعمتی بزرگ و متناسب با فطرت انسان است که خداوند متعال در قرآن کریم از آن یاد می‌کند:

﴿يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ وَرِيشًا وَ لِبَاسَ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ﴾ (اعراف: ۲۶)؛

ای فرزندان آدم! در حقیقت، ما برای شما لباسی فرو فرستادیم که عورت‌های

شما را پوشیده می‌دارد و [برای شما] زینتی است، ولی بهترین جامه لباس تقواست. این از نشانه‌های [قدرت] خداست، باشد که متذکر شوند».

یکی از بارزترین مصادیق عفاف، مسأله «حجاب و پوشش» است. عفت در پوشش یعنی انتخاب جامه و لباسی که با هویت دینی، هنجارهای اخلاقی، شخصیت والای انسانی و ارزش‌های متعالی اجتماعی، سازگار باشد. توصیه‌های دینی درباره پوشش با هدف حفظ خویشتن‌داری و کاهش تحریکات جنسی و جلوگیری از فساد است که امنیت فرد و جامعه را تأمین می‌کند. به عبارت دیگر، انسان با پوشیدن لباس‌های تنگ، چسبان، نازک و بدن‌نما، موجب جلب نظر دیگران و گسترش فساد جنسی می‌شود و در نتیجه آسایش و امنیت روانی را از خود و جامعه سلب می‌کند؛ به خصوص در میان زنان که از مصادیق مهم بی‌عفتی، عدم پوشش مناسب آنان است. خداوند منان در قرآن توصیه می‌کند: «وَلْيَضْرِبْنَ خُمْرَهُنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» (نور: ۳۱)؛ زنان طوری روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند تا گردن و سینه‌هایشان پوشانده شود. خداوند حکم بهترین پوشش را برای آسایش خود زنان این‌گونه بیان می‌کند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (احزاب: ۵۹)؛ ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: از پوشش‌های بلند (چادر مانند) شان به خودشان نزدیک کنند».

درباره‌ی جلباب معانی مختلفی بیان شده است؛ برخی می‌گویند که جلباب پوشش سرتاسری است که تمام بدن را می‌پوشاند و یا روسری مخصوصی است که صورت و سر را می‌پوشاند و زنان باید جلباب را طوری بپوشند که زیر گلو و سینه‌هایشان در معرض ناظرین نباشد، این کار به معرفی زنان به این‌که اهل پوشش و صلاح هستند، نزدیک‌تر است و دیگر مورد اذیت اهل فسق و فجور واقع نمی‌شوند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۶، ص ۵۱۹-۵۱۰).

بدون تردید، باورها و عقاید فرد عقیف در عمل او ظاهر می‌شود و پوشش یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های این اظهار است. در حقیقت عفت درونی، فرد را به تست‌بیرونی سوق می‌دهد. از آن‌جا که جسم زن بیش از مرد قابلیت جذب جنس مخالف را دارد و روح زن نیز دل‌بستگی بیشتری به خودآرایی و عشوهِ دارد، از این رو تأکید اسلام بر حجاب زنان، پرننگ‌تر است. از

دیدگاه قرآن کریم، فطرت انسان از عریانی گریزان است. این اصل را می‌توان از داستان حضرت آدم و حوا عَلَيْهِمَا السَّلَام در بهشت، اغوای ایشان توسط شیطان و برهنه شدن و تلاش آن دو برای پوشاندن خود استنباط کرد که خداوند متعال در سوره‌های اعراف و طه به آن اشاره کرده است (اعراف: ۲۲-۲۰؛ طه: ۱۲۱). خداوند متعال در آیات سوره‌ی مبارکه‌ی اعراف پس از بیان وسوسه‌ی آدم و حوا عَلَيْهِمَا السَّلَام از سوی شیطان، لباس و زینت را از نعمت‌های خود برمی‌شمرد که بر بنی‌آدم ارزانی داشته است:

﴿يا بني ادم قد أنزلنا عليك لباسا يوارى سواتكم و ريشا و لباس التَّقوى ذلک خيرٌ ذلک من آیات الله لعلهم يذکرون﴾ (اعراف: ۲۶)؛ ای فرزندان آدم، در حقیقت، ما برای شما لباسی فرو فرستادیم که عورت‌های شما را پوشیده می‌دارد و [برای شما] زینتی است، [ولی] بهترین جامه، [لباس] تقوا است. این از نشانه‌های [قدرت] خداست، باشد که متذکر شوند».

آیات مربوط به پوشش زنان در سوره نور آیات ۳۰ و ۳۱ و سوره احزاب آیه ۵۹ به صورت خاص بیان شده است. از این آیات استفاده می‌شود که آنچه از منظر قرآن اهمیت دارد، عفت در پوشش است و بدون آن فلسفه حجاب تحقق نخواهد یافت که در این بخش، مؤلفه‌هایی که زن باید در پوشش خود در مقابل نامحرم، رعایت کند از منظر قرآن و احادیث بیان شده است.

۱.۲.۳. پوشش مطمئن

خداوند متعال، زنان را به داشتن پوشش مطمئن توصیه می‌کند و در آیاتی نحوه‌ی این پوشش را به زنان آموزش می‌دهد: ﴿يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ﴾ (نور: ۳۱)؛ شرمگاه‌های خود را نیز از دید دیگران بپوشانند». بنا بر نظر مفسران، هر جا در قرآن «حفظ فرج» آمده، به معنای حفظ آن از زنا است، جز در این آیه که به معنای حفظ از نظر است و مقصود وجوب پوشش عورت است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۱۳۸) و عورت هر آن چیزی است که انسان از نمایان شدن آن شرم دارد (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۲۶۰). بنابراین فتوای فقها، کل بدن زنان عورت است، مگر صورت و دو دست تا مچ (ایروانی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۵۸). انسان عقیف باید بدنش را مستور نگاه دارد و عورتش را از دید دیگرانی که نظر آن‌ها جایز نیست، بپوشاند. هم مرد و هم زن باید این مسائل را به

دقت رعایت کنند و کسانی که وسیله زناشویی نمی یابند، باید عفت ورزند تا خدا آنان را از فضل خویش بی نیاز کند. در فراز دیگری از این آیه بیان شده است: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» (نور: ۳۱)؛ و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود). «واژه ی خمر اصل واحدی است که بر «پوشیدن» دلالت دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴، ق، ۲، ص ۲۱۵) و علت نامیده شدن مقنعه به خمار این است که سربواسطه آن پوشیده می شود (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۲۹۲). در تفسیر مجمع البیان آمده است که زنان مأمور شده اند که روسری های خود را بر روی سینه خود بیفکنند تا افزون بر سرو گردن، روی سینه های آنان نیز پوشیده باشد، زیرا قبل از نزول آیه، زنان دامنه روسری ها را به پشت سر می افکندند و سینه و گردن آنان، نمایان بود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۱۳۸). این آیه در صدد منع زنان از آشکار کردن زیبایی های ذاتی خود مانند گریبان و برجستگی های سینه برای نامحرمان است و از فرازهای مختلف آن می توان عفت در نگاه، عفت در شهوت و عفت در پوشش را دریافت.

سوره احزاب آیه ۵۹ دستور دیگری در نحوه ی پوشش به زنان می دهد:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَلَّذَوَاجِكِ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (احزاب: ۵۹)؛

ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو جلباب های خود را به خویش نزدیک سازند. این کار برای این که به نیکی و عفت شناخته شوند و مورد اذیت قرار نگیرند، بهتر و نزدیک تر است و خدا آمرزنده و مهربان است.

صاحب التحقیق می گوید: «جلباب بلندتر از روسری و کوتاه تر از رداء است که زن به وسیله آن سر و سینه خود را می پوشاند» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۹۴). راغب در مفردات از آن به پیراهن و روسری تعبیر می کند. واژه ی یدنین نیز از دنوبه معنای نزدیک شدن است (قرشی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۶۰). در شأن نزول این آیه آمده است که بعضی از جوانان بیمار دل و منافقان برای زنان مسلمان که شب هنگام برای ادای نماز جماعت مغرب و عشا به امامت پیامبر ﷺ به مسجد می رفتند، ایجاد مزاحمت می کردند و بعد مدعی می شدند که تصور می کردیم آنان کنیز هستند. در آن زمان پوشاندن سر و گردن برای کنیزان واجب نبود و وضع ظاهری آنان به

دلیل شغل، مقام و موقعیت اجتماعی شان مناسب نبود، در این حال آیه فوق نازل شد و دستور عفاف در پوشش را به زنان مسلمان داد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۳۷۰). قرآن کریم در این آیه به زنان مسلمان دستور می دهد که با جلباب بیرون روند و آن را به خود نزدیک کنند و بر آن محافظت کنند تا زینت های بدن آنان آشکار نشود و بدین وسیله به آزاد بودن، عفت و نجابت شناخته و مورد اذیت واقع نشوند. حکم حجاب برای زنان مسلمان قبل از نزول این آیه بیان شده بود، اما بعضی از روی ساده اندیشی در حفظ آن کوتاهی کرده بودند. آیه فوق تأکید می کند که در رعایت آن دقیق باشید.

امروز بسیاری از بانوان شاغل، هنگام کار با استفاده از مقنعه و یا روسری هایی بلندتر از روسری های مجلسی و یا به دست کردن ساق دست و استفاده از جوراب های نیمه بلند یا بلند و... پوشش خود را مطمئن کرده و با آرامش بیش تری به انجام فعالیت های خود می پردازند. از این روست که چادر، حجاب برتر شناخته شده است؛ زیرا مطمئن ترین و پوشاننده ترین لباسی است که بانوان می توانند از آن استفاده کنند. در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «زن در پیش برادر و فرزند خود اگر یک پیراهن بپوشد که تا زانوان یا ساق پای او مستور باشد، کافی است ولی در نزد نامحرمان، زن باید چهارلباس داشته باشد: پیراهن، روسری یا مقنعه، چادر و شلوار» (مشهدی، ۱۳۶۸، ص ۳۴۷).

۳.۲.۲. نیوشیدن لباس شهرت

برخی شرایط پوشش بین زن و مرد مشترک است و از این جهت بر هر دو واجب است که این شرایط را رعایت کنند، از جمله این ویژگی ها این است که زن و مرد لباس شهرت نپوشند؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از پوشیدن دو نوع لباس نهی فرمودند: «لباسی که به زیبایی شهره (انگشت نما) باشد و لباسی که به زشتی شهره باشد (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵، ج ۱۰، ص ۲۳۶). استفاده بانوان از لباس شهرت موجب جلب توجه نامحرمان و رواج بی بند و باری و فساد در جامعه است.

۳.۲.۳. نیوشیدن لباس بدن نما

ملاک دیگر لباس بانوان برای حضور در اجتماع، بدن نما نبودن آن است. لباس در چارچوب

عفاف اسلامی، باید به گونه ای باشد که بدن از زیر آن نمایان نباشد. متأسفانه استفاده از لباس های نازک و بدن نما بخصوص در ماه های گرم سال بین برخی افراد رایج است. غرض اصلی از لباس، پوشش بدن است و پوشش بانوان باید به گونه ای باشد که قسمت های برجسته بدن را بپوشاند و باعث تحریک جنسی نشود. از منظر اسلام، لباسی که بدن را نپوشاند و نظر نامحرم را جلب کند، مورد مذمت است و در روایات از پوشیدن آن ها نزد نامحرم نهی شده است. اسماء دختر ابوبکر که خواهر عایشه بود به خانه پیامبر اکرم ﷺ آمد، در حالی که جامه های نازک و بدن نما پوشیده بود. پیامبر ﷺ روی خویش را از او برگرداند و فرمود: «ای اسماء! همین که زن به حد بلوغ رسید سزاوار نیست چیزی از بدن او دیده شود مگر این و این - اشاره فرمود به چهره و قسمت مچ به پایین دست خودشان» (خرمشاهی و انصاری، ۱۳۷۶، ص ۴۲۲).

از اسامه بن زید نقل شده است که رسول خدا ﷺ لباس قبطی را که دحیه کلبی به حضرت هدیه کرده بود به من پوشاند، من نیز آن را به همسرم پوشاندم. پیامبر ﷺ سؤال کرد: چرا لباس قبطی را نمی پوشی؟ من در پاسخ گفتم: آن را به همسرم پوشاندم. حضرت فرمود: به او امر کن در زیر آن زیرپوش استفاده کند؛ پس به راستی که من می ترسم لباس قبطی حجم بدن او را نمایش دهد (زیدان، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳۳۰).

۳.۲.۴. رنگ لباس

رنگ پوشش در انسان تغییرات روحی و جسمی به وجود آورده و در فرد القای اثر می کند. رنگ ها احساس برانگیز هستند و دلالت فطری و بی واسطه بر مدلول خویش دارند (آوینی، ۱۳۹۱، ص ۵۰). بنابراین می توان گفت که رنگ توانایی تحریک عواطف دارد. یکی از ملاک های پوشش بانوان در عرصه های عمومی این است که رنگ تهییج کننده نداشته باشد. بسیاری از بانوان از رنگ مشکی برای پوشش استفاده می کنند که رنگی خنثی است، هر چند در این باره نظرات متفاوت است. خداوند در قرآن کریم از لفظ جلابیب برای حجاب استفاده می کند (احزاب: ۵۹). ریشه لغوی جلابیب، «جلب» است. بسیاری از کتاب های معتبر لغوی تصریح کرده اند که یکی از معانی جلب، سیاهی است. لسان العرب پس از نقل عبارت «و جلب اللیل یطرده النهار» می گوید که شاعر از جلب، سیاهی را اراده کرده است. همچنین کتاب های تفسیری

مانند الکشاف و روح المعانی، بعضی از شواهد شعری را که جلب در آن‌ها به معنای سیاهی به کار رفته، نقل کرده‌اند (دهقانی، ۱۳۸۴، ص ۹۰-۹۱).

از سوی دیگر، بنا بر برخی شواهد، تبادل ذهنی زنان عرب از این آیه، رنگ مشکی بوده است. عایشه در این باره می‌گوید: «زمانی که آیه نازل شد، هریک از آن‌ها به طرف پارچه‌های ندرخته خویش رفت، قسمتی از آن را شکافت و سر خویش را با آن پوشاند؛ پس چنان گردیدند که گویی کلاغ سیاه بر سرشان نشست است» (زمخشری، بی تا، ج ۳، ص ۲۳۱). بی‌گمان، مقنعه‌ای که زنان انصار سر کرده بودند، به رنگ مشکی بوده که عایشه آن را به کلاغ سیاه تشبیه کرده است. سکوت رسول اکرم ﷺ در مقابل انتخاب پوشش مشکی از سوی زنان انصار، دلیل بر تقریر و تأیید آن حضرت نسبت به رنگ مشکی حجاب زنان است. رنگ سیاه احساس بزرگی، هیبت و وزین بودن را ایجاد می‌کند و به همین دلیل، لباس‌های رسمی بیشتر به رنگ سیاه است و سیاست مداران نیز از این رنگ استفاده می‌کنند.

۳.۲.۵. عفاف در زینت

خداوند در قرآن مجید به زنان دستور می‌دهد که زیبایی‌های و زینت‌های خویش را آشکار نکنند. زینت در عربی اعم از کلمه «زیور» در فارسی است؛ زیرا زیور به زینت‌هایی گفته می‌شود که از بدن جدا می‌باشد؛ مانند جواهرآلات؛ ولی در زبان عربی، کلمه زینت هم به این دسته گفته می‌شود و هم به آرایش‌هایی که به بدن متصل است؛ نظیر سرمه و خضاب (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۱۳۱). همچنین آرایش‌های متصل به بدن مانند سرمه و رنگ مورا نیز شامل می‌شود. خداوند متعال در قرآن کریم به زنان می‌فرماید: ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهُ﴾ (نور: ۳۱)؛ و زینت خود را آشکار نکنند مگر آن چه ظاهر است. البته اسلام زینت‌گرایی بانوان را نفی نکرده و حتی آن‌ها را به آرایش خویش ترغیب کرده است، اما این زینت طلبی و آراستگی متبرجانه محدوده خاصی دارد و آن چشم محارم است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ذیل آیه ۳۱ سوره نور). امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید: زینت سه نوع است: ۱. زینت برای مردم؛ ۲. زینت برای محرمان؛ ۳. زینت برای شوهر؛ اما زینت مردم همان است که ذکر کردیم و زینت برای محرمان جای گردن‌بند و بالای آن و بازوبند و پایین تر از آن و خلخال و پایین تر از آن و اما زینت

برای شوهر همه بدن است (بروجردی، ۱۳۸۶، ص ۶۱۰). اگر آشکار کردن زینت جایز نباشد، به طریق اولی اعضای بدن که این زینت‌ها بر آن است نیز نباید آشکار شود (شبر، ۱۴۲۱، ص ۵۳۲). با استناد به کتب تفسیر، زینت را می‌توان به دو نوع باطنی و ظاهری یا زینت آشکار و پنهان تقسیم کرد. با توجه به بخشی از آیه شریفه که می‌گوید «... الا ما ظهر منها» (مگر آن مقدار که ظاهر است)، می‌توان گفت که پوشاندن زینت ظاهری لازم و ضروری نیست و نگاه کردن به آن محل اشکال نیست. اما در این مورد نباید نظر علمای اهل فن و فقها را فراموش کرد که می‌گویند: اگر نگاه کردن به زینت ظاهری به قصد لذت باشد و این نگاه موجب فساد و انحراف شود، محل اشکال است و در ردیف نگاه‌های حرام جای می‌گیرد و در چنین مواردی، زینت ظاهری باید پوشانده شود و این پوشاندن واجب است (طبرسی، ۱۳۷۲؛ مشهدی، ۱۳۶۸، ذیل آیه ۳۳ سوره احزاب).

به طور کلی، درباره زینت ظاهری فقها و مفسران نظرات مختلفی دارند. مرحوم طبرسی (ره) صاحب تفسیر مجمع البیان در ذیل آیه مورد بحث می‌فرماید: درباره‌ی زینت آشکار و ظاهری سه قول است: ۱. زینت آشکار لباس است. ۲. زینت ظاهری سرمه و انگشتر و خضاب دست است. ۳. زینت ظاهری صورت و کف دست است (طبرسی، ۱۳۷۲، ذیل آیه ۳۱ سوره نور). بعضی از اصحاب امام صادق علیه السلام از آن حضرت سؤال کردند: «چه چیزی حلال است برای مردان که از زبان ببینند در صورتی که نامحرم هستند؟» امام علیه السلام فرمود: «چهره، میچ و قدم‌ها» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۱۴۶). در توجیه این استثنا برای صورت و دست‌ها باید گفت که زن در زندگی اجتماعی ناچار است که از دو دست خویش برای انجام اموری چون برداشتن اشیا استفاده کند و نیز در مواقعی باید رخ بگشاید، این بدان معنا نیست که اگر ما زنی را با صورت نمایان مشاهده کردیم بلافاصله مورد اصابت تیرهای هوس‌آلود نگاه خویش قرار دهیم. استثنایی که آیه برای زنان قائل می‌شود در حقیقت نوعی تسهیل است که به زنان واگذار شده است تا در زندگی اجتماعی راحت‌تر باشند. باید توجه داشت که عدم پوشش برای چهره، میچ، قدم و آن قسمت‌هایی که جزو زینت ظاهری زن قلمداد می‌شود در صورتی که موجب فساد، انحراف و گناه نشود، اشکالی ندارد و اگر چنین شد؛ یعنی منشأ فساد قرار گرفت، پوشاندن آن قسمت‌ها

نیز واجب است. نوع دوم از اقسام زینت، زینت پنهانی و باطنی است. زینت پنهانی همان زینت طبیعی زن است؛ چون ذراع، ساق پا، بازو، گردن، سر، سینه و گوش و اطراف آن. برخی دیگر از مفسران گفته‌اند که زینت پنهانی همان زینت آلات است؛ چون گوشواره، دستبند، بازوبند و گردن بند، زیرا آشکار کردن چنین زینتی مستلزم آشکار شدن اندامی است که زینت بر آن قرار دارد. در نتیجه پوشاندن زینت پنهانی برای بانوان ضروری و واجب است. امام باقر علیه السلام فرموده است: «زینت ظاهر عبارت است از جامه، سرمه، انگشتر، خضاب دستها، النگو. سپس فرمود زینت سه نوع است: یکی برای همه مردم است و آن همین است که گفتیم. دوم برای محرمهاست و آن جای گردن‌بند به بالاترو جای بازوبند به پایین و خلخال به پایین است. سوم زینتی است که اختصاص به شوهر دارد و آن تمام بدن زن است». (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ص ۲۵).

۳.۲.۶. عطر زدن

هریک از حواس جسمانی انسان می‌تواند یکی از محرکه‌های شهوت جنسی باشد. حس بویایی که در دسته‌بندی ارتباطات غیرکلامی می‌گنجد نیز از این قاعده مستثنا نیست، به خصوص اگر عطر از سوی زن نامحرم استعمال شده باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ضمن روایتی، ورود زن معطر به مجلسی که در آن نامحرم حضور دارد را برابر با زن زناکار می‌داند (پابنده، ۱۳۸۲، ص ۶۱۱). بنابراین بوی خوش نیز یکی از ابزارهای ارتباط و انتقال پیام به دیگران است. انسان به‌طور طبیعی با استشمام بوی خوش از چیزی یا جایی، به طرف آن جذب می‌شود و پیام بوی خوش، دعوت به خود و الفت و نزدیکی است؛ هرچند چنین انگیزه‌ای در کار نباشد. زنی که در عرصه عمومی بوی خوش استعمال کند با زبان بی‌زبانی مردان را به سوی خود فرا می‌خواند و آنان را به مسائل جنسی وسوسه می‌کند (طاهری نیا، ۱۳۸۹، ص ۲۱۱). هرچند اسلام سفارش بسیاری به استعمال بوی خوش دارد، اما به خاطر پیامدهایی که معطر بودن زنان نزد نامحرم می‌تواند داشته باشد، بانوان را از این کار نزد نامحرم نهی کرده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هر زنی که خویش را خوشبو سازد و سپس از خانه‌اش بیرون رود، او لعنت می‌شود تا به خانه‌اش بازگردد» (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۵، ص ۵۱۸).

۷.۲.۳. تبرج

از دیگر مواردی که مصداق زینت زن به شمار می‌رود در قرآن کریم از آن نهی شده است، تبرج است. قرآن خطاب به زنان پیامبر ﷺ می‌فرماید: ﴿وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرَجَ الْمَجَاهِلِيَّةُ الْأُولَى﴾ (احزاب: ۳۳)؛ آن‌گونه که زنان در روزگار جاهلیت نخست نمایان می‌شدند، در میان مردم نمایان نشوید. کلمه تبرج از «برج» گرفته شده و به معنای ظاهر شدن و نمایان کردن خود در برابر مردم است، همان‌طور که برج قلعه برای همه هویدا است. تَبْرَجَتِ الْمَرْأَةُ یعنی زن خود را زینت کرد و پیراست و تَبْرَجَتِ الْإِنْثَى یعنی زن جمال خود را آشکار ساخت (محقق، ۱۳۶۴، ص ۱۲۳-۱۲۲). همچنین در شرح معنای این واژه آمده است که تَبْرَجَ آشکار کردن زینت و هر چیزی است که شهوت مرد را برانگیزاند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۱۲). کلمه جاهلیه الأولى نیز به معنای جاهلیت قبل از بعثت است که زنان عفت در پوشش نداشتند (طباطبائی، ۱۳۹۳، ج ۱۶، ص ۳۰۹). قرآن کریم در این آیه زنان را از آشکار کردن زیبایی‌ها و جاذبه‌های جنسی در برابر نامحرمان نهی کرده و از آنان خواسته است که از جلوه‌گری و تبرج بپرهیزند (رجبی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۹). این تبرج می‌تواند در حالت‌های مختلف زن بروز پیدا کند: تبرج در نوع لباس، لحن کلام، راه رفتن، نگاه‌های معنادار و... از این‌رو، استفاده از پوشش، لزوماً به معنای نفی تبرج نیست؛ زیرا تبرج به معنای خودنمایی و جلب نظر دیگران است و این مسأله با استفاده از برخی پوشش‌ها یا نوع و مدل آن‌ها محقق می‌شود (طاهری‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۱۸). واضح است که عدم تبرج که مدلول آیه است، هنگامی در زنان تحقق می‌یابد که عفت در پوشش داشته و جاذبه‌های جنسی خود را به وسیله پوشش مناسب پنهان کنند. این حکم الهی از داخل خانه پیامبر ﷺ آغاز شده و پس از آن به جامعه سرایت کرده است. پیامبر خدا ﷺ موظف می‌شود تا با ارائه الگوی عملی برای جامعه اسلامی، دستورات الهی را به مردم بنمایاند، به ویژه آن‌که پیش از این آیات، پیامبر ﷺ و همسرانشان به عنوان الگو معرفی شده‌اند (نور: ۲۱). از سوی دیگر، واژه «نساء» در ادبیات قرآنی به جماعت مؤنث، شامل کوچک و بزرگ اشاره دارد؛ (بقره: ۴۹؛ غافر: ۲۵؛ نور: ۳۱). طبق سیاق آیات سوره احزاب، خداوند درباره همسران پیامبر ﷺ از لفظ «أزواج» استفاده کرده است، در حالی که اینجا واژه «نساء» به کار رفته است؛ به این ترتیب، شاید بتوان گفت واژه «نساء»، تنها

شامل همسران پیامبر نمی‌شود، بلکه به طور کلی زنانی را شامل می‌شود که منتسب به رسول خدا ﷺ هستند. به این ترتیب، خداوند به همه زنان مسلمان که به پیامبر ﷺ منسوب‌اند، فرمان داده که از تبرج دوری کنند. روایات فراوانی نیز در منابع روایی شیعه نقل شده است که دلالت بر وجوب پوشش تمام بدن به وسیله بانوان مگروجه و کفین و رعایت عفاف به وسیله آنان دارد که مناسب است به نمونه‌هایی از آن اشاره شود.

عن مسعده بن زیاد: سمعت جعفرًا وسئل عما تظهر المرأة من زينتها قال: الوجه والكفين (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۱۴۶). شنیدم از امام صادق علیه السلام درباره چیزی که زن از زینتش می‌تواند آشکار کند، فرمود: چهره و دودست.

عن الفضيل قال: سألت ابا عبد الله عليه السلام عن الذراعين من المرأة هما من الزينة التي قال الله ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ﴾ (نور: ۳۱)، قال نعم وما دون الخمار من الزينة وما دون السوارين (همان، ص ۱۴۵)؛ از امام صادق علیه السلام درباره ذراعین زن سؤال کردم آیا آن‌ها از زینت است که خداوند فرموده «زینت‌های خود را برای مردان آشکار نکنید»، فرمود: بله، آن چه زیر مقنعه و زیر انگواست، زینت است.

۳.۳. عفاف در گفتار

زبان از نعمت‌های بزرگی است که خداوند در سوره بلد، ضمن نعماتی که برای انسان برشمرده، از آن یاد کرده است. نعمت نطق و سخن گفتن، انسان را از حیوانات متمایز می‌کند. این تکه گوشت که زبان انسان است؛ هم برای تناول طعام مورد استفاده است و هم برای تکلم و سخن گفتن. کلامی که از انسان صادر می‌شود، می‌تواند طیب باشد یا خبیث، امر به معروف باشد یا نهی از منکر، در هر صورت انسان باید این نعمت را حفظ کند و عفت را رعایت کند. قرآن کریم در خصوص عفت در کلام چنین می‌فرماید: ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾ (احزاب: ۳۲)؛ پس در گفتار نرمی نکنید که آن‌کس که در دلش بیماری است (در شما) طمع کند و به شیوه‌ای پسندیده سخن گوید. این آیه، به واسطه وجود ربایش و گرایش متقابل میان زن و مرد، زنان را در تعامل گفتاری با مردان از نرمی در گفتار منع

می‌کند و آنان را به گفتار معروف و برخاسته از عقل و فطرت دعوت و دخالت جنسیت را در گفتار منع می‌کند که موجب طمع در دل افراد مریض نشود.

کلام عفیف کلامی است که هم از نظر محتوا و هم از نظر شیوه بیان، قرین عفت باشد. آوازه و آهنگ صدا به هنگام سخن گفتن باید به گونه‌ای باشد که ادب و عفت رعایت شود. یکی از نمادهای بی‌عفتی در گفتار، سخن گفتن با ناز و عشوه با نامحرمان است. در این آیه هم به کیفیت سخن گفتن با نامحرم اشاره شده است و هم به محتوای کلام. محتوای کلام باید «قول معروف» باشد؛ یعنی سخنی که شرع و عرف اسلامی آن را بپسندد. گرچه خطاب این آیه به زنان پیامبر است، ولی دستوری برای تمامی زنان است. از دیدگاه قرآن کریم، هرگونه کلامی که همراه با ناز و غمزه و تغییر صدا باشد و زمینه گناه را فراهم کند، ممنوع و از حوزه عفت خارج است. باید توجه داشت که در ارتباط میان نامحرمان باید خود پیام مورد توجه باشد و همراه کردن ارتباطات غیرکلامی ارادی همچون نازکی صدا، از دایره عفاف خارج است و زنان باید در برابر همه افراد از ناز در سخن پرهیز کنند تا از خطر بیمار دلان ایمن باشند. مارتین موریسون روان‌شناس کانادایی می‌گوید: «صدا اولین محرک و عامل جنسی به شمار می‌آید... و صدای زن در مردها اثر به سزایی دارد (پاک‌نژاد، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۸۲). اسلام به مردان توصیه کرده است که از تکلم بیش از پنج کلمه نزد غیر همسر یا خویشان مگر در صورت ناچاری، باید پرهیز کنند، حتی در سلام کردن به زنان جوان نیز باید احتیاط شود. امیرالمؤمنین علیه السلام از سلام کردن به زنان جوان به خاطر صدای زن اجتناب می‌کرد و می‌فرمود: «ترس دارم که آهنگ صدایشان مرا خوش آید و بیش از آنکه امید ثواب دارم، در گناه افتم» (صدوق، ۱۴۰۳ق، ج ۱، روایت ۴۹۹۸). عفاف در گفتار و کلام یعنی کنترل کلام و گفتار از نظر محتوا، شیوه بیان و آهنگ صدا که در ادامه به بررسی این موارد پرداخته شده است:

۳. ۱. ۳. ۱. ابعاد عفاف در گفتار و کلام

۳. ۱. ۱. ۳. ۱. سخن شایسته (قول معروف)

مراد از «معروف» در آیه شریفه «قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى» (بقره: ۲۶۳)، کار و قولی است که مطابق عقل و فطرت سلیم باشد و منظور از «قول معروف» در آیه «وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا» سخن معمول و مستقیم است؛ سخنی که شرع و عرف اسلامی (نه هر عرفی) آن را

پسندیده بدانند و سخنی باشد که تنها مدلول خود را برساند؛ نه این که کرشمه و ناز بر آن اضافه شود تا شنونده علاوه بردرک مدلول آن دچار ریبه هم شود (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۶، ص ۴۶۱). به عبارتی دیگر، دستور این آیه به بانوان این است که به صورت شایسته‌ای که مورد رضای خدا باشد، سخن بگویند. براساس این آیه، یکی از مؤلفه‌های عفاف بین دو جنس، چارچوب کلام و نوع واژگان انتخابی برای سخن گفتن است؛ واژگانی که موردپسند عرف متشرع جامعه بوده و متانت زن را در هنگام صحبت با نامحرم، حفظ می‌کند. کلماتی که دارای بار عاطفی بوده و روایتگر رقت قلب زن و مهربانی او در مقابل نامحرم است، در چارچوب قول معروف نمی‌گنجد.

۲.۱.۳.۳. سخنان ضروری

گزیده‌گویی و بسنده کردن به موارد ضروری در سخن گفتن دو جنس، امری مطلوب و مورد تأکید در نظام عفاف اسلامی است. عفاف اسلامی در پی آن است که زن و مرد بیگانه تا حد امکان از مراد به یکدیگر پرهیز کرده و ارتباط را به موارد ضروری کاهش دهند که در روایات متعددی به این امر اشاره شده است. رسول خدا ﷺ از اینکه زن با غیر محرم بیش از پنج کلمه که مورد نیاز است، سخن بگوید، نهی کرد (صدوق، ۱۴۱۷، ص ۵۱۰).

۳.۱.۳.۳. شوخی نکردن با نامحرم

طبق روایات، کلامی که فرد عفیف در مقابل جنس مخالفش به کار می‌برد، باید خالی از شوخی و مزاح باشد. مزاح، پرده‌ی حریم‌ها را می‌برد و بین افراد، آلفت و صمیمیت ایجاد می‌کند و می‌تواند روابط زن و مرد را به حرام تبدیل کند. در این روایت به زمینه‌چینی شوخی برای فعل حرام اشاره شده است: «هر کس با زن نامحرم شوخی کند، برای هر کلمه‌ای که در دنیا با او سخن گفته است، هزار سال او را در دوزخ زندانی می‌کنند و آن زن اگر از روی میل خود را در اختیار او قرار دهد و مرد با او مزاح و شوخی کند و کار زشتی مرتکب شود، بر آن زن نیز همان گناهی که بر مرد است، خواهد بود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳، ص ۳۶۳). بنابراین، شوخی بین زن و مرد، مقدمه کار زشت و یا همان فحشاست که باید از آن اجتناب کرد.

۴.۱.۳.۳. عدم استفاده از محتوای شهوت‌انگیز و کلمات دو پهلوئی جنسی

هر واژه، نماد معنای یا معنایی است. برخی از معانی، خوشایند و شایسته و برخی ناخوشایند

و ناشایسته اند. عفت در واژه، بیشتر با محتوای آن سنجیده می‌شود که در فرهنگ‌ها، همگون و یکسان نیست. چه بسا واژه‌هایی با توجه به محتوایش در فرهنگی خوشایند باشند و در فرهنگ دیگر ناخوشایند؛ شاید علت پیدایش کنایه و استفاده از آن در فرهنگ اسلامی، حفظ و کنترل «عفت کلامی» باشد. از نمادهای بی‌عفتی در گفتار، به کار بردن واژه‌هایی است که محتوای ناخوشایندی دارند و در قالب شوخی، تمسخر، الفاظ رکیک و زشت ظاهر می‌شوند. خداوند متعال به زنان توصیه می‌کند که در سخن گفتن با نامحرم به خوبی و شایستگی سخن بگویند: «و قلن قولا معروفا». سید قطب در تفسیر «قول معروف» می‌گوید: قول معروف یعنی این که سخن آن‌ها در امور معروف و نیک باشد نه منکر و زشت، مانند شوخی کردن و... (قطب، ۱۴۱۲ق، ذیل آیه ۳۲ سوره احزاب). بنابراین، محتوا و درون‌مایه کلام نباید تحریک‌آمیز باشد و نباید در قالب سخنان رکیک و زشت بیان شود. کلمات گزینشی زن و مرد در ارتباط با یکدیگر باید خالی از تحریک‌های جنسی بوده و از این جهت، بار معنایی خنثی داشته باشد. همچنین به کار بردن لفاظ دوپهلوی که مخاطب را در مورد معنای مورد نظر به شک اندازد و امکان تحریک را فراهم آورد، در چارچوب روابط عقیفانه نمی‌گنجد.

۳.۲.۳. بررسی نمونه‌های قرآنی عفاف در گفتار

چنانکه بیان شد، یکی از زمینه‌های بروز فساد، گفت‌وگوی زن و مرد نامحرم با یکدیگر است. این که انسان در برخورد با شخص نامحرم چگونه رفتار کند و از چه سخنانی برای رساندن مقصود خود بهره برد، مهم است. خداوند متعال برخی از زمینه‌های ایجاد گفت‌وگوی میان دو جنس مخالف را در قالب بیان داستان‌هایی به تصویر کشیده است. گرچه برخی گفت‌وگوها از قبیل گفت‌وگوی حضرت مریم علیها السلام با جبرئیل و گفت‌وگوی حضرت موسی علیه السلام با دختران شعیب (قصص: ۲۳ و ۲۴)، از نمونه گفت‌وگوهای ضروری و سالم میان زن و مرد است، ولی نحوه بیان قرآن در این داستان‌ها و اشاراتی که وجود دارد، بر این است دلالت دارند که گفت‌وگویی که از زمینه‌های خطر ساز در روابط زنان و مردان باشد.

۳.۲.۳.۱. گفت‌وگوی مریم علیها السلام با جبرئیل علیه السلام

حضرت مریم علیها السلام از شدت وحشتی که از حضور جبرئیل عارضش شده بود، مبادرت به

سخن کرد. او خیال می‌کرد که وی بشری است که به قصد سوء به آن جا وارد شده است؛ از این رو خود را به پناه رحمان سپرد تا رحمت عامه‌ی الهی را که هدف نهایی منقطعین عباد است، متوجه خود سازد (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۴، ص ۴۱). در این آیه بیان شده است: «قالت إني أعود بالرحمان منك إن كنت تقياً» (مریم: ۱۸)؛ من از توبه رحمان پناه می‌برم، اگر توبه تقوی باشی و چون باید باتقوا باشی، پس همان تقوایت باید تو را از سوء قصد و متعرض شدن به من باز بدارد.

۳.۲.۳. گفت‌وگوی حضرت موسی علیه السلام با دختران حضرت شعیب علیه السلام

خداوند متعال در داستان حضرت موسی علیه السلام و دختران شعیب، نحوه‌ی برخورد و سخن گفتن آنان را چنین بیان می‌کند:

«و لما ورد ماء مدين وجد عليه أمة من الناس يسيقون و وجد من دونهم امرأتين تذودان قال ما خطبكما قالتا لا نسقي حتى يصدر الرعاء و أبونا شيخ كبير» (قصص: ۲۳)؛ و چون بر سرچاه آبی (حوالی شهرمدین) رسید، آن جا جماعتی را دید که حشم و گوسفندانشان را سیراب می‌کردند و دوزن را یافت که دور از مردان در کناری به جمع‌آوری گوسفندانشان مشغول بودند؛ (موسی به جانب آن دوزن رفت و گفت: شما این جا چه می‌کنید و کار مهمتان چیست؟ آن دوزن پاسخ دادند که (چون ما اختلاط با مردان نتوانیم، این جا منتظریم تا مردان گوسفندانشان را سیراب کرده) بازگردند و آن‌گاه گوسفندان خود را سیراب کنیم) و پدر ما شیخی سالخورده و فرتوت است و مرد دیگری نداریم، ناچار ما را به شبانی گوسفندان فرستاده است).

نکته‌ی جالب توجه در آیه‌ی یادشده این است که دختران حضرت شعیب علیه السلام از جماعت فاصله گرفته بودند و گوسفندان خود را از این‌که با بقیه‌ی گوسفندان مخلوط شوند، دور نگه داشته بودند. هنگامی که حضرت موسی علیه السلام از علت حضور ایشان سؤال کرد در نهایت عفاف و اختصار علت حضور خود را بیان کردند: «و ابونا شيخ كبير»؛ یعنی پدر ما پیر است. از آیه چنین استنباط می‌شود که گفت‌وگوی زن و مرد در صورت لزوم مانعی ندارد، ولی باید نهایت اختصار را رعایت کرد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۷).

۳.۲.۳. گفت‌وگوی زلیخا با حضرت یوسف علیه السلام

زلیخا از تمام وسایل و روش‌ها برای رسیدن به مقصد خود و اغفال حضرت یوسف علیه السلام استفاده کرد و با خواهش و تمنا کوشید در دل او اثر کند؛ آن چنان که قرآن می‌فرماید:

«و راودته التي هوفي بيتهما عن نفسه و غلقت الأبواب و قالت هيت لك قال معاذ الله إنه ربي أحسن مثوای إنه لا یفلح الظالمون» (یوسف: ۳۳)؛ و آن [بانو] که وی در خانه‌اش بود خواست از او کام گیرد. و درها را [پیاپی] چفت کرد و گفت: بیا که از آن توأم! [یوسف] گفت: پناه بر خدا، او آقای من است. به من جای نیکو داده است. قطعاً ستمکاران رستگار نمی‌شوند».

چنانکه آیه اشاره کرده، محتوای کلام زلیخا دعوت حضرت یوسف علیه السلام به بی‌عفتی است.

۳-۴. عفاف در اندیشه

انسان بهره‌مند از نیرویی متفکر و اندیشه‌گر به نام عقل است که او را از تمام موجودات متمایز می‌کند و قادر می‌سازد تا در تمام موضوعات خوب و بد، به تأمل و تفکر پردازد. از طرف دیگر، اعمال انسان تراوش فکر و اندیشه اوست؛ به عبارت دیگر، انسان ابتدا در یک موضوع به فکر و تأمل می‌پردازد و در خصوص آن علم و شناخت پیدا می‌کند و چنانچه سعادت و کمال خود را در آن بیابد، عمل می‌کند. بنابراین، حقیقت زندگی انسان‌ها بر اساس فکر و اندیشه شکل می‌گیرد و در این راستا، دین توصیه‌هایی برای به‌کارگیری درست و صحیح از آن دارد؛ این‌که در چه مسائلی اندیشه و تفکر کند و در چه مسائلی وارد نشود تا از آثار خوب آن بهره‌مند و از عوارض سوء آن در امان بماند. عفاف در فکر و روان به معنای کنترل اندیشه و افکار است. قلب انسان باید عقیف و طاهر باشد و از مطلبی که باعث شود افکار زشت به سراغش بیاید عفت ورزود. به عنوان مثال، این‌که انسان تمنا داشته باشد نعمتی از کسی سلب شود و یا این‌که غلبه فواحش و اقدامات این‌گونه را دوست داشته باشد، نشانه عدم عفت قلب است. در قرآن کریم بیان شده است: «[خدا] نگاه‌های دزدانه و آن چه را که دل‌ها نهان می‌دارند، می‌داند» (غافر: ۱۹). بنابراین انسان باید علاوه بر رعایت عفت ظاهری

در قلب نیز عفت را پرورش دهد و تمایل به انجام فواحش و ... را در خود سرکوب کند. عفاف در اندیشه و فکر به معنی کنترل و مدیریت افکار است تا وارد عرصه‌های آلوده و خلاف عفت نشود. گرچه فکر به گناه تا زمانی که به عمل ننشیند، گناه محسوب نمی‌شود، اما افکار ناپاک که نتیجه افسارگسیختگی اندیشه و عدم کنترل انسان بر نحوه فکر کردن است، رفته‌رفته آینه دل را سیاه کرده و زمینه فساد را فراهم می‌سازد. اگر انسان همواره به مسائل خلاف عفت فکر کند، حتی اگر به افکارش جامه عمل نیز نپوشاند، در درازمدت به این‌گونه افکار عادت کرده و عفت و حیای درونی خود را از دست می‌دهد و گناه را سبک شمرده و در نتیجه به طرف آن کشیده می‌شود. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که زیاد به گناه فکر کند، بالاخره افکارش او را به گناه وامی‌دارد» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۵). محافظت از فکر و کنترل آن از وسوسه‌های شیطان، موجب عفاف روح و روان انسان می‌شود که نتیجه آن در اعمال و گفتار و رفتار انسان مشهود است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «فکر به نیک انسان را به آن عمل وامی‌دارد» (همان، ص ۵۶). در تأثیر اندیشه انسان بر ظاهر او پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هرگاه دل انسان پاک باشد، جسم او نیز پاک است و اگر دل انسان ناپاک و آلوده شود، جسمش نیز به آلودگی کشیده می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۵۰).

اگر تفکر انسان در پرتو عقل و خویشتن‌داری قرار گیرد، عفاف درون فردی تشکیل می‌شود و بالعکس اگر فکر و روان انسان در مسیر هوی و هوس‌ها و امور ناشایست سیر کند، رفته‌رفته او را به مسیر انحراف خواهد کشاند و مانع رشد و دست‌یابی به کمال حقیقی شده و باعث تسهیل انجام معاصی و زمینه سقوط انسان می‌شود. در ادامه مطالب، به مواردی از عفاف اندیشه اشاره شده است:

۱.۴.۳. حفظ حریم‌ها و فاصله‌ها در رابطه با نامحرمان

یکی از مواردی که موجب عفاف در اندیشه است، حفظ حریم‌ها و فاصله‌ها است. خداوند در قرآن کریم فرموده است که فعالیت اقتصادی به زن یا مرد اختصاص ندارد، بلکه هر دو می‌توانند به هر نسبت که فعالیت کنند، از آن بهره‌مند شوند: ﴿لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا

وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ» (نساء: ۳۲)؛ ولی با این حال مردان نسبی از آن چه به دست می‌آورند، دارند، و زنان نیز نسبی (و نباید حقوق هیچ یک پایمال شود). مفهوم آیه فراتر از جواز اشتغال زنان است و با فرض جواز اشتغال، به کسب مالکیت و استقلال اقتصادی هریک از زن و مرد ناظر است و هریک از زن و مرد هر قدر تلاش کنند، می‌توانند خود از نتایج آن بهره‌مند شوند. بنابراین، با نگرش مثبت به حضور اجتماعی زنان، همواره باید به رفع موانع و کیفیت حضور ایشان، اندیشید (زعفرانچی، ۱۳۸۸، ص ۳۴۱). نبود حریم میان زن و مرد در محیط‌های کار، مانعی برای حضور پاک بانوان در اجتماع است که این امر نه تنها باعث اذیت ایشان شده، از سوی دیگر موجب عدم تمرکز مردان و در نتیجه، کاهش کارآمدی نیروهای کار می‌شود. حفظ حریم و رعایت فاصله جسمی و روحی از جمله ملاک‌های مهم حضور بانوان در اجتماع بوده و از مهم‌ترین شرایطی است که امنیت جسمی و روحی افراد را تأمین می‌کند. شهید مطهری در این باره می‌نویسد:

«آن چه اسلام لاقفل به صورت یک امر اخلاقی توصیه می‌کند این است که تا حد ممکن، جامعه مدنی غیرمختلط باشد. جامعه امروز، زبان‌های اجتماع مختلط را به چشم خود می‌بیند. چه لزومی دارد که زنان فعالیت‌های خود را به اصطلاح دوش به دوش مردان انجام دهند؟ آیا اگر در دو صف جداگانه انجام دهند، نقصی در فعالیت و راندمان کار آنان رخ می‌دهد؟ اثر این دوش به دوشی‌ها این است که هر دو همدوش را از کار باز می‌دارد و هریک را به جای توجه به کار، متوجه «همدوش» می‌کند تا آن جا که غالباً این همدوشی‌ها به هم‌آغوشی منتهی می‌شود» (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۲۲۱).

۲.۴.۳. لمس نکردن نامحرم

واضح‌ترین مصداق رعایت فاصله بین دو جنس، حفظ فاصله فیزیکی است. زنان باید جسم خود را از برخورد با نامحرم نگاه دارند. از کارهای روزمره مثل کرایه دادن به راننده و برخورد دست‌ها به هم تا بی‌مبالاتی در امور دیگر مثل نشستن زن و مرد نامحرم کنار یکدیگر به صورتی که تن به تن برخورد کنند و...، همگی اموری هستند که این حریم را می‌شکنند. بسیاری از

اوقات، به علت اشتغال زیاد و یا بی‌اعتنایی به موازین دین، این مهم، مورد توجه واقع نمی‌شود. تأکید اسلام بر حفظ حریم تا جایی است که در روایت آمده است: «هرگاه زنی از جایی که نشستہ برخیزد، مردی آن جا ننشیند مگر زمانی که سرد شود» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۱۲). این نهی، نشانگر لزوم ظرافت و دقت نظر در روابط بین دو جنس است. رعایت فاصله‌ها آن قدر مهم است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام، کوفیان را به دلیل بی‌مبالاتی در این زمینه، سخت نکوهش نکرده و می‌فرماید: «ای مردم عراق! به من خبر رسیده است که زنان شما در بین راه با مردان برخورد کرده و آنان را کنار می‌زنند، آیا شرم نمی‌کنید؟!» و فرمود: «خدا لعنت کند کسی را که غیرت ندارد» (صابری یزدی، ۱۳۷۵، ص ۵۲۹).

مصافحه (دست دادن) نوعی احترام و ابراز دوستی بین دو طرف است که عده‌ای به اشتباه این حکم را به نامحرم نیز تعمیم داده و قایلند که دست ندادن به همکار، چه محرم و چه نامحرم، بی‌احترامی به او محسوب می‌شود. باید اشاره کرد که این گفته‌ها در جوامع سکولار که در آن انسان مبدأ تشریح سبک زندگی برای خود است، شاید منطقی به نظر برسد؛ اما در جامعه‌ای که افراد، خداوند را مبدأ تشریح احکام زندگی می‌دانند و او را حکیمی می‌پندارند که بر اساس منافع و ضررهای حقیقی، الگوهای زندگی را ارائه می‌دهد، پذیرفته نیست. بنابراین، اگر خداوند مصافحه با نامحرم را نهی کرده، بر اساس مصالحی است که در نهایت به سود خود انسان خواهد بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «هرکس با زن نامحرمی دست دهد، روز قیامت زنجیر شده محشور می‌شود. سپس امر می‌شود تا او را به آتش جهنم بیندازند» (همان، ص ۷۱).

۳.۴.۳. ممنوعیت اختلاط

امروز بیشتر محیط‌های کاری مختلط است که در مواردی، پیامدهای جبران‌ناپذیری بر زندگی افراد داشته است. با توجه به آیه ۵۳ سوره «احزاب» (چون از زنان پیامبر چیزی خواستید از پشت پرده از آنان بخواهید، این برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاکیزه‌تر است)، می‌توان نتیجه گرفت که برای حفظ عفاف و پاکی روح زن و مرد، حریم و حائل یک اصل است و در نظام اخلاقی جامعه نقش مؤثری دارد؛ هر اندازه روابط بیشتر و تماس‌ها بین زن و مرد نامحرم

نزدیک تر باشد، زمینه تحریک ها، تمایلات، هیجان ها و وسوسه ها مساعدتر می شود (اکبری، ۱۳۷۶، ص ۱۱۱). به عبارت دیگر، اختلاط زن و مرد موجب ایجاد جذبه و کشش و درنهایت آلوده شدن آن هاست که هم زن و مرد را از هدف اصلی خود یعنی فعالیت سالم اجتماعی و نتیجه بخش، محروم می کند و هم جامعه از خدمات آن ها محروم می شود. رسواکرم علیه السلام برای جلوگیری از اختلاط زن و مرد، مسلمانان را به رعایت نکاتی توصیه کرده اند؛ مانند رفت و آمد در شهر که برای جلوگیری از تراحم زن و مرد، فرموده اند: «زنان از میان مسیر عبور نکنند، بلکه در کنار دیوار و راه حرکت کنند» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق ج ۲۰، ص ۱۸۳).

۳.۴.۴. عدم رفاقت و دوستی با نامحرم

ابراز علاقه و برقراری روابطه ی صمیمانه بین زن و مرد که سبب انس و لذت می شود، خارج از محدوده عفاف اسلامی است. خداوند در قرآن کریم، دوستی با جنس مخالف را نهی کرده است و می فرماید: «محصنات غیر مساحات ولا متخذات أهدانیه» (نساء: ۳۵) و در آیه ای دیگر می فرماید: «ولا یری أهدانیه» (مائده: ۵). کلمه «أهدان» که در این آیات به کار رفته است، جمع خدن و به معنای دوست و رفیق است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ذیل ماده خدن). البته نه هر دوستی، بلکه دوست هم رازی که در بیشتر موارد همراه با شهوت است. به کار بردن چنین واژه ای از سوی خداوند نظر به این است که دوستی و هم صحبتی یک دختر و پسر نمی تواند به دور از مسائل خصوصی باشد و قطعاً چنین رابطه ای، پیروی از شهوت و هوای نفس را به دنبال دارد (علم مهرجردی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۳).

۳.۴.۵. پرهیز از عشوه و ناز

عشوه و ناز، گاهی در کلام و سخن اتفاق می افتد و گاهی در زبان بدن. حرکات و سکانات، نوع قدم برداشتن، نوع نگاه، نشست و برخاست و ... می تواند همراه با عشوه و متبرجانه باشد و یا متین و موقر. اسلام، حضور زن در اجتماع را تنها در صورتی می پذیرد که زن روی عشوه گرانه و لطافت های طنزانه خویش را در پرده ای از متانت مخفی نگاه دارد و استعداد های ویژه خود را به محیط خانواده و برای گرمابخشی به آن اختصاص دهد.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» (نور:

۳۱؛ زنان به هنگام راه رفتن نباید پاهای خود را محکم به زمین بزنند تا زینت‌های پنهانشان آشکار شود. از این دستور می‌توان فهمید که هر چیزی که موجب جلب توجه مردان می‌شود، مانند استعمال عطرهای تند و آرایش‌های جالب نظر در چهره، ممنوع است. در واقع از این فراز آیه فهمیده می‌شود، پایکوبی زنان نمودی از ظاهر کردن باطن سکس زن است و انواع حرکات تحریکی که باعث جلب توجه مردان نامحرم است، آیه از آن منع کرده است (پاک نژاد، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۳۷). به طور کلی زن در معاشرت نباید کاری کند که موجب تحریک و تهییج و جلب توجه مردان نامحرم شود.

نتیجه‌گیری

«عفاف» در آموزه‌های اسلامی از جایگاه بسیار والایی برخوردار است و از آن به عنوان قوی‌ترین نیروی تعدیل‌گر و شهبوات انسانی یاد شده است. عفاف حالتی نفسانی و فطری است که انسان را از حرام باز می‌دارد و اختصاص به جنسیت خاصی ندارد و نمودهای گوناگون دارد. ابعاد عفاف در قرآن و حدیث، عفاف در پوشش، کردار، گفتار و اندیشه است. از آن جا که عامل اصلی و اولیه بسیاری از انحرافات، «نگاه حرام» است، از این رو خداوند در سوره نور آیات ۳۱ و ۳۰، اولین دستوری که در زمینه عفاف می‌دهد، حفظ نگاه و پرهیز از چشم‌چرانی است. به خاطر اهمیت فوق‌العاده این موضوع، در روایات معصومین علیهم‌السلام احادیث مختلفی هم در مدح و تشویق کسانی که در نگاه خود عفت دارند و هم ذم افراد چشم‌چران آمده است. عفاف و حجاب در نگاه قرآنی، سیاست و تدبیر زنان برای حفاظت از پاکی و سلامت خودشان است. به این ترتیب، خداوند در آیات متعددی که دستور به حفظ عفاف و حجاب می‌دهد، آن را همسنگ اطاعت از رسول و راهی به سوی رستگاری می‌شمارد که موجب دور شدن نگاه طمع‌ورزان و درامان ماندن از آزار آنان است.

عفت در پوشش، شامل عدم پوشیدن لباس شهرت، بدن‌نما و لباس‌های دارای رنگ‌های تند و زننده، عدم نمایش زیبایی‌ها و زینت‌ها و عدم تبرج است که در قرآن و احادیث به این موارد تأکید بسیار شده است. عفت در پوشش، امنیت زنان را در اجتماع حفظ کرده و چشم

هوس رانان را از آن‌ها دور می‌کند. زنان با پوشش مناسب و به دور از تبرّج، شخصیت عقیف خود را نشان می‌دهند. قول معروف، سخن به ضرورت، عدم شوخی با نامحرم، استفاده نکردن از محتوای شهوت‌انگیز و کلمات دوپهلوی جنسی از جمله موضوعاتی است که آیات و روایات به عنوان عفت در گفتار به آن پرداخته‌اند. عفاف در اندیشه و فکر نیز به معنی کنترل و مدیریت افکار است تا وارد عرصه‌های آلوده و خلاف عفت نشود. لمس نکردن نامحرم، ممنوعیت اختلاط با نامحرم، عدم رفاقت و دوستی با نامحرم، پرهیز از عشوه و ناز، از جمله راه‌کارهای حفظ عفاف در اندیشه از منظر قرآن و روایات اسلامی است.

فهرست منابع

- قرآن کریم

- نهج البلاغه

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر. التحریر والتنویر، بی جا: بی نا، بی تا.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۴. ابی فراس، ابوالحسین وزام. مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، قم: مکتبه فقیه، ۱۳۷۶ش.
۵. احمد ابن فارس، ابوالحسین. مقاییس اللغة، ترتیب و تنقیح علی عسکری و حیدر مسجدی، قم: مرکز دراسات ابن فارس، احمد. معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۶. انوری، حسن. فرهنگ سخن، تهران: سخن، ۱۳۸۱.
۷. الحوزة و الجامعة، ۱۳۸۷.
۸. بروجرودی، آقاحسین. جامع احادیث الشیعه، تهران: فرهنگ سبز، ۱۳۸۶.
۹. پاک نژاد، رضا. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۹۱.
۱۰. پاینده، ابوالقاسم. نهج الفصاحه مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲.
۱۱. تیممی آمدی، عبدالواحد بن محمد. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۹.
۱۲. حرعاملی، محمد بن حسن. تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۹ق.
۱۳. خرمشاهی، بهاء الدین؛ انصاری، مسعود. پیام پیامبر، تهران: منفرد، ۱۳۷۶.
۱۴. دهقانی، اکرم سادات، «چادر و مقنعه از دیدگاه قرآن و حدیث»، قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۴.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. الذریعه إلى مکارم الشریعة، نجف: بی نا، ۱۳۸۷.
۱۶. -----، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دار العلم، ۱۴۱۲ق.
۱۷. رجبی، عباس. حجاب و نقش آن در سلامتی روان، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵.
۱۸. زعفرانچی، لیلیاسادات. اشتغال زنان، تهران: مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۸۸.
۱۹. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۲۰. شبر، عبدالله. تفسیر شبر، تهران: انتشارات أسوه، ۱۴۲۱.
۲۱. شرتوتی، سعید. أقرب الموارد فی فصیح العربیة والشوارد، بیروت: مکتبه لبنان، ۱۹۹۲.
۲۲. صابری یزدی، علیرضا و محمد رضا انصاری محلاتی. الحکم الزاهره، چاپ دوم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.

۲۳. صدوق، محمد بن علی. الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية في قم المقدسة، ۱۴۰۳ق.
۲۴. _____، من لا يحضره الفقيه، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۲۵. _____، الامالی، قم: مؤسسة البعثة، ۱۴۱۷ق.
۲۶. طاهری نیا، احمد. حضور زن در عرصه های اجتماعی - اقتصادی از نگاه آیات و روایات، چاپ دوم، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹.
۲۷. طباطبائی، سید محمد حسین. المیزان في تفسير القرآن، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۹۳.
۲۸. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن. مجمع البیان في تفسير القرآن، چاپ دوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۲۹. طبری، محمد بن جریر. جامع البیان في تفسير القرآن، بیروت: دارالمعرفه ۱۴۱۲ق.
۳۰. طرقي اردکاني، حمیده. « مفهوم شناسی عفاف»، فرهنگ بویا، شماره ۱۸، ۱۳۸۹، صص ۴-۸.
۳۱. طریحی، فخرالدین. مجمع البحرين، تحقیق سیداحمد حسینی، تهران: کتاب فروشی مرتضوی، ۱۳۷۵.
۳۲. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. التبیان في تفسير القرآن، احمد حبیب تصیر العاملی، قم: افست از چاپ بیروت، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ق.
۳۳. علم مهرجردی، نسرين. رابطه دختر و پسر در جامعه کنونی ما، تهران: آن، ۱۳۸۱.
۳۴. قرائتی، محسن. تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
۳۵. قرشی، سید علی اکبر. قاموس قرآن، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷ش.
۳۶. قطب، سید. في ظلال القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق.
۳۷. قمی، علی بن ابراهیم. تفسیر قمی، سید طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۷ش.
۳۸. مترجمان. ترجمه جوامع الجامع، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.
۳۹. محقق، محمد باقر. دائره الفرائد در فرهنگ قرآن، تهران: بعثت، ۱۳۶۴.
۴۰. محمدی ری شهری، محمد. میزان الحکمه، حمید رضا شیخی، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۵.
۴۱. مجلسی، محمدباقر. بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الأئمه الاطهار علیهم السلام، بیروت: دارالتراث العربی، ۱۴۰۳.
۴۲. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، قم، التحقيق و النشر، دار الحدیث، ۱۴۱۶.
۴۳. مشهدی، محمد بن محمد رضا. تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
۴۴. مصطفوی، حسن. التحقيق فی کلمات القرآن، تهران: وزارت الثقافة و الارشاد الاسلامی، ۱۳۶۸.
۴۵. مطهری، مرتضی. مسأله حجاب، چاپ نود و یکم، تهران: صدرا، ۱۳۹۰.
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. تفسیر نمونه، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۴۷. نجفی، محمد حسن. جواهر الکلام الي شرح شرائع الاسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸.
۴۸. نوری، میرزا حسین. مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسة آل البيت، ۱۴۰۷ق.
۴۹. نیشابوری، مسلم. صحیح مسلم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق.

مهندسی فرهنگ ارزشی با توجه به سیر نزول آیات حجاب^۱

زهرا فخرروحانی^۲

چکیده

بنا بر آیات وحی، مسأله پوشش از اولین مسائلی بود که حضرت آدم علیه السلام پس از هبوط به زمین با آن مواجه شد. خداوند متعال در قرآن کریم درباره‌ی شیوه صحیح پوشش، تکالیف و دستوراتی را مقرر کرده است. شیوه‌شناسی صحیح نهادینه‌سازی فرهنگ پوشش در جوامع انسانی، یکی از مسائلی است که همواره در معرکه آرا و نظرات مختلف قرار گرفته است. بنابراین بایسته است که با تحلیل و بررسی دیدگاه قرآن در این باره، کامل‌ترین نسخه وحی آسمانی را به عنوان مبنای فرهنگ‌سازی برگزینیم. در این نوشتار با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، کوشش شده است با توجه به روش فرهنگ‌سازی قرآن به عنوان شیوه‌ای مؤثر در طراحی فعالیت‌های فرهنگی، توجه برنامه‌ریزان فرهنگی را نسبت به روش طرح مباحث ارزشی جلب کند، به گونه‌ای که تقویت شاخص‌های ارزشی در اجتماع آسان‌تر و مخاطب را نسبت به تحمل دشواری‌های آن پذیراتر کند. خداوند در این خصوص از تکنیک‌هایی همچون تدریج، الگوسازی، سطح‌بندی و بیان فلسفه و چرایی حکم استفاده کرده است. بدیهی است که وقتی حجاب در جامعه وجهه محدودیت و دست و پاگیری نداشته باشد، بلکه شاخص امتیاز و ارجمندی شمرده شود، با اقبال عمومی مواجه خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، پوشش، حجاب، تبرج، جلباب.

۱. تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۴ تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۸

۲. سطح چهار تفسیر تطبیقی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران z.frohani@gmail.com

مقدمه

حجاب، جنجالی‌ترین لباسی است که بشر در طول تاریخ به تن کرده است؛ عده‌ای با خشونت به جنگ با این پوشش پرداخته و عده‌ای دیگر در راه ترویج آن، جان فشانی می‌کنند. معرفی حجاب به عنوان عامل شخصیت بخشی به موجودیت زن و اصلاح هندسه‌های معرفتی در باب ترویج روابط سالم، مستلزم تبیین الگوی قرآنی و به دور از افراط و تفریط است. اثبات اهمیت و ضرورت رعایت حجاب در جهت استحکام بخشی به بنیان خانواده و جلب آرامش و امنیت اجتماعی و فردی در سایه رعایت عفت و حیا، از الزاماتی است که می‌تواند به کاهش ثمربخشی فعالیت‌های ستیزه جویانه دشمن منجر شود. با این توصیف، وظیفه تبیین مرزهای حجاب و عفت مداری بردوش همه افراد اجتماع سنگینی می‌کند و همه کسانی که در جستجوی سلامت اخلاقی اجتماع هستند باید در تبیین فرهنگ عفت مداری دینی بکوشند.

با آن‌که عریان بودن در همه فرهنگ‌ها و مرام و مسلک‌های اجتماعی، مردود و مخالف فطرت شمرده شده و پوشیدگی جلوه‌ای از نجابت و عفت به حساب می‌آید، استعمار نوین با استفاده ابزاری از زن و بازیچه قرار دادن او، می‌کوشد تا مظاهر پوشش را جلوه‌ی کهنه پرستی نشان دهد و در ستیز با فرهنگ عفت مداری، برهنگی را در جوامع رواج دهد. جهان غرب با استفاده از شیوه‌های مختلف، در جهت تضعیف بنیان‌های پوشش دینی کوشیده است؛ به این معنا که گاه با طرح شبهاتی، زن را اسیر و محبوس در خانه معرفی می‌کند و ادعای تظلم می‌کند و گاه با تولید فیلم‌های مبتذل، تزلزل بنیان‌های عفت مداری را در نظرگاه عموم رواج می‌دهد. در مقابل چنین تلاش‌هایی، کوشش برای تقدس بخشی به حجاب و عفاف و تبیین آثار و پیامدهای گسترش فرهنگ قرآن به عنوان شیوه‌ای در جهت مقابله با آسیب‌های حاصل از تهاجم فرهنگی غرب، امری مقدس است. از آن‌جا که هجمه‌های حاصل از تهاجم غرب به بنیان‌های حجاب و عفاف، تهدیدی برای همه اعضای جامعه شمرده می‌شود، بر همگان بایسته است که با کوشش در این خصوص، زمینه را برای بسترسازی هرچه بیش‌تر بر باورپذیری گرایش عمومی به فرهنگ حجاب و عفاف

فراهم کنند. تلاش در جهت تبیین مرزهای پوشش و عفاف، همواره مورد توجه پژوهشگران قرار داشته و اغلب مفسرین ذیل آیات مرتبط با حجاب، به تبیین دیدگاه قرآن در زمینه پوشش پرداخته‌اند. افزون بر این، کتاب‌های مستقلی نیز در این زمینه نگاشته شده که هرکدام از زاویه و منظری خاص، این امر را مورد توجه قرار داده‌اند. کتاب *مسأله حجاب شهید مطهری* یکی از برجسته‌ترین آثار در این زمینه است. همچنین می‌توان از کتاب‌هایی همچون *بررسی و تحقیق پیرامون حجاب اثر مجید حاذق و زهرا حمزه پور، عفت ندای فطرت نگاشته زهرا تاجیک، عفاف در گستره زندگی اثر محسن فتاحی اردکانی، گوهر عفاف نگاشته سید حسین اسحاقی و سیر فرهنگ سازی پوشش اسلامی با رویکرد تفسیر تنزیلی که توسط عبدالکریم بهجت به رشته تحریر درآمده، نام برد. در این زمینه پژوهش‌های فراوانی انجام شده، ولی آن چه این تحقیق، متکفل بیان آن است، تبیین سیر نزول آیات حجاب و بررسی مهندسی فرهنگی قرآن کریم در زمینه نهادینه سازی فرهنگ حجاب و عفاف است که در میان آثار مورد اشاره، آخرین اثر به این موضوع اختصاص یافته است، با این تفاوت که نگارنده این اثر بر آن است که فرهنگ پوشش اسلامی تنها با صدور حکم پوشش پدید نیامد، بلکه به این منظور ابتدا زمینه و اسبابی فراهم شد تا امر پذیرش، درونی سازی و هنجار سازی پوشش اسلامی تسهیل شود (بهجت پور، ۱۳۹۶، ص ۷۱). با این توصیف باید به این نکته اشاره کنیم که این کتاب افزون بر آیات مورد اشاره در این پژوهش، در صدد تبیین دورنمایی از شیوه قرآن در مهندسی فرهنگ ارزشی در خصوص ارزش‌های اخلاقی همچون صبر، صدقه و پوشش است. روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. پژوهش حاضر در صدد تبیین آن است که شیوه قرآن در زمینه گسترش فرهنگ حجاب و عفاف چیست؟ با توجه به تدریجی بودن نزول آیات حجاب، چگونه خداوند از تدریج به عنوان ابزاری در جهت نهادینه سازی و گسترش فرهنگ ارزشی استفاده کرده است؟ استفاده از سبک قرآن، چگونه می‌تواند به عنوان ابزاری در خدمت برنامه ریزان فرهنگ ارزشی در جوامع امروزی مورد توجه قرار گیرد؟*

۱. مفهوم‌شناسی حجاب

در بخش مفهوم‌شناسی به تعریف لغوی و اصطلاحی واژه حجاب می‌پردازیم.

۱.۱. تعریف لغوی حجاب

حجاب از ریشه «حجب»، متعدی و به معنای «در پرده قرار دادن» است. ابن درید حجاب را پوششی می‌داند که روی شیء را فرا می‌گیرد و معنای پرده را نیز برای آن ذکر می‌کند. زمانی که خورشید در ابر فرو می‌رود، عرب می‌گوید: «احتجبت الشمس فی السحاب» (ابن درید، ۱۹۸۷، ص ۵۶۷). فیومی در توضیح این واژه چنین می‌گوید:

«حجب فعل متعدی است و به معنای مانع شدن به کار می‌رود. به پرده حجاب می‌گویند، زیرا مانع از دیدن است و به دربان حاجب گفته می‌شود، از آن روی که مانع ورود افراد می‌شود. این واژه در اصل به موانع مادی اطلاق می‌شود، ولی در موارد ویژه می‌تواند به مانع معنوی نیز اطلاق شود» (فیومی، بی‌تا، ۳۴۶).

از آن چه گفته شد می‌توان دریافت که حجاب به پوششی گفته می‌شود که مانع از دیدن چیزی شود. شهید مطهری در این باره می‌گوید: «کلمه حجاب هم به معنای پوشیدن است و هم به معنای پرده و حاجب به کار می‌رود. بیشترین استعمال آن پرده است. هر پوششی حجاب نیست، تنها پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد» (مطهری، ۱۳۶۷، ص ۳۹۱-۳۸۶).

این واژه در قرآن نیز به همین معانی استعمال شده است. خداوند در داستان حضرت سلیمان علیه السلام می‌فرماید: «حتی توارت بالحجاب» (ص: ۳۲)؛ تا آن زمان که خورشید مخفی شد. همچنین کاریست این واژه در آیات ۵۱ سوره شوری چنین است: «ماکان لبشران یکلمه الله الا وحیاً او من وراء حجاب». در آیه ۵۳ سوره احزاب: «واذا سألتموهن متاعاً فاسئلهن من وراء حجاب» به معنای پرده و مانع به کار رفته است. بنابراین می‌توان گفت کلمه حجاب از نظر لغوی مترادف واژه عربی «ستر» به معنای پوشیدن، پوشش، پرده، حجاب و مانع است.

۲.۱. تعریف اصطلاحی حجاب

فقها اغلب در کتب فقهی از این مفهوم با عنوان «ستر» یاد می‌کنند و استعمال حجاب درباره پوشش زن، استعمال جدیدی است. این استعمال به دلیل ریشه لغوی آن - که پیش‌تر مورد اشاره قرار گرفت - بسترمناسبی برای بروز شبهات قرار گرفت، چرا که معنای اصلی این واژه مانع و پرده است و عده‌ای بر آن شدند که اسلام با الزام حجاب برای زنان، آنان را به خانه نشینی و عزلت‌گزینی فراخوانده و مانع پیشرفت آنان شده است. شهید مطهری در این باره می‌گوید: «استعمال کلمه حجاب درباره پوشش زن، اصطلاح به نسبت جدیدی است، چون در اصطلاح فقها و پیشینیان به جای واژه حجاب، کلمه ستر که به معنای پوشش استعمال می‌شد» (مطهری، ۱۳۶۷، ص ۳۹۲).

بنابراین باید گفت که معنای اصطلاحی جدید این واژه، عبارت است از پوششی که زنان در برابر نامحرمان استفاده می‌کنند تا مانع جلوه‌گری و خودنمایی شود. حجاب به این معنای یکی از اصول مشترک همه ادیان ابراهیمی و از ضروریات شمرده می‌شود (علیمردی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹).

۲. ترتیب نزول آیات حجاب در قرآن

برای دستیابی به روش قرآن در نهادینه‌سازی حجاب و عفاف در عصر نزول، توجه به هندسه‌ی طرح این مفهوم در قرآن کریم بر مبنای ترتیب نزول سوره‌های قرآن، حائز اهمیت است. در ترتیب نزول سوره‌ها، روایات مختلفی وجود دارد، اما روایاتی که از طریق ابن عباس به دست ما رسیده، مورد تأیید بیشتر دانشمندان علوم قرآنی است (معرفت، ۱۳۸۶، ص ۷۷). بر اساس چینشی که ابن عباس ارائه می‌دهد، ترتیب سوره‌ها عبارتند از: اعراف، مریم، طه، شعراء، نمل، قصص، هود، یوسف، حجر، صافات، انبیاء، مؤمنون، معارج، عنکبوت، آل عمران، احزاب، نساء، الرحمن، نور، تحریم و مائده.

هرچند در نگاه کلی، طرح مسأله حجاب در ۲۱ سوره از سوره‌های قرآن وجود دارد، اما نزول آن در سوره‌های مکی بیش‌تر در قالب داستان و اسطوره‌سازی‌هایی که جنبه زمینه‌سازی دارند، مشاهده می‌شود (۱۴ سوره از ۲۱ سوره). برای نمونه طرح موضوع در قالب داستان در آیات مربوط

به حضرت آدم و حوا عليهما السلام، حضرت مریم عليها السلام، قوم حضرت لوط عليه السلام، حضرت یوسف عليه السلام و ... مشهود است. (زاهدی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۱) بررسی ترتیب نزول آیات حجاب نشان می‌دهد که خداوند حکم حجاب را به تدریج و در طول زمان و در ضمن زمینه سازی های لازم فرهنگی بر مردم نازل کرده است. اولین آیات حجاب در روزهای پایانی سال پنجم هجری، در جریان ولیمه ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با زینب بنت جحش (همسر طلاق داده شده زید بن حارثه) بر پیامبر نازل شد و همه مردان در برابر دستور این آیه شریفه می‌بایست از پس پرده با همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سخن بگویند. مراحل نزول آیات حجاب به شرح ذیل است:

مرحله اول: پیش از سال پنجم هجری بر زنان مسلمان، واجب نشده بود که حجاب داشته باشند. آنان با همان لباس معمول و مرسوم آن زمان در جامعه حاضر می‌شدند و با مردان سخن می‌گفتند. تا این‌که در سال پنجم هجری، پس از ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با زینب بنت جحش، خداوند حجاب را بر همسران پیامبر واجب قرار داد و به مؤمنان دستور داد، هرگاه از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چیزی خواستید از پشت پرده بخواهید: ﴿وإذا سألتهمون متاعاً فاسئلوهمن من وراء حجاب ذلکم اطهر لقلوبکم وقلوبهن﴾ (احزاب: ۵۳). البته توجه به این نکته لازم است که پیش از نازل شدن آیه حجاب در همین سوره، آیات دیگری نازل شده که در آنها، شأن همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در صورت رعایت تقوای الهی از شأن دیگر زنان برتر شمرده شده است و به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دستور داده شد جز برای کارهای ضروری از خانه خارج نشوند و با ناز و کرشمه با مردان سخن نگویند و بسان دوران جاهلیت نخستین، خود را نیارایند: ﴿یا نساء النبی لستن کأحد من النساء ان اتقیتن فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض وقلن قولاً معروفاً. وقرن فی بیوتکن ولا تترجن تترج الجاهلیة الأولى﴾ (احزاب: ۳۲). بنابراین می‌توان گفت در این مرحله ضمن شرافت بخشی ویژه به همسران پیامبر، خداوند دسترسی مردم به آنها را محدود کرده تا نشان دهد حجاب حکمی برای شرافت بخشی است، نه امری محدودکننده و انزجارآمیز. مرحله دوم: در این مرحله خویشاوندان نسبی از دایره حکم حجاب بیرون شدند و اجازه یافتند با همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بی آن‌که پرده‌ای در بین باشد، سخن بگویند. نزول حکم حجاب درباره همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم موجب بازداشتن شدن مردان از مراد مستقیم با آنان بود. سپس این تصور

به وجود آمد که این حکم، همه مردان حتی پدران، برادران و خویشان همسران رسول خدا ﷺ را در برمی گیرد و این پرسش مطرح شد که آیا از این پس پدران همسران رسول خدا ﷺ، برادران و پسران آن‌ها نیز از دیدن بازداشت‌شده‌اند؟ و از آن مهم‌ترین که آیا همان‌گونه که عبارت «یا ایها الذین آمنوا» زنان و مردان باایمان را در برمی‌گیرد و تنها از باب (تغلیب) ضمیرها مذکر آمده است، در عبارت «اذا سألتموهن» ضمیر مخاطب از باب (تغلیب) به صورت مذکر آمده است و در واقع زنان را هم در برمی‌گیرد؟ یعنی برابر این حکم زنان مؤمن نیز باید از پس پرده با همسران رسول خدا ﷺ سخن بگویند، یا آن‌که این حکم فقط ویژه مردان است؟ در پی طرح پرسش‌ها و شبهه‌ها، این آیه شریفه بر قلب مبارک رسول خدا ﷺ فرود آمد: «لأجناح علیهنّ فی آبائهنّ و لا ابنائهنّ و لا اخواتهنّ و لا ابناؤ اخواتهنّ و لا نسائهنّ و لا ما ملک ایمانهنّ و اتقین الله انّ الله کان علی کلّ شیء شهیداً». پنج گروه نخست از گروه‌هایی که در آیه مورد اشاره ذکر شده‌اند، محرمان نسبی نام گرفته‌اند؛ بنابراین، حکم حجاب برای همسران پیامبر بدین منظور نبوده که آنان خود را از تیررس چشم محرمان نسبی به دور نگه‌دارند.

همچنین از آیه استنباط می‌شود که تکلیف در پس پرده قرار گرفتن، متوجه همسران رسول خداست، نه مردان. همسران پیامبر ﷺ باید در پس پرده بمانند، نه این‌که مردان وظیفه داشته باشند که نگاه نکنند. این معنا از آن جا فهمیده می‌شود که خداوند به جای عبارت «لأجناح علی آبائهنّ» عبارت «لأجناح علیهنّ فی آبائهنّ» را آورد تا نشان دهد که این درخواست تکلیفی بر زنان است. در آخرین خداوند خطاب به زنان فرمود: شما زنان باید تقوای الهی را پیشه کنید: «واتقین الله» و خود را در پس پرده قرار دهید و نفرمود که شما مردان یا شما مردان و زنان باید تقوای الهی را پیشه کنید «واتقوا الله» و چشم به نامحرم ندوزید (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۱۶، ص ۳۶۱). مرحله سوم: خداوند در این مرحله، جلباب (پوشش چادرمانند) را به عنوان حقی برای همسران و دختران پیامبر ﷺ و زنان مؤمن قرار داد: «یا ایها النبی قل لأزواجک و نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلابیبهنّ ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین» (احزاب: ۵۹).

مرحله چهارم: آیات سوره نور احکام حجاب بانوان را این‌گونه روشن ساخت که زنان باید چشم خود را از نامحرم فروپوشند، فرج‌های خود را حفظ کنند، زینت‌های خود را جز آن‌چه

آشکار است، نمایان نکنند، روسری های خود را برسینه، گردن و گوش بزنند و خود را ببوشانند و زینت های خود را جز برای محارم آشکار نسازند: ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ... وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيَعْلَمَ مَا يَخْفَيْنَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوَبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (احزاب: ۵۹).

مرحله پنجم: در این مرحله، اجازه گرفتن برای ورود به محل استراحت بانوان محرم، مطرح شد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ. فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يَأْذَنَ لَكُمْ وَ إِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هَٰؤُلَاءِ لَكُمْ إِنْ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ (نور: ۲۷-۲۸).

۳. مبارزه قرآن با پدیده بدحجابی

از آن جا که حجاب در ادیان پیشین تشریح شده بود، نمی توان ادعا کرد که آیات یاد شده، آغازگر جریان پوشش در میان مسلمانان بوده اند، بلکه نوعی از پوشش در میان بانوان، قبل از تشریح آیات حجاب مرسوم بود. شاهد این مدعا سخن زمخشری در کشف است که می گوید: «قبل از نزول آیات حجاب، زنان، گریبان هایشان باز بود و گردن و سینه و اطراف آن دیده می شد. آن ها روسری بر سر می انداختند، ولی اطراف آن را غالباً به پشت سر خود بر می گرداندند (همانند آن چه امروز در میان مردان عرب رواج دارد)» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۳۷).

بنابراین نمی توان ادعا کرد که قبل از نزول آیات حجاب، زنان، بدون پوشش در اجتماع حاضر می شدند، به ویژه آن که نماز تشریح شده بود و نمی توان تصور کرد زنان بدون حجاب در اجتماعات دینی یا نماز حضور یافته باشند، ولی آن چه اسلام به مبارزه با آن پرداخت، پدیده بدحجابی بود و نزول آیات قرآن به احیا، تقویت و تثبیت فرهنگ حجاب و عفاف تأکید کرد.

۴. مهندسی فرهنگی قرآن در زمینه نهادینه سازی فرهنگ حجاب

رعایت پوشش اسلامی براساس نص صریح قرآن از خانه پیامبر ﷺ آغاز شد. خداوند ابتدا با شرافت بخشی به همسران پیامبر ﷺ، آنان را از دسترس دیگران خارج کرد و سپس تکالیف ویژه پوشش را بر آنان هموار ساخت تا برتری یابند. از جمله وظایفی که بر همسران پیامبر ﷺ مقرر شد: پرهیز از سخن گفتن با ناز و کرشمه و پسندیده سخن گفتن ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ... وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾ (احزاب: ۳۲)، خارج نشدن از خانه ﴿قَرْنَ فِي بَيْوتِكُنَّ﴾ (احزاب: ۳۳) و نیاراستن به شیوهی دوران جاهلیت ﴿لَا تَبْرَجْنَ تَبْرَجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾ بود. حال پس از فرا خواندن ﴿امهات المؤمنین﴾ (احزاب: ۶) به حجاب که هم شرافت و امتیاز شمرده می شد و هم تکلیف و وظیفه، همین وظیفه و امتیاز به دیگر زنان مؤمن نیز بخشیده شد تا آنان نیز از شرافت بهره مند شده و قدر و منزلت یابند. این امر باعث شد که جوانان و اوپاش با آنان برخورد به دور از ادب و آزار دهنده نداشته باشند و دریابند که اینان زنان با شخصیت و از خاندان شریف و پاک هستند و نباید مورد آزار و اذیت واقع شوند (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۱۶، ص ۳۶۳). از این روی حجاب، جایگاه ویژه ای دارد و شرافتی برای زنان مؤمن به شمار می آید. به همین دلیل بود که زنان مدینه از این دستور خداوند استقبال کردند و به سرعت مقنعه ها و چادرهای سیاه تهیه کردند و با آن ها خود را پوشانند. عایشه می گوید: «زنانی بهتر از زنان انصار ندیدم، چون به محض این که آیه ۳۱ سوره نور نازل شد، آنان تعبد ویژه ای از خود نشان دادند و مرط را که همچون غربال بود، بر سر خود می افکندند». صاحب صحاح درباره معنای واژه مرط می گوید که مرط پارچه بزرگی از جنس پشم یا خز بود و انصار به جهت رعایت حجاب مورد نظر قرآن آن را بر سر خود می افکندند. آن ها این پارچه را مانند غربال پاره می کردند تا به این وسیله وقتی آن را بر صورت خود می افکندند بتوانند از موانع سر راه خود مطلع شوند. ام سلمه نیز در این باره می گوید: «وقتی که آیه شریفه (خود را با چادرها فرو پوشانید) نازل شد، زنان انصار از خانه ها خارج شدند، به گونه ای که گویا کلاغ های سیاه بر روی سر آنان نشستند، به خاطر لباس های سیاهی که پوشیده بودند» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۲).

با توجه به آن چه گفته شد، ابتکار قرآن در جهت گسترش فرهنگ ارزشی حجاب، یکی از

مهم ترین مؤلفه های زمینه ساز برای اقدامات فرهنگی شمرده می شود. نظریه موفقیت قرآن در زمینه گرایش مخاطبان عصر نزول به پذیرش حجاب، باید به شیوه مهندسی قرآن در طرح این مبحث به عنوان گنجینه ای گرانبها در فرهنگ سازی اجتماعی، توجه ویژه ای مبذول داشت. شیوه مهندسی قرآن با هدف بسترسازی و ایجاد زیرساخت های لازم جهت نهادینه سازی فرهنگ ارزشی را می توان در چند مؤلفه مورد توجه قرار داد:

۱.۴. تدریج

بررسی سیر نزول آیات حجاب گواه آن است که دستور حجاب، تکلیفی است که پذیرش آن نیازمند حرکت آرام فرهنگی و توأم با بسترسازی های لازم در طول زمان است؛ به عبارت دیگر چون مکلف ساختن اجتماع به امر پوشش برای مخاطبان عصر نزول دشوار بود، پرهیز از شتابزدگی و تأمل در جهت مهیا شدن زیرساخت ها در آن از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. بنابراین در فرهنگ سازی توجه به این نکته حائز اهمیت است که در عین متانت باید همه بستریهای لازم فراهم شود.

افزون بر این باید توجه داشت همان طور که بناکردن ساختمانی عظیم بر تپه ای از خاک که فاقد استحکام و اعتماد است، بی ارزش و غیر قابل اتکا است، استفاده از شیوه های تحکم آمیز و توأم با جبر نیز در این عرصه، ناموفق خواهد بود. استفاده از شیوه های تحکم آمیز هر چند با شتابزدگی و سرعت بیش تری جامعه را به مقصد می رساند، ولی از آن جا که فاقد عمق معرفتی و بینشی است، از دوام و استحکام اندکی برخوردار بوده و در مواجهه با تهاجم های سازمان یافته دشمن، فاقد استحکام و ماندگاری خواهد بود.

۲.۴. الگوسازی

یکی از کارآمدترین شیوه هایی که به وسیله آن می توان طیف فکری ویژه ای را در اجتماع رواج داد، استفاده از روش الگوسازی است. آموزش از راه تقلید، یکی از گرایش های فطری انسان است. حضور پیامبران در جوامع بشری و ارائه الگوهای رفتاری در برخورد با پدیده های

اجتماعی، نشانگر ضرورت یادگیری از طریق الگوپذیری است. بدیهی است که برای ایجاد و تقویت یک ارزش در جامعه، نیازمند الگوسازی هستیم. خداوند با نزول آیاتی که متکفل ایجاد مرحله مقدماتی در طرح نهادینه سازی الگوی حجاب و عفاف بودند، به این مهم پرداخت. باید توجه داشت که الگوهای رایج جامعه جهانی، نقش مهمی در الگوپذیری نسل امروز و تخریب بنیان های فرهنگ ارزشی دارند. همچنین باید توجه داشت که الگوسازی به شیوه ای که در آن عربیانی و برهنگی به عنوان ارزش شمرده شود، بسی آسان تر از الگوسازی در زمینه شاخص های ارزشی است. بنابراین مقابله با این نحوه از الگوسازی های نادرست و رایج، اولاً کارچندان آسانی نیست و ثانیاً ضربه سنگینی به بنیان های ارزشی اجتماع وارد می سازد. برای نیل به این منظور، ابتدا باید به تصحیح اسطوره ها و الگوهای اجتماعی دست زد؛ چون قاطبه مردم بدون برخورداری از پشتوانه فکری لازم به تبعیت از الگوها علاقه نشان می دهند. پس باید گفت به همان میزان که رسانه ها در زمینه الگوسازی نادرست در ذهن مخاطبان خود فعالیت می کنند، موفقیت فعالان فرهنگی در زمینه گسترش حجاب و عفاف را به تأخیر انداخته و با چالش های جدی مواجه می سازند.

۳.۴. ارزش گذاری

یکی از شیوه هایی که قرآن برای گسترش فرهنگ حجاب از آن استفاده کرده، ارزش نهادن به زن در قالب طرح حجاب و عفاف است. در حقیقت قرآن با طرح مسأله حجاب، به تکریم شخصیت زن و پرهیز از دسترسی آسان به او پرداخته است. امروز این مفهوم از عفت نه تنها نادیده گرفته شده، بلکه گفته می شود خداوند با قرار دادن چنین تکلیفی به زنان ظلم کرده و قوانین را در جهت راحتی مردان تدوین کرده است.

طرح مسأله حجاب به عنوان شاخص ارزشمندی در اجتماع، مخاطب را نسبت به تحمل دشواری های آن پذیراتر کرده است. خداوند پس از آن که همسران پیامبر ﷺ را به عنوان شخصیت های ممتاز اجتماعی مورد توجه قرار داد، آنان را از دسترس عموم افراد دور نگه داشت و دسترسی به آن ها را محدود کرد. سپس در کنار این گروه ممتاز اجتماع - که شامل دختر و

همسر پیامبر ﷺ بود- زنان مؤمن را نیز مخاطب قرار داد و آنان را مکلف به دستور پوشیدگی، سترو عفت کرد: «یا نساء النبی لستنّ كأحدٍ من النساء ان اتقیتنّ» (احزاب: ۳۲)؛ ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید، اگر تقوا پیشه کنید.

بدیهی است که وقتی حجاب در جامعه صورت محدودیت و دست و پاگیری نداشته، بلکه شاخص امتیاز و ارجمندی شمرده شود، رغبت عمومی به آن افزایش یافته و قاطبه افراد اجتماع در حسرت و آرزوی برخورداری از این امتیاز خواهند بود. به این ترتیب گرایش عمومی به این امر افزایش می یابد.

۴.۴. سطح بندی

یکی از نکات مهمی که در دستور قرآن به حجاب و عفت نهفته است، نزول تدریجی آیات حجاب است. خداوند این دستور را ابتدا متوجه شخصیت های محوری اجتماع کرد و سپس به عموم بانوان حکم داد و دشواری تکلیف عموم را در مقایسه با تکلیف مورد انتظار از شخصیت های برجسته اجتماع، کمتر قرار داد. به همین دلیل هنگامی که پوشش چادر آن هم به نحو شکل و جدی را از همسر و دختر پیامبر ﷺ مطالبه کرد: «یدنین علیهنّ من جلابیهنّ» (احزاب: ۵۹)، از سوی دیگر از عموم مردم اجتماع، صرف پوشیدگی بدن و رعایت عفت نگاه را خواستار شد؛ بدون قید استفاده از پوشش برتر (جلباب): «قل للمؤمنات یغضن من ابصارهن و یحفظن فروجهنّ و لایبدین زینتهنّ...» (نور: ۳۱). بنابراین انتظار به وجود آمدن جامعه ای یکدست در اثربلیغات حجاب و عفاف، توقعی نابه جا و غیرممکن است و از آن جا که رعایت حجاب و پوشیدگی با ظرفیت انسان ها ارتباط دارد، نمی توان از همه افراد، توقع پوشیدگی و تستر در سطح تکلیف خواص را داشت.

۴.۵. فلسفه و چرایی حجاب

خداوند در بخشی از آیات قرآن پس از ذکر قوانین به بیان فلسفه و چرایی احکام شرعی مبادرت ورزیده است؛ برای نمونه پس از بیان این نکته که مسافران و بیماران از حکم روزه

مستثنا هستند، می‌گوید: «یرید الله بکم الیسرو لایرید بکم العسر» (بقره: ۱۸۵)؛ خداوند راحتی شما را می‌خواهد، نه زحمت شما را و فلسفه آن را نفی عسر و حرج و مشقت ذکر می‌کند. در مورد تحریم قمار و شراب می‌گوید: «انما یرید الشیطان ان یوقع بینکم العداوه و البغضاء فی الخمر و المیسرو یرصدکم عن ذکر الله و عن الصلوه فهل انتم منتهون» (مائده: ۹۱)؛ شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد. آیا (با این همه زیان و فساد و با این نهی اکید) خودداری خواهید کرد؟

نکته قابل توجه این است که با آن‌که بیان فلسفه و چرایی احکام در همه موارد در قرآن دیده نشده و برای نمونه با وجود تعدد امر قرآن به اقامه نماز یا زکات خداوند به بیان علت و چرایی آن اقدام نکرده، اما در غالب آیات مربوط به حجاب، خداوند درباره چرایی و فلسفه آن با انسان سخن گفته است. بدیهی است که بیان فلسفه و چرایی، تبعیت را برای انسان هموارتر ساخته و زمینه سرکشی و طغیان نفس را از بین می‌برد. خداوند در مورد خودداری از نگاه به زنان بیگانه می‌فرماید: «ذلک ازکی لهم» (نور: ۳۰)؛ این برای آنان پاکیزه‌تر است. از این نکته فهمیده می‌شود که با آن‌که الگوسازی و سطح‌بندی و سایر موارد اشاره شده در تسهیل‌گرایش جامعه به فرهنگ حجاب مؤثر است، اما توجه به این نکته نیز لازم است که انسان موجودی است که خودخواهی و منفعت‌طلبی بر همه حیطه‌های وجود او سایه افکننده و از این رو اگر نسبت به منفعت شخصی خود در امری اطمینان یابد، تبعیت از آن را آسان شمرده و تسلیم می‌شود. اضافه بر این‌ها بیان منطقی، فلسفه و چرایی قانع‌کننده، نقش مؤثری در زمینه‌سازی برای اطاعت‌پذیری دارد؛ از این رو تعبیری همچون «ذلکم اطهر لقلوبکم و قلوبهن» (احزاب: ۵۳)؛ این کار برای پاک‌دل‌های شما و آن‌ها بهتر است و نیز «ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین» (احزاب: ۵۹)؛ که این کار برای این‌ها (به عفت و حریت) شناخته‌شوند تا از تعرض و جسارت (هوسرانان) آزار نکشند بسیار نزدیک‌تر است، درگسترش و نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب و عفاف تأثیر بسزایی ایفا می‌کنند.

۶.۴. طرح مبحث حجاب به عنوان یک سبک رفتاری جامع

باتوجه به آیات مربوط به حجاب، روشن می‌شود که پوشش به تنهایی نمایانگر تقید

به فرهنگ حجاب نیست، بلکه از منظر اسلام، حجاب مجموعه‌ای از رفتارهای اجتماعی است که در قالب عملکرد یک زن مسلمان جلوه یافته و بر همه ابعاد رفتاری او سایه می‌افکند. بنابراین می‌توان ادعا کرد که نهی از نگاه ناروا و پوشاندن خود از منظر نگاه‌های حرام به معنای رعایت بخش مهمی از فرمان‌ها و دستورات اسلامی و به تعبیر قرآن تلبس به لباس تقواست که در این آیه به آن اشاره شده است: «یا بنی آدم قد انزلنا علیکم لباساً یوارى سواتکم و ریشاً و لباس التقوی ذالک خیر» (اعراف: ۲۶)؛ ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می‌پوشاند و مایه زینت شماست؛ اما لباس پرهیزگاری بهتر است.

آیه فوق به انواع متمایز از پوشش اشاره دارد: از پوشش اولیه و ابتدایی که انسان را از حیوانات متمایز می‌کند تا پوششی که به انسان علاوه بر فواید پوشانندگی و زینت، عفت و حیا و احساس امنیت و ارزشمندی عطا می‌کند. شگفت این‌که مناقشات رایجی که امروز بر سر موضوع حجاب به وجود آمده، به طور عمده حاصل تقابل دنیای غرب و ستیز آن با گسترش مرزهای اسلام و یا اغراض اقتصادی و مبارزه با عوامل محدودکننده‌ی مصرف‌گرایی است، وگرنه سودمندی عفت‌مداری و تأثیر رعایت شاخص‌های پوششی در شخصیت‌بخشی به انسان، امری غیر قابل انکار است.

نتیجه‌گیری

۱. یکی از مهم‌ترین دلایل موفقیت شیوه قرآن در مهندسی فرهنگ حجاب، آغاز حکم حجاب از خانه پیامبر ﷺ و ارزش بخشیدن به زنان بود، به این معنا که خداوند با الگوسازی از زنان پیامبر ﷺ، ابتدا احکام و مسائل تکلیفی را بر آنان تشریح کرد، سپس سایر مسلمانان را نسبت به سطحی کمتر از آن چه درباره زنان و دختران پیامبر ﷺ مطالبه کرده بود، مکلف ساخت.

۲. حکم حجاب، کم‌کم و به مرور زمان از خانه پیامبر اسلام ﷺ آغاز شد و سپس به دیگر خانه‌ها و خانواده‌ها سریان یافت. نزول حکم حجاب بر زنان پیامبر ﷺ عامل مهمی بر کاهش سنگینی بار این تکلیف و نیز تقویت تأثیر آن بر اجتماع بود.

۳. خداوند دستور حجاب را پس از زمینه سازی های فراوانی که در ۱۴ سوره از سور مکی ایجاد شده بود، در مدینه و در سال پنجم هجرت بر مسلمانان تکلیف کرد.
۴. توجه به تدریج و نیز آغاز دستور حجاب از خانه پیامبر ﷺ و شخصیت های برجسته ی اجتماعی، تأثیر بسزایی در گسترش آن داشته است.
۵. مقایسه تفاوت دستور قرآن در پوشش در آیات ۳۱ نور و ۵۹ احزاب، نشانگر آن است که نمی توان از همه بدنه اجتماع، انتظار رعایت حجاب کامل را داشت. گویا رعایت این بخش از دستورات الهی به طور مستقیم با ظرفیت انسان ها سرو کار دارد؛ از این رو خداوند در این آیات تکالیف مربوط به همسران پیامبر ﷺ و شخصیت های محوری و الگویی اجتماع را سنگین تر از عموم افراد جامعه قرار داده است. بنابراین توقع یکدست شدن همه مردم در رعایت شاخص های حجاب و عفاف از نظر قرآن منتفی شمرده شده و شخصیت هایی که جنبه الگویی دارند با تکلیف سخت تری روبرو شده اند.
۶. در نهادینه سازی مسأله حجاب، توجه به موضوع الگوسازی و هویت بخشی به ارزش ها اهمیت فراوانی دارد.
۷. طرح مسأله حجاب به عنوان ابزاری ارزش بخش به بانوان و نیز تأمین کننده سلامت روان و جسم آنان در اجتماع از عوامل تقویت و گسترش فرهنگ حجاب در جامعه بوده است.
۸. خداوند با تبیین حکمت و چرایی حکم حجاب، بار سنگین تقید به آداب دینی را از دوش زنان برداشت. وقتی فلسفه و چرایی احکام حجاب در ضمن آیات تبیین شد، دشواری های آن در نظر عموم آسان تر به نظر می رسید.
۹. چرایی و فلسفه تشریح حکم حجاب برای سالم ماندن روح انسان ها است: ﴿ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ﴾ (احزاب: ۵۳).
۱۰. دستورات قرآن در زمینه پوشش، تنها بخشی از سیستم مصونیت بخشی به زنان شمرده می شود و رعایت حجاب و حیا در گفتار و رفتار به ضمیمه پوشش سالم و توصیه به پرهیز از تبرج و خودنمایی نیز از اجزای این دستور است که رعایت مجموع آن ها به سالم سازی هرچه بیشتر فضای اجتماع می انجامد.

۱۱. خداوند، الزام به رعایت مجموعه روابط و رفتارهایی که به عنوان پوشش و سبک رفتاری برپیروان خود لازم شمرده به صورت خلاصه در قالب تعبیر «ولا تبرجن الجاهلیة الأولى» (احزاب: ۳۳) بیان کرده است؛ یعنی گاهی زنان از حیث پوشش به رعایت قوانین ملتزم شده‌اند، اما در عین حال نوعی جلوه‌گری و خودنمایی در رفتار آنان دیده می‌شود که می‌تواند حامل تأثیرات نامطلوبی باشد. در عبارت فوق، ابتدا خداوند جلوه‌گری و بی‌عفتی زنان را نمادی از جاهلیت و عقب‌ماندگی معرفی کرده و سپس به آنان هشدار می‌دهد که مراقب برخوردهای اجتماعی خود باشند و از تأثیر رفتارها و مراودات اجتماعی خود غفلت نورزند. مبدا گسترش چنین رفتارهایی، امنیت فردی زنان و سلامت اجتماعی را با اختلال مواجه کند.

فهرست منابع

- قرآن کریم
۱. ابن درید، محمد. *جمهره اللغة*، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۳۸۷.
 ۲. بهجت پور، عبدالکریم. *همگام با وحی*، قم: سبط النبی، ۱۳۷۸.
 ۳. زاهدی، عبدالرضا؛ امرایی، ایوب؛ نظریگی، مریم. «روش قرآن در نهادینه سازی عفاف و حجاب»، نشریه *مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۲۹، ۱۳۸۹، ص ۴۹-۱۰۶.
 ۴. زمخشری، محمود بن عمر. *الكشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقوال فی وجوده التأویل*، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۷ق.
 ۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم: مکتبه آیه الله نجفی مرعشی، ۱۴۰۴ق.
 ۶. طباطبایی، محمد حسین. *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه اعلمی، ۱۳۷۶.
 ۷. فیومی، احمد بن محمد. *مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، اصفهان: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام، بی تا.
 ۸. مطهری، مرتضی. *مسأله حجاب*، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۷.
 ۹. معرفت، محمد هادی. *علوم قرآنی*، قم: تمهید، ۱۳۸۶.

عفاف و حجاب در متون مقدّس با تأکید بر قرآن کریم^۱

معصومه شریفی^۲

محسن رفیعی^۳

چکیده

«عفاف» و «حجاب»، واژگانی مقدّس و نام آشنا در ادیان الهی، به ویژه آیین اسلام هستند و از دیرباز مورد توجه مفسران، محدثان، تاریخ نگاران، جامعه شناسان و سایر اندیشمندان بوده اند. این دو واژه، افزون بر این که ریشه در شرع دارند، امری فطری بوده و مورد پسند روح پاک طلب آدمی هستند. با بررسی واژگان عفاف و حجاب می توان دریافت که رابطه‌ی این دو، به لحاظ منطقی، «عام و خاص مطلق» است؛ یعنی هر چند ممکن است برخی از باحجاب‌ها عقیف نباشند، ولی هر عقیفی حتماً باحجاب است. به دیگر سخن، هر آن که عقیف‌تر و از درون پاک‌تر باشد، خود را بیشتر به حجاب و پوشش، مقید می‌داند. با توجه به بررسی‌های انجام شده در قرآن کریم و کتاب مقدس، فرضیه این پژوهش به اثبات رسید که همه ادیان الهی به عفاف و حجاب اهمیت بسیار داده‌اند و احکام متعددی برای آن وضع کرده‌اند. در قرآن کریم هم که برترین و ماندگارترین آیین نامه الهی است، عفاف و حجاب، جایگاهی بس بالا و والا دارد و کامل‌ترین و جاودانه‌ترین آیین نامه‌ها و فرمان‌ها به منظور حفظ حجاب و عفاف و جلوگیری از ابتلا به گناهان مخرب شخص و جامعه آمده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جلوه‌های حجاب و عفاف در قرآن کریم در چهار سطح پوشش، نگاه، گفتار و رفتار است.

واژه‌های کلیدی: عفاف، حجاب، جلباب، قرآن کریم، متون مقدّس.

۱. تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۲۸

۲. استادیار، دانشگاه فرهنگیان، گروه آموزشی معارف اسلامی پردیس حضرت معصومه علیها السلام قم، ایران.

dr.sharifi.masoomeh@yahoo.com

۳. استادیار، دانشگاه فرهنگیان، گروه آموزشی معارف اسلامی پردیس آیت الله طالقانی (ره) قم، ایران.

dr.mohsen.rafeei@yahoo.com

مقدمه

«عفاف» و «حجاب»، دو واژه مکمل هستند که همواره مورد توجه بسیاری از مفسران، محدثان، تاریخ نگاران، جامعه شناسان و سایر اندیشمندان بوده اند. این دو واژه، افزون بر این که ریشه در شرع دارند و از احکام ثابت الهی شمرده می شوند مورد توجه فطرت پاک بشر نیز هستند. برای اثبات این ادعا، می توان از دلایل عقلی، نقلی و بسیاری از شواهد تاریخی یاری گرفت. اسلام به عنوان یکی از ادیان زنده جهان و کامل ترین و جاودانه ترین آیین الهی، بر مسأله عفاف و حجاب تأکید بسیار دارد و از آن جا که مهم ترین منبع تشریح اسلام، قرآن کریم است، آگاهی از جایگاه این مسأله در این متن مقدّس از اهمیت و ضرورت فراوانی برخوردار است. بدیهی است که هدف اساسی و کلان در این پژوهش نیز تبیین و روشن سازی جایگاه عفاف و حجاب در قرآن کریم است. روش پژوهش در نوشتار حاضر به لحاظ ابزار و شیوه گردآوری اطلاعات، «کتابخانه ای»، هدف نگارش آن «بنیادی» و شیوه پردازش پاسخ به پرسش های پژوهش، «توصیفی - تبیینی» است. پرسش اصلی در پژوهش حاضر این است که عفاف و حجاب چه جایگاهی در قرآن کریم و متون مقدّس دارد؟

فرضیه پژوهش حاضر این است که در همه ادیان الهی به مسأله عفاف و حجاب پرداخته شده است، ولی با بررسی قرآن کریم، می توان جایگاه بالا و والای عفاف و حجاب و کامل ترین احکام را در این باره مشاهده کرد. مطالب این نوشتار در چهار بخش ارائه می شود: ۱. مفهوم شناسی؛ ۲. تاریخچه مسأله؛ ۳. رابطه میان عفاف با حجاب؛ ۴. عفاف و حجاب در قرآن کریم.

۱. مفهوم شناسی

در بخش مفهوم شناسی به بررسی واژگان متن مقدّس، قرآن کریم، حجاب، عفاف و جلباب می پردازیم.

۱.۱. متن مقدّس

«متن مقدّس»، ترکیب وصفی از دو واژه متن و مقدّس است. مراد از متن مقدّس، آن متنی است که صبغه ای الهی دارد؛ یعنی از سوی خداوند متعال صادر شده باشد. مادّه «ق د س»

به معنای «طهر» (پاکی) است و مقدّس هم - که اسم مفعول است - به معنای «پاکیزه و پاک داشته شده» است. بر پایه همین معناست که بهشت را «حظیره القدّس» می‌گویند و یا به یکی از صفات خداوند، «قُدّوس» گفته می‌شود و یا جبرئیل را «روح القدّس» می‌نامند (ابن فارس، ۱۳۸۷، ۸۰۷). «حدیث قدسی» را نیز از این جهت چنین نامیده‌اند که به خدا نسبت داده شده است و به آن «حدیث ربّانی و الهی» و «اسرار الوحی» هم گفته‌اند (رامیار، ۱۳۹۳، ص ۹۷). آیین موسویان و عیسویان، تورات و انجیل (عهدین / عهد عتیق و عهد جدید) را از متون مقدس می‌دانند که به آن‌ها «کتاب مقدّس» نیز می‌گویند. کتاب مقدس را در فرهنگ پهلوی، «مانسر» می‌نامند و «نامه آشوییک» هم به آن گفته می‌شود (پرتو، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۵۰۱). مسلمانان هرچند برای حضرت موسی و عیسی علیه السلام به عنوان پیامبران اولوالعزم الهی، احترام بسیار قائل هستند، ولی بر این باورند که کتب ایشان تحریف و یا حتی تألیف شده است؛ از این رو متن مقدس نزد مسلمانان، قرآن کریم است که هیچ‌گونه تحریفی در آن راه نیافته است.

یادآوری این نکته ضروری است که از نظر مسلمانان، سیره و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله به دلیل برخوردار بودن از حجّیت، مستند است (رک. رفیعی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۸-۱۴۳) و همچنین شیعه امامیه، افزون بر هم نظر بودن با سایر هم‌دینان خود (اهل سنت) در این زمینه، سیره و سنت قولی و فعلی اهل بیت رسول خدا علیهم السلام را نیز به دلیل برخوردار بودن از حجّیت، مقدس می‌دانند. (رفیعی و شریفی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۵-۱۷۶) مفسر گرانقدر معاصر، آیت الله جوادی آملی (حفظه الله)، در نگارش‌های خویش، بارها از کلید واژگان «متن مقدّس» و «متون مقدّس» برای قرآن کریم استفاده کرده است (رک. جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۵۸ و ۶۱ و ۲۰۴-۲۰۵ و ۲۱۱-۲۱۲ و ۲۱۵-۲۱۶ و ۲۲۴-۲۲۹؛ ج ۴، ص ۲۵۴).

۲.۱. قرآن کریم

آخرین و کامل‌ترین کتاب وحی خداوند، دارای نام‌ها و صفات بسیار است. مشهورترین آن‌ها، واژه «قرآن» است که به طور معمول با ترکیب وصفی و به صورت «قرآن کریم» (واقعاً: ۷۷) و «قرآن مجید» (بروج: ۲۱) به کار می‌رود. واژه قرآن، اسم فعل یا مصدری برون «فُعَلان» از مادّه «ق ر ء» (مهموز) است و به معنای «خوانده»، «خواندنی» و «تلاوت شده» (اسم مفعول) است؛

هرچند که برخی هم قرآن را از ماده «ق ر ن» و یا «ق ر ی» می‌دانند (رامیار، ۱۳۹۳، ص ۱۲-۲۳).
 واژه‌های «کریم» و «مجید» هم که به طور معمول به عنوان صفت همراه با اصطلاح قرآن به کار
 می‌روند، به معنای بزرگ، والا و شرافتمند هستند (مصطفوی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۶۷؛ ج ۱۱، ص ۳۲-۳۴).
 برای این کتاب نورانی، تعریف‌های بسیار ارائه شده است و تعریف برگزیده آن نزد
 نگارندگان از این قرار است:

«الْقُرْآنُ وَحْيُ اللَّهِ الْمُنَزَّلُ عَلَى النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛ لَفْظًا، مَعْنَى وَ أَسْلُوبًا؛
 الْمُنْقُولُ بِالتَّوَاتُرِ، وَالْمَكْتُوبُ فِي الْمَصَاحِفِ»؛ قرآن، وحی نازل شده خداوند به پیامبرش حضرت
 محمد ﷺ {با این ویژگی‌ها} از نظر لفظ و معنا و اسلوب؛ نقل شده به تواتر (سینه به سینه)؛ و
 نگاشته شده بر کتاب‌ها (محمد سلامه، بی‌تا، ص ۸۶)

۳.۱. حجاب

واژه «حجاب» به معنای حائل، حاجز و مانع از تلاقی دو چیز یا اثر آن‌ها است؛ چه هر دو
 مادی، معنوی و یا مادی و معنوی باشند (مصطفوی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۳۶۷). از جمله واژه‌هایی
 که هم معنا و یا نزدیک به معنای حجاب در زبان عربی به کار رفته عبارت است از: «سدافه،
 سجافه، ستر، غطاء، لظط، رین، حاجز». بدیهی است تفاوت‌هایی میان این واژه‌ها وجود دارد
 که پرداختن به آن، از توان این نوشتار خارج است و مجال دیگری طلبد.

این واژه در زبان فارسی به این معانی است: «پوشش، پوش، پوشاندن، پوشنده (اسم
 فاعل)، پوشاننده (اسم فاعل)، پوشیدن، پوشیده (اسم مفعول)، پوشیده رُخ، پوشیده شدن،
 چاخچور، چادر، چادر نماز، چارقد، پاپوش، رو پوشیده (اسم مفعول)» (تونجی، ۱۳۷۷، ص ۱۶۵ و
 ۲۱۰ و ۱۳۳ و ۳۰۴). به هرتقدیر، شهید مطهری با طرح این پرسش که معنای لغوی حجاب که در
 عصر ما این کلمه برای پوشش زن معروف شده است، چیست؟ خود، این‌گونه پاسخ می‌دهد:
 «کلمه‌ی حجاب، هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب.
 بیش تر استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش
 می‌دهد که پرده وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت که به حسب اصل

لغت، هر پوششی حجاب نیست. آن پوشش حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد» (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۴۲۹).

ایشان همچنین بیان می‌کند که استعمال کلمه حجاب در مورد پوشش زن یک اصطلاح به نسبت جدید است. در قدیم و به خصوص در اصطلاح فقها، کلمه «ستر» که به معنی پوشش است به کار رفته است. فقها در «کتاب الصلوه» و «کتاب النکاح» کلمه ستر را به کار برده‌اند، نه کلمه حجاب را (همان، ص ۴۲۹-۴۳۰). ریشه «ح ج ب»، ۸ بار و با ۳ اشتقاق در قرآن کریم به کار رفته است که هیچ یک از آن‌ها به معنای «پوشش زن» نیست (عبدالباقی، ۱۳۷۴، ص ۲۴۶).

۴.۱. عفاف

واژه «عفاف» از ریشه «ع ف ف» و در معنای آن گفته شده است: «هُوَ الْكُفُّ عَنِ الْحَرَامِ وَ السُّؤَالِ مِنَ النَّاسِ»؛ دست کشیدن از حرام و درخواست از مردم (ابن اثیر، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۲۶۴). ابن منظور در شرح این واژه چنین می‌گوید: «الْكُفُّ عَمَّا لَا يَحِلُّ وَلَا يَجْمَلُ»؛ دست کشیدن از آنچه حلال و زیبا نیست (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۹، ص ۲۵۳-۲۵۴) و در التحقیق به این معنا آمده است: «كُفُّ النَّفْسِ عَنِ تَمَائِلَاتِهِ غَيْرِ الصَّالِحَةِ لَهُ»؛ بازداشتن نفس از خواهش‌های نادرست (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۱۸۰-۱۸۱). البته تفسیر مادّه «عَفَّه» به دست کشیدن از زشتی، آن چه شایسته نیست، آن چه حلال نیست، آن چه زیبا نیست، حرام، درخواست، شکیبایی، پاکدامنی یا سایر موارد، نوعی تفسیر تقریبی است و اصل جامع در این معنا «نگاه‌داری نفس از تمایلات و شهوت‌های نفسانی» است (همان).

در زبان عربی، در مقابل واژه عقیف، واژه «عاهر» (ناپاک) و «روسپی یا روسبی» (زانیه، فاجره، عاهره) به کار می‌رود (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۰۵؛ ج ۲، ص ۲۸۰). واژه‌های عفاف و عقیف در زبان فارسی، در این معانی به کار رفته‌اند: «پاک، پاکدامن، پاک زن، پاکرو (اسم فاعل)، پاکیزه، پرهیز، پرهیزکار و پرهیزگار، پرهیزیدن، ناموس» (تونجی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۷ و ۱۵۳ و ۵۶۲). ریشه «ع ف ف» ۴ بار و با ۳ اشتقاق در قرآن کریم به کار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۷۴، ص ۵۹۲). بستر مشترک

در معنای اصلی عفاف و حجاب، «منع» و «بازدارندگی» است، با این تفاوت که حجاب در منع مادی و معنوی به کار می‌رود، ولی منظور عفاف، منع معنوی است.

۵.۱. جلاب

از جمله واژگان مهم قرآنی که درباره پوشش زنان به کار رفته، واژه «جلباب» است. در قرآن کریم آمده است: «...يُذْنِبْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيهِنَّ...» (احزاب: ۵۹)؛ روپوش‌های خویش را بر خویشتن بَرکشند «جلباب» مصدر رباعی از ریشه‌ی «جَلَبَ» است که در معنای آن گفته‌اند: «هُوَ السَّوْقُ مِنْ جَانِبٍ إِلَى جَانِبٍ آخَرَ وَ الْإِتْيَانُ بِشَيْءٍ مِنْ مَحَلِّ إِلَى مَحَلِّ آخَرَ»؛ جهت‌گیری از کناره‌ای به کناره دیگر و آوردن چیزی از مکانی به مکان دیگر.

یکی از معانی این واژه، پوشش زن است که در آیه ۵۹ سوره احزاب نیز به آن اشاره شده است. جَلَابِيْب در این آیه جمع جلاب است و کتب لغت این معانی را برای آن بیان کرده‌اند: «الْحَمَارُ، الْقَمِيصُ، ثَوْبٌ أَوْسَعُ مِنَ الْحَمَارِ، دُونَ الرِّدَاءِ تَغَطَّى بِهِ الْمَرْأَةُ رَأْسَهَا وَ صَدْرَهَا؛ وَقِيلَ: هُوَ ثَوْبٌ وَاسِعٌ، دُونَ الْمَلْحَفَةِ، تَلْبَسُهُ الْمَرْأَةُ؛ وَقِيلَ: هُوَ الْمَلْحَفَةُ، الْإِزَارُ؛ مَقْنَعَةٌ، بِيْرَاهِنَ، رَخْتِي فِرَاحٍ تِرَازٍ مَقْنَعَةٌ وَ چِيزِي غَيْرَازٍ بِالْأُپُوشِ كَهْ زَنِّ بَهْ وَسِيْلَهْ أَنْ، سِرْو سِيْنَهْ اَشْ رَا مِي پُوشَانْد وَ هَمْچِنِيْنْ كُفْتَهْ اَنْدْ جَلَابِ، رَخْتِي فِرَاحِ غَيْرَازِ مَلْحَفَهْ اَسْتْ كَهْ زَنِّ مِي پُوشْد وَ نِيْزِ بِيَانْ شُدَهْ اَسْتْ كَهْ جَلَابِ، هِمَانْ مَلْحَفَهْ يَا پَايِيْنْ پُوشْ اَسْتْ» (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۷۲-۲۷۴).

علامه مجلسی، جلاب را این‌گونه معنی و تفسیر کرده است: «جلباب - با کسر حرف جیم - عبارت است از پیراهن یا رختی فراخ ویژه زن، غیر از ملحفه، یا همان ملحفه با مقنعه، یا رختی همانند مقنعه که بوسیله آن، سرو پشت و سینه‌اش را می‌پوشاند و مراد از «تجللب» یعنی آن را پوشش خود قرار می‌دهد». علامه مصطفوی بر آن است که تکرار «لام الفعل»، دلالت بر دوام و استمرار در جَلَب دارد تا آن‌جا که آن‌چه را به سویش سوق پیدا می‌کند، به طور کامل در بر بگیرد. پس اگر به انواع پوشش زنان، جلاب گفته می‌شود از این جهت است که همه بدنش را می‌پوشاند و عفافش را پاس می‌دارد و از پدیدار شدن بدن و

شناخته شدن زن و در نهایت مورد آزار قرار گرفتن وی، جلوگیری می‌کند (ر. ک. مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۹۳-۹۶).

از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلْيَتَّخِذْ لِلْفَقْرِ جِلْبَابًا»؛ هر آن که ما اهل بیت علیهم السلام را دوست می‌دارد، باید برای هنگامه ناداری خویش، پوشش و لگامی برگیرد (مفید، بی‌تا، ص ۳۱۱-۳۱۲). برخی برآنند که مراد آن حضرت از جلباب در این حدیث شریف، کنایه از «صبر» است و این گونه تفسیر کرده‌اند که همان‌گونه که جلباب، سرتاسر بدن را می‌پوشاند، صبر نیز فقر و ناداری را می‌پوشاند (صدوق، ۱۳۶۱، ص ۱۸۲).

۲. تاریخچه عفاف و حجاب در قرآن کریم و متون مقدس

تاریخچه مسأله عفاف و حجاب به آغاز آفرینش - ماجراهای پُرفراز و نشیب آدم و حوا - باز می‌گردد. در قرآن کریم آمده است که شیطان پس از رانده شدن از درگاه خداوند، آدم و حوا را به خوردن از میوه درختی که از سوی خداوند پرهیز داده شده بودند، وسوسه کرد تا با خوردن از آن، زشتی‌های پنهانشان، پدیدار شود. پس شیطان به دروغ بر آنان سوگند یاد کرد که من از خیرخواهانم و سرانجام، فرییشان داد. پس آن‌گاه که از آن درخت ممنوعه خوردند، زشتی‌هایشان آشکار شد و بر آن شدند تا از برگ درختان بهشت، خود را بپوشانند (اعراف: ۱۸-۲۲). خداوند در این باره می‌فرماید: «... فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلِيمَاهُمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ...»؛ آن‌گاه که از آن درخت چشیدند، عورت‌هایشان پدیدار شد و در پی گردآوری برگ‌های بهشت برای پوشانیدن خود برآمدند (اعراف: ۲۲). بنابراین در قرآن اشاره شده است که مسأله پوشش به فطرت پاک آدمی باز می‌گردد.

در تورات نیز این‌گونه به ماجرای آدم و حوا اشاره شده است: «آن‌گاه چشمان هر دوی ایشان باز شد و فهمیدند که عریانند. پس از برگ‌های انجیر به هم دوخته، سترها برای خویشتن ساختند». (کتاب مقدس، ۲۰۰۲، سفر پیدایش، باب ۲، بند ۷). پوشش و پاکدامنی در آیین یهود، پیشینه دارد. در کتاب مقدس یهودیان آمده است: «رفقه» چشمان خود را بلند کرده، اسحاق را دید و از شتر خود فرود آمد؛ زیرا که از خادم پرسید: «این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما

می آید؟» خادم گفت: «آقای من است.» پس بُرَقِع خود را گرفته، خود را پوشانید (کتاب مقدس، ۲۰۰۲، سفرپیدایش، باب ۲۴، بند ۶۴-۶۵). در این آیین به شدت از تشبّه مردان به زنان پرهیز داده و بیان شده است: «و مرد لباس زن را نپوشد، زیرا هرکه این را کند مکروه یهوه خدای توست» (کتاب مقدس، ۲۰۰۲، سفر تثنیه، باب ۲۲، بند ۵).

در آیین مسیحیت نیز همچون سایر ادیان الهی، پوشش و پاکدامنی از جایگاه والایی برخوردار است. در این آیین آمده است: «و همچنین زنان خویشان را بیارایند به لباس مزین به حیا و پرهیز؛ نه به زلف‌ها و طلا و مروارید و رخت گران‌بها؛ بلکه چنان‌که زنانی را می‌شاید که دعوی دینداری می‌کنند به اعمال صالحه. زن با سکوت، به کمال اطاعت تعلیم گیرد» (کتاب مقدس، ۲۰۰۲، رساله اول پولس به تیموتاؤس، باب ۲، بند ۹-۱۱).

این نمونه‌ها، نشان از چند نکته اساسی دارد: ۱. نخستین انسان‌ها از آغاز آفرینششان، جویای پوشش و بیزار از عریانی بوده‌اند. ۲. پوشش و پاکدامنی، پیشینه در ادیان الهی دارد. ۳. ادیان الهی، دارای بستر و آبشخور مشترک هستند. ۴. شایسته و بایسته است این مشترکات ادیان الهی را دریافت، برجسته کرد و با هدف همگرایی براساس آن‌ها به گفتگو پرداخت.

۳. رابطه عفاف با حجاب

با توجه به آن‌چه در مفهوم‌شناسی واژگان عفاف و حجاب گذشت، حجاب امری ظاهری (بیرونی) و معنوی (درونی) است؛ ولی عفاف امری صرفاً معنوی و درونی است. با این اوصاف درمی‌یابیم که هر دوی ای‌ها لازم و ملزوم هستند. به دیگر سخن، هرآن‌که عقیف‌تر و از درون پاک‌تر باشد، خود را بیشتر مقتید به حجاب و پوشش می‌داند. در واقع، هرکه از پوشش و حجاب خویش پاسداری کند به عفاف و پاکدامنی خویش کمک کرده است. حجاب، همچون صدفی است که از مروارید عفاف و پاکدامنی زن، پاسداری می‌کند. این راهم باید در نظر داشت که ممکن است برخی از با حجاب‌ها عقیف نباشند؛ ولی هر عقیفی حتماً با حجاب است. پس رابطه عفاف و حجاب به لحاظ منطقی، «عام و خاص مطلق» است.

۴. عفاف و حجاب در قرآن کریم

در قرآن کریم که کامل‌ترین و جاودانه‌ترین آیین نامه الهی است، احکام عفاف و حجاب و حکمت آن‌ها بیان شده است. جلوه‌های عفاف و حجاب در قرآن کریم را می‌توان در چهار سطح، پوشش، نگاه، گفتار و رفتار بررسی کرد. شرح و تفسیر هر یک از این موارد نیازمند پژوهش‌های مستقل و گسترده است که در این نوشتار برای رعایت اختصار، به شرح اجمالی آن‌ها بسنده شده است.

۱.۴. پوشش

خداوند متعال، از آنجا که خود باحیا، باغیرت، پوشیده و پوشاننده است، انسان‌ها را نیز این‌گونه آفریده است. پس بر هر زن و مردی که دارای فطرت الهی و پاکی طلب است، شایسته و بایسته است که همین‌گونه باشد. شارع مقدّس، هم به صورت عمومی و هم با خطاب ویژه به مردان و زنان، از ایشان خواسته است که حجاب و عفاف را در ابعاد مختلف آن از جمله در پوشش رعایت کنند.

قرآن در خطاب عمومی به زنان و مردان مسلمان چنین می‌فرماید: «...وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ...» (احزاب: ۳۵)؛ و مردان و زنانی که فرج‌های خود را نگاهدارند. همچنین در خطاب ویژه به مردان بیان شده است: «...وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ...» (نور: ۳۰)؛ و فرج‌های خود را نگاهدارند و به زنان نیز امر شده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّزَوَّاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ...» (احزاب: ۵۹)؛ ای پیامبر! به زنان و دختران خویش و زنان مؤمنان بگو که روپوش‌های خویش را بر خویشان برکشند. این نزدیک‌تر است به آن‌که شناخته شوند، پس آزار نشوند. در آیه‌ای دیگر خطاب به زنان مؤمن چنین آمده است: «...وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِمُخْمِرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا...» (نور: ۳۱)؛ و فرج‌های خود را نگاهدارند؛ و زیور خود را آشکار نسازند مگر آن‌چه را که نمایان است از آن؛ و باید مقنعه‌های خود را بر گریبان‌های خود بیفکنند؛ و زیور خویش را پدیدار نکنند. رعایت پوشش حکمی یکسان برای زنان و مردان است که در شکل و اندازه آن

با هم تفاوت دارند. زنان با توجه به نوع خلقت و زیبایی های ظاهریشان باید همواره خود را از نگاه نامحرمان بپوشانند و از جلب توجه و اظهار زینت های خود بپرهیزند.

۲.۴. نگاه

زنان و مردان، دارای حریم هایی هستند که به نسبت این حریم ها از یک سو حقوقی برای هریک از آنان ایجاد می شود و از سوی دیگر، تکالیف و محدودیت هایی برای دیگران پدید می آید. حریم زن، به دلیل ویژگی های خاصی که دارد از حساسیت های ویژه ای برخوردار است و به دلیل این که منشأ حق این حریم از خداوند است، همه انسان ها ملزم به رعایت حریم خود و دیگرانند و هیچ کس حق انتخاب رعایت یا عدم رعایت این حق را ندارد. از جمله مواردی که در این حریم ها باید رعایت شود، «حفظ نگاه» است که خداوند با صراحت از مردان و زنان می خواهد مراقب دیدگان خود باشند. در قرآن کریم خطاب به مردان آمده است: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ...» (نور: ۳۰)؛ و به مردان با ایمان بگو که دیدگان خود را فرو بخوابانند. زنان نیز در این حکم با مردان یکسان هستند: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ...» (نور: ۳۱)؛ و به زنان با ایمان بگو که دیدگان خود را فرو بخوابانند.

۳.۴. گفتار

خداوند متعال در کتاب نورانی خویش با الفاظی همچون «قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب: ۳۲)، «قَوْلًا لَيِّنًا» (طه: ۴۴) و «قَوْلًا سَدِيدًا» (نساء: ۲؛ احزاب: ۷۰) از همگان خواسته است که در همه ابعاد زندگی، گفتاری نیکو، شایسته، نرم و استوار با یکدیگر داشته باشند، اما در برخورد با نامحرم برای جلوگیری از ابتلا به گناه، قواعد و احکامی مقرر فرموده است که هر دو طرف باید رعایت کنند. خداوند از مردان خواسته که در گفتارشان با نامحرم، رعایت حریم شرعی را داشته باشند و از زنان هم خواسته که در گفتار با نامحرمان، به نرمی سخن نگویند تا موجب دل بستگی بیمار دلان نشوند که به دو نمونه از این آیات اشاره می شود. در قرآن کریم خطاب به مردان آمده است:

﴿وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِيمَ اللَّهِ أَنْتُمْ سَتَدْكُرُونَهُنَّ وَلَكِنَّ لَكُمْ عَٰدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا...﴾ (بقره: ۲۳۵)؛
 و باکی بر شما نیست در آن چه به آن اشاره کرده‌اید از خواستگاری زنان یا در
 دل خویش نماند داشته‌اید. خداوند دانست که با آنان سخن خواهید گفت؛
 ولی ایشان را پنهانی وعده ندهید مگر آن که گفتاری نیکو بگویید.

همچنین خداوند به زنان توصیه کرده است: ﴿إِنْ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي
 قَلْبِهِ مَرْصُ وُقْلُنَّ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾ (احزاب: ۳۲)؛ اگر خدا را پروا می‌دارید، پس نرمی در گفتار نشان
 ندهید تا آن که در دلش بیماری هست امید بندد و گفتاری نکو بگوید.

۴.۴. رفتار

رفتار انسان‌ها همچون گفتارشان باید شایسته و پسندیده باشد و ضمن پرهیز از خودآرایی
 ضرورت دارد با عفاف، حجاب و حیا رفتار کنند. در این باره دو نوع خطاب عمومی و ویژه به
 مردان و زنان در قرآن کریم آمده است. خداوند در خطاب عمومی به مومنان می‌فرماید: ﴿يَا
 أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا...﴾ (نور: ۲۷-۲۹)؛
 ای آنان که ایمان آورده‌اید! درون خانه‌هایی جز خانه‌های خود وارد نشوید تا آشنا شوید و بر
 ساکنانش سلام کنید. و در جای دیگری فرماید: ﴿... وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ...﴾
 (احزاب: ۳۵)؛ و مردان و زنانی که فرج‌های خود را نگاهدارند.

در خطاب ویژه به مردان در قرآن کریم آمده است: ﴿... وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ
 وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ...﴾ (احزاب: ۵۳)؛ و هرگاه از زنان کالایی خواستید،
 پس از پشت پرده و پوشش از آنان بخواهید که این برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاک‌تر
 است. ﴿... وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ...﴾ (نور: ۳۰)؛ و فرج‌های خود را نگاهدارند. در این دو آیه خداوند
 موانعی برای مردان تعیین کرده است که به واسطه عمل به آن‌ها گرفتار گناه نشوند. همچنین
 به زنان نیز امر شده است: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ﴾ (احزاب: ۳۳)؛ و
 در خانه‌های خویش بیارمید و مانند جاهلیت نخستین، خودنمایی و پیکر آشکاری نکنید.

﴿فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ...﴾ (قصص: ۲۵)؛ پس یکی از آن دو دختر، با نهایت حیا، نزد او [موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ] باز آمد. ﴿وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ﴾ (نور: ۳۱)؛ و فرج های خود را نگاهدارند. بدیهی است که حفظ «فرج»، در بردارنده ی حجاب و پاکدامنی است. به همین جهت این دست از آیات، شامل پوشش و رفتار نیز می شود. ﴿...وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ...﴾ (نور: ۳۱)؛ و آن گونه پای به زمین نکوبند که زیور پنهان [که در پاهایشان است] دانسته شود. در این آیات نیز خطاب به زنان دستوراتی آمده است که با عمل به آن ها، خود و جامعه را از ابتلای به حرام و آسیب های روحی بعد از آن حفظ کنند.

نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر در زمینه بررسی عفاف و حجاب در قرآن کریم و متون مقدّس نشان می دهد که نخستین انسان ها از آغاز آفرینششان جویای پوشش و بیزار از عربانی بوده اند. پوشش و پاکدامنی، پیشینه در ادیان الهی دارد. در قرآن کریم، عفاف و حجاب، جایگاهی بالا و والا دارد و به چهار سطح از عفاف و حجاب پرداخته شده که عبارت است از: (۱) پوشش، (۲) نگاه، (۳) گفتار، (۴) رفتار. خداوند متعال در قرآن مجید، هم به صورت عمومی و هم با خطاب های ویژه به مردان و زنان، از ایشان خواسته است پاکدامنی را در همه سطوح و ابعاد مختلف آن رعایت کنند. در خصوص مسأله پوشش، خداوند با خطاب عمومی و همچنین با خطاب ویژه به زنان و مردان، از ایشان می خواهد شرمگاه های خویش را نگاه دارند. همچنین به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستور داده است که از زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بخواهد زیور خود را آشکار نکنند. در خصوص مسأله نگاه از مردان و زنان با ایمان می خواهد که دیدگان خود را فرو خوابانند و در زمینه مسأله گفتار، از مردان خواسته پنهانی به زنان وعده ندهند؛ مگر این که گفتاری نیکو بگویند و از زنان خواسته گفتاری نیکو بگویند و نرمی در سخن نشان ندهند تا بیمار دلان را به طمع نیندازند. در خصوص مسأله عفاف در رفتار نیز آیات بسیار وجود دارد. در خطاب های عمومی و در قالب یک سفارش تربیتی از همه مؤمنان می خواهد که پیش از آشنا شدن، درون خانه های دیگران نشوند و بر ساکنان آن خانه سلام کنند و پاکدامنی را رعایت کنند. از مردان

هم می خواهد بیده و بستان های خویش با زنان را از پشت پرده و پوشش انجام دهند که این برای دل های مرد و طرف پاک تراست. از همسران پیامبر نیز می خواهد که در خانه های خویش بیارامند و مانند جاهلیت نخستین، خودنمایی و پیکرآرایی نکنند و آن گونه پای به زمین نکوبند که زیور پنهان در پاهایشان شناخته شود. خداوند همچنین رفتار همراه با حیای دختر شعیب را در گفتگو با حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام به عنوان الگویی در رفتار با نامحرم معرفی کرده است.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
۱. ابن اثیر، معمر بن مثنی. *النهایه فی غریب الحدیث*، تحقیق طاهر زاوی، محمود طناحی، چاپ چهارم، قم: موسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴.
۲. ابن فارس، احمد. *مقاییس اللغه*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.
۳. ابن منظور، محمد. *لسان العرب*، بی جا: ادب حوزه، ۱۴۰۵ق.
۴. پرتو، ابوالقاسم. *واژه یاب (فرهنگ برابرهایی پارسی واژگان بیگانه)*، چاپ دوم، تهران: اساطیر، ۱۳۷۷.
۵. تونجی، محمد. *فرهنگ فارسی-عربی*، چاپ دوم، تهران: هیرمند، ۱۳۷۷.
۶. جوادی آملی، عبدالله. *تسنیم (تفسیر قرآن کریم)*، تنظیم و ویرایش علی اسلامی، چاپ دوم، قم: مرکز نشر اسرا، ۱۳۷۹.
۷. رامیار، محمود. *تاریخ قرآن*، چاپ یازدهم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۳.
۸. رفیعی، محسن. *مرجعیت علمی اهل بیت (علیهم السلام) نزد غیر شیعه*، رساله دکتری، قم، دانشکده اصول دین، ۱۳۹۰.
۹. رفیعی، محسن؛ شریفی، معصومه، «مرجعیت علمی اهل بیت رسول خدا (علیهم السلام) با تأکید بر حجیت سنت ایشان از دیدگاه منابع اهل سنت»، اندیشه نوین دینی، شماره ۳۰، ساله هشتم، ۱۳۹۱، صص ۱۷۶-۱۵۵.
۱۰. صدوق، محمد. *معانی الاخبار*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.
۱۱. عبدالباقی، محمد فواد. *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۲. فراهیدی، خلیل بن احمد. *العین*، تحقیق دکتر مهدی مخزومی، ابراهیم سامرایی، چاپ دوم، قم: موسسه دارالهیجره، ۱۴۰۹ق.
۱۳. *کتاب مقدس (شامل کتب عهد عتیق و عهد جدید)*، چاپ سوم، تهران: انتشارات ایلام، ۲۰۰۲م.
۱۴. محمد سلامه، عبدالفتاح. *اضواء علی القرآن الکریم (بلاغته و اعجازه)*، عربستان سعودی: جامعه الاسلامیه، بی تا.
۱۵. مصطفوی، حسن. *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، جلد ۱۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹.
۱۶. مطهری، مرتضی. *مسأله حجاب*، مجموعه آثار، چاپ دوم، تهران: صدرا، ۱۳۷۹.
۱۷. مفید، محمد. *الاختصاص*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، بی تا.

جایگاه حجاب در ساختار آیه ۳۱ سوره نور و پیوند آن با کل سوره^۱

حیب کارگر^۲

زهرآ بهمنی^۳

چکیده

پوشش و حجاب اسلامی یکی از موضوعات مهم قرآنی است که در آیات وحی از آن سخن به میان آمده است. از جمله آیاتی که جایگاه حجاب به روشنی در ساختار آن آمده، آیه ۳۱ سوره نور است. پژوهش حاضر می‌کوشد با هدف مشخص کردن ساختار این آیه و پیوند آن با کل سوره، جایگاه حجاب و عفاف در قرآن کریم را تبیین نماید. پرسش اصلی تحقیق این است که آیا آیه ۳۱ سوره نور می‌تواند دارای یک ساختار منسجم باشد و پیوند این ساختار با کل سوره چگونه است. مطالب این تحقیق با روش توصیفی و تحلیلی و براساس پرسش‌ها و اهداف تحقیق، طبقه‌بندی و تحلیل شده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تمامی آیات وحی به منزله نور و چراغی تابان است که انسان را به سرمنزل مقصود هدایت می‌کند و ساختار کل سوره نور اینگونه است. در این سوره گاه یک بخش از ساختار در یک آیه جای می‌گیرد و گاه به قراین لفظی و معنایی، یک بخش از ساختار حذف می‌شود. آیه ۳۱ سوره نور دارای ساختاری چهارگانه است که همین ساختار در کل سوره قابل مشاهده است. بررسی مفاهیم قرآنی در یک ساختار منسجم باعث می‌شود که بیش‌تر با ابعاد اعجاز قرآن آشنا شویم و از دریای بی‌کران مفاهیم سرنوشت‌ساز آن بهره‌بریم.

واژه‌های کلیدی: حجاب، پوشش، آیه ۳۱ سوره نور، ساختار سوره نور.

۱. تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۳ تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۳۰

۲. دکترای زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه فرهنگیان استان قم، پردیس آیت‌الله طالقانی (ره) h.kargar08@gmail.com

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات بوشهر،

Zahra.bahmani.24@gmail.com

مقدمه

قرآن کریم معجزه جاوید پیامبر آخرالزمان، حضرت محمد ﷺ و دریای بی پایانی است که غواصان معرفت هیچ‌گاه به پایان آن نخواهند رسید. خداوند، قرآن را با اوصافی چون کریم، مجید و مبین یاد کرده و آیات آن را برای هدایت انسان‌ها نازل کرده است. شاعر، ظاهریبا و آراسته قرآن همراه با معانی عمیق آن را حاصل این نتیجه می‌داند که پدیدآورنده آن کسی جز ذات اقدس الهی نیست:

جمع صورت با چنین معنی ژرف نیست ممکن جز سلطانی شگرف (مولوی، ۱۳۹۷، ص ۵۶۷)
خداوند برای هدایت انسان به سرمنزل مقصود، از بیان هیچ نکته‌ای در قرآن دریغ نکرده است و می‌فرماید: «مَا فَرَقْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (انعام: ۳۸)؛ ما هیچ چیز در این کتاب، فروگذار نکردیم. از سویی دیگر تمامی اندیشمندان، بزرگان و عارفان جهان اسلام بدین نکته معترفند که علم و معرفت خود را از قرآن گرفته‌اند و تمام علوم جهان در قرآن آمده است. به قول حافظ که می‌فرماید: «هرچه کردم همه از دولت قرآن کردم» (حافظ، ۱۳۷۲، ص ۲۸۰). «قرآن اساسنامه اسلام و پایه‌گذار ملیت اصیل اسلامی است. این اساسنامه باید شناخته شود، تاریخ آن روشن شود و تحولات آن به دقت مورد شناسایی قرار گیرد» (معرفت، ۱۳۸۴، ص ۲).

از جمله مباحث و موضوعاتی که در قرآن از آن سخن به میان آمده، مسأله حجاب است. این موضوع، علاوه بر کارکردهای شرعی خود، نماد و نشانه زنان مسلمان از دیگر زنان است. خداوند در بیان داستان آفرینش، آن زمان که شیطان حضرت آدم و حوا عليهما السلام را فریفت و آن دوازده میوه ممنوعه خوردند و برهنگی هایشان بر آنان آشکار شد، می‌فرماید: «وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلِيمَاهُمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ» (اعراف: ۲۲)؛ و شروع کردند به قرار دادن برگ‌های (درختان) بهشتی بر خود تا آن را بپوشانند. همین عمل حضرت آدم و حوا عليهما السلام نشان دهنده فطری بودن نیاز به پوشش در انسان است. آداب لباس و پوشش جایگاه مهمی در شریعت اسلام دارد، چنان‌که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمود: «برای حضور در میان برادران دینی، لباستان را آراسته و لوازم خود را به اصلاح آرید، به گونه‌ای که در میان مردم مانند خالی نمودار و برجسته باشید؛ زیرا خدا زشتی و زشت‌نمایی را دوست ندارد» (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۱-۱۶۰).

از جمله مهم‌ترین دلایل وجود حجاب در دین اسلام، آرامش روانی، استحکام پیوند خانوادگی، استواری اجتماع و ارزش و احترام زن است (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۸۴-۹۵). رعایت حجاب و پوشش اسلامی، راهی به سوی کمال است؛ چراکه با بسیاری از مسائل اخلاقی پیوند خورده و همچنین بسیاری از عبادات بدون رعایت حجاب، ناقص و غیرقابل قبول است. بنابراین حجاب همسویا مسائل اخلاقی و انجام عبادات، انسان را در مسیر رشد و کمال، رهنمون می‌کند. یکی از مهم‌ترین آیه‌هایی که در مورد حجاب نازل شده، آیه ۳۱ سوره نور است. هدف این تحقیق بیان همسویی حجاب با دیگر احکام سوره نور در یک ساختار منسجم است؛ چراکه نگارش ساختاری به سوره‌های قرآن، افق جدیدی در درک و فهم معانی بلند این کتاب آسمانی می‌گشاید و روش‌های تازه‌ای در عرصه قرآن پژوهی و آموزش‌های قرآنی، ارائه می‌کند (خامه‌گر، ۱۳۹۶، ص ۱۷).

بعضی از نویسندگان و به‌ویژه مستشرقان، معتقدند که قرآن دارای یک ساختار منسجم نیست و مطالب مختلف آن به صورت پراکنده در کل قرآن آمده است. به عنوان نمونه آن چه در مورد توحید یا معاد بیان شده، یکجا و در یک فصل خاص نیست، بلکه این موارد به صورت پراکنده در کل قرآن ذکر شده است. عزالدین بن عبدالسلام گفته است که قرآن در طول بیش از بیست سال و در شرایط بسیار متفاوتی نازل شده است و از این رو ممکن نیست آیات آن پیوند و ارتباط داشته باشند (میر، ۱۳۷۷، ص ۱۴). در مقابل این نظریه، گروهی معتقدند که قرآن دارای یک ساختار منسجم و یکپارچه است و نام هر سوره با اهدافی خاص در راستای بیان همین ساختار است و آیات قرآن باید با توجه به همین ساختار، معنا و تفسیر شود. از جمله تفاسیری که به این شیوه عمل کرده‌اند می‌توان تفسیر بیان القرآن از اشرف علی ثنوی، المنار از سید رشید رضا، فی ظلال القرآن از سید قطب، المیزان فی تفسیر القرآن از سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر البنائی للقرآن الکریم از محمود بستانی و تدبر در قرآن از محمد حسین الهی‌زاده را نام برد (ر.ک. خامه‌گر، ۱۳۹۶، ص ۴۵-۶۵).

ساختار مورد نظر در این نوشتار، یک ساختار معنایی و مفهومی است. پی بردن به ساختار معنایی هر سوره، دارای سه مرحله است: «در مرحله اول باید با توجه به میزان پیوستگی لفظی

و معنایی آیات هم جوار، همه آیات سوره سیاق بندی شوند. در مرحله دوم باید سیاق سوره که به گفتار تبدیل شده‌اند، عنوان گذاری شوند و در مرحله سوم باید با توجه به کیفیت ارتباط میان گفتارهای سوره، فصل‌ها و بخش‌های سوره مشخص شوند» (خامه‌گر، ۱۳۹۷، ص ۱۲۳-۱۲۲). در واقع زمانی که تمام الفاظ و آواها همسو و متناسب با معانی جملات، همگی در جهت رسیدن به یک هدف خاص در حرکت باشند، یک ساختار منسجم را به وجود می‌آورند. در سوره‌شناسی و درک ساختاری از آن تلاش بر این است تا استنباط شود که مجموعه آیات یک سوره با کدام هدف در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و پیرامون کدام محور موضوعی در گردش هستند (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۸، ص ۱۵۶). مطالب این نوشتار به صورت تطبیقی بررسی شده‌اند و برای اولین بار در این تحقیق ساختار معنایی از یک آیه ارائه شده که با کل سوره در پیوند است. تاکنون کتاب‌ها و مقالات زیادی در زمینه ساختار قرآن کریم به چاپ رسیده است که از جمله آن‌ها می‌توان کتاب‌های تفسیر ساختاری قرآن کریم از محمد خامه‌گر (۱۳۹۷)، سوره‌شناسی (روش تحقیق ساختاری در قرآن کریم) از لسانی فشارکی و مرادی زنجانی (۱۳۹۸) و مقالاتی مانند «بررسی ساختار سوره مائده با رویکرد ساختار درختی»، نوشته آرام و لایقی (۱۳۹۵) و «ساختار شکل‌گیری معنا در سوره کافرون به مثابه اثری ادبی از دیدگاه نظریه ساختارگرایی» از خورشیا و همکاران (۱۳۹۵) نام برد. اما دو تحقیقی که به موضوع این پژوهش نزدیک‌تر است، پایان‌نامه‌ای با موضوع «مبانی و قواعد ساختاری قرآن کریم با تطبیق بر سوره مبارکه نور» نوشته منا محمدی (۱۳۹۷) است که در آن غرض‌نهایی سوره نور، ترویج عفت و پاک‌دامنی با رعایت احکام الهی بیان شده است و دیگری مقاله‌ای با عنوان «بررسی ساختار سوره نور با محوریت عفت» از احتشامی‌نیا و فلاح ولیکچال (۱۳۹۷) است که در بیان هدف سوره نور با پایان‌نامه مذکور یکسان است. در پژوهش پیش رو برای اولین بار ساختار آیه به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته و سپس نشان داده شده است که ساختار آیه با ساختار سوره هماهنگ است.

۱. تعریف ساختارگرایی

در نقد جدید، ساختارگرایی بعد از فرمالیسم به وجود آمد. «فرمالیست‌ها معتقد بودند که

شکل، بازتاب محتواست و نقطه تحلیل آنان شکل شعر بود و چون بین اجزا، شکل و محتوا قائل به پیوندی اندام وار بودند، در نهایت محتوای شعر را از دل شکل آن بیرون می کشیدند» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۰۴). تعریف ساختارگرایی به اختصار به این شرح است: «ساختارگرایی آن نوع رویکردی است که هر پدیده ای را به منزله نظامی دلالتگر بررسی می کند. نظام مندی یعنی تشکیل شدن یک پدیده از اجزایی که در رابطه ای تنگاتنگ با یکدیگر باعث کارکرد هماهنگ آن نظام می شوند» (پاینده، ۱۳۹۷، ص ۱۵۶).

هرچند مباحث ساختارگرایی در غرب مطرح شده، اما نباید پنداشت که این مباحث در جهان اسلام بدون پیشینه بوده است. اولین کسی که در جهان اسلام به مباحث ساختارگرایی توجه نشان داده و نظریه های ارزشمندی در این زمینه مطرح کرده، عبدالقاهر جرجانی است. او با نوشتن دو کتاب *اسرار البلاغه* و *دلایل الاعجاز*، مباحث بسیار مهمی در علم بلاغت مطرح می کند. جرجانی معتقد است برای این که الفاظ معنی دهند، باید به الگوی خاصی از ساخت برسند و چون الفاظ حاملان معنا هستند، بدین ترتیب ساختشان ناگزیر با ساخت معناها مطابقت دارد و آرایش الفاظ در سخن ناگزیر تابع آرایش معانی در ذهن است (ابودیب، ۱۳۸۴، ص ۱۴۴). باید در نظر داشت که بعضی از مفسران قرآن کریم نیز مباحث ساختارگرایی را از نظر دور نداشته و در تفسیرهای خود سوره ها را واحدهای پیوسته دانسته و از ترتیب متداول آیات در سوره ها دفاع کرده اند (میر، ۱۳۸۷، ص ۱۵).

۲. ساختار آیه ۳۱ سوره نور

یکی از مهم ترین آیه های که در مورد حجاب نازل شده، آیه ۳۱ سوره نور است که خداوند

می فرماید:

﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَنْبَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ

الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ
 مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛

به زنان باایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار ننمایند و (اطراف) روسری‌های خود را برسینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‌کیششان، یا بردگانشان [کنیزانشان]، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود (و صدای خلخال که برپا دارند به گوش رسد). و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید.

این آیه دارای ساختاری چهارگانه به شرح ذیل است:

الف - بیان امر واجب با «قل»: قل در این آیه، همانند آیه ۳۰ سوره نور به معنای امر است و معنای جمله این است که به مؤمنین امر کن که چشم خود را بپوشند (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۱۵، ص ۱۵۵). پس اولین بخش از ساختار آیه واجب بودن احکامی است که خداوند در این آیه بیان فرموده است.

ب - بیان احکام فردی: وظایف فردی در این آیه عبارت‌اند از: دیده فروستن از نامحرم که مؤمنین باید چشم‌پوشی را از خود چشم شروع کنند و این نکته از عبارت «من ابصارهم» دریافت می‌شود (همان، ص ۱۵۵)، پاک‌دامنی و وزیدن، عدم نمایان کردن زیورهای خود مگر آن چه آشکار است، افکندن روسری برگردن خویش، عدم نمایان کردن زیورهای خود جز برای محرمان سببی و نسبی و افراد خاص، راه رفتن به گونه‌ای که زینت‌های نهفته آشکار شود. چنان‌که مشاهده می‌شود در این بخش از آیه، وظیفه هر فرد مشخص می‌شود. همچنین باید توجه داشت که تمامی احکام ذکر شده در این آیه، زیرمجموعه بحث عفاف و حجاب است.

پ- بیان احکام اجتماعی: برخی احکام صادر شده در اجتماع و با دیگر افراد معلوم می‌شود. به عبارت دیگر مشخص می‌شود که این دستور واجب با دیگر افراد چه حکمی دارد و احکام اجتماعی آن چگونه است. در ابتدای آیه ۳۱ سوره نور، خداوند امر فرموده که زنان مؤمن دیدگان خود را از حرام فروبندند و پوشش مورد نظر را رعایت کنند. این یک رابطه دوسویه و هماهنگ است که هر فرد در اجتماع باید وظیفه خود را درک کند و بداند با دیگری چگونه برخورد کند. در همین آیه خداوند بیان می‌فرماید که زنان مؤمن زیورهای خود را برای چه کسانی آشکار کنند و آن‌ها را نام می‌برد. این همان بُعد اجتماعی احکام است که وظیفه هر فرد و نحوه برخورد او با دیگران و در اجتماع را مشخص می‌کند.

ت- بیان هدف غایی و نتیجه عمل به احکام: بخش چهارم آیه، عبارت «وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (نور: ۳۱) است که هدف آیه و نتیجه عمل به احکام خداوند را بیان می‌کند. در این عبارت تصریح شده است که هدف از انجام تمامی اعمال و واجبات، بازگشت به سوی خداوند است.

ساختاری که برای آیه ۳۱ سوره نور بیان شد با ساختار کل سوره در پیوند است که در ادامه نوشتار حاضر، به بررسی آن می‌پردازیم. یکی از کلماتی که در این پژوهش اهمیت بسیاری دارد، واژه سوره است که بیانگر ساختار و انسجام محکم آیات به کار گرفته شده در آن است؛ چراکه کلمه سوره به معنای پاره‌ای از کلمات و جمله‌بندی‌هایی است که همه برای ایفای یک غرض ریخته شده باشد (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۱۵، ص ۱۱۱).

۱.۲. وجوب احکام

در ابتدای سوره نور، خداوند حکم آیات این سوره را که واجب بودن عمل به آن‌هاست، مشخص کرده است: «سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا» (نور: ۱)؛ یعنی سوره‌ای که ما عمل به آن را بر تو واجب کردیم (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۱۵، ص ۱۱۲). خداوند در هیچ جای قرآن با این صراحت نفرموده است که ما قرآن را نازل کرده و آن را واجب کردیم. نتیجه می‌گیریم که احکام این سوره مبارکه، اجرایی و ضروری است (بهرام‌پور، ۱۳۸۹، ص ۳۵۰).

برطبق نظریه‌های عرفانی، انسان در این جهان خاکی در پایین‌ترین جایگاه قوس نزولی ایستاده است و باید دوباره به جایگاه اصلی خود بازگردد، به همین دلیل برای قرار گرفتن در قوس صعودی نیاز است که نور و روشنی در پیش راه او قرار گیرد و نتیجه این می‌شود که مؤمنین بعد از ردّ و بازگشت به اسفل سافلین، رفع و تعالی خواهند یافت (طباطبایی، ۱۳۸۹، ص ۵۷). در همین ابتدای سوره نور خداوند با عبارت «آیات بینات» به این نکته اشاره کرده است. این آیات با هدف اصلی این سوره که همان قرار گرفتن انسان در مسیر نور و روشنی است، در پیوند است.

با توجه به این که واجب بودن عمل به احکامی که در سوره نور آمده در همان ابتدا با عبارت «فرضناها» مشخص شده، در بسیاری از آیات دیگر این سوره، فعل «فرضنا» و یا مترادفات آن به قرینه حذف شده است. حذف‌های قرآنی نه تنها کوچک‌ترین خللی در بیان مفهوم و معنا ایجاد نمی‌کنند، بلکه با ایجاد قالبی مناسب، معنا را به بهترین شکل و با ظرافتی خاص به مخاطب منتقل می‌کنند که اگر محذوف در کلام ذکر شود، دیگر زیبایی معنای مورد نظر نیز از میان می‌رود (محمود و اصغر شهبازی، ۱۳۹۲، ص ۶۷). حذف، یکی از راه‌های ایجاد ایجاز است. در آیات این سوره با توجه به انسجامی که در آنان وجود دارد، از تکرار فعل خودداری شده است و از روش حذف استفاده شده است. در ابتدای آیات ۳۰، ۳۱ و ۵۴ این سوره، فعل «قل» در همین معنا آمده و بدین ترتیب انسجام واژگانی سوره حفظ شده است. این که در آیه دوم سوره نور، بعضی از مفسرین مراد از «دین الله» را همان حکم خدا گفته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۱۵، ص ۱۱۳) و «فضل خدا» را در آیه دهم، همان بیان احکام شرعی و آیات بینات او دانسته‌اند، به دلیل همین انسجام واژگانی است که در این سوره وجود دارد. تکرار افعال امر و نهی در آیات، جزو بخش نخستین ساختار مورد نظر است، مانند: لَا يَأْتَلُ، وَ لِيُعْفُوا وَ لِيُصْفَحُوا، لَا تَدْخُلُوا، يَعْضُوا، يَحْفَظُوا، يَعْضُضْنَ، يَحْفَظْنَ، لَا يُبْدِينَ، لِيَضْرِبْنَ، تُوبُوا، لَا يَضْرِبْنَ، لِيَسْتَغْفِرَ، لَا تُلْهِمِهِمْ، لِيَجْزِيَهُمْ، يُزْجِي، لَمْ يَجْعَلْ، يُزْجِي، يُؤَلِّفْ، سَمِعْنَا (در آیه ۵۲ به معنی پذیرفتن فرمان خداوند)، يُقَلِّبْ، لَا تُفْسِمُوا، أَطِيعُوا اللَّهَ، لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ، لِيُؤَمِّنَنَّ، أَقِيمُوا، أَتُوا، لِيَسْتَأْذِنَكُمْ، تَسْلِمُوا.

۲.۲. احکام فردی

در این بخش از ساختار سوره نور، احکام فردی بیان می‌شود، مانند: صد تازیانه زدن به زن و مرد زناکار (آیه ۲)، هشتاد تازیانه زدن به کسانی که به زنان پاک‌دامن نسبت زنا می‌دهند (نور: ۴)، کسی که رأس و سرمنشأ بهتان باشد، عذابش سخت‌تر خواهد بود (نور: ۱۱)، سرمایه‌داران و توانگران نباید از دادن مال در راه خدا خودداری کنند (آیه ۱۲)، به خانه‌های غیر خود، سرزده نباید وارد شد (نور: ۲۷)، کسانی که موفق به ازدواج نمی‌شوند باید خویشتن‌داری کنند (نور: ۳۶). این‌ها نمونه‌هایی از احکام فردی است که در سوره نور وجود دارد و جزو بخش دوم ساختار سوره است.

در بخش احکام فردی نیز انسجام واژگانی خاصی در سوره وجود دارد؛ هدف اصلی از «اذن» هنگام وارد شدن در خانه‌های غیر که در آیه ۲۷ بیان شده، پوشاندن عورات مردم و حفظ احترام ایمان است که در حقیقت فرد را در پوشاندن آن چه باید بپوشاند کمک کرده و نسبت به خود ایمنی داده است (همان، ص ۱۵۳). هدف اصلی از اجازه گرفتن که در آیه ۲۸ آمده برای این است که کسی به عورات و اسرار داخلی مردم نظر نیندازد (همان، ص ۱۵۴). در آیه ۵۸ نیز یکی از دلایل اجازه گرفتن به دلیل «وضع ثیاب» است که چه بسا میل نداشته باشند، بیگانگان در آن حال ایشان را ببینند (همان، ص ۲۲۶). همچنین به دلیل همین انسجام واژگانی است که «یحفظوا فروجهم» در آیه ۳۱ را باید پوشاندن آن از نظر نامحرمان معنی کنیم نه حفظ آن از زنا و لواط که بعضی از مفسران و صاحب نظران پنداشته‌اند. در روایتی از امام صادق ع نقل شده است که فرمود: «تمامی آیاتی که در قرآن درباره حفظ فروج هست به معنای حفظ از زنا است؛ به غیر از این آیه که منظور در آن حفظ از نظر است». همچنین عبارت «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» زنان را از آشکار کردن زینت‌های خود نهی کرده است، اما این که مراد از زینت زنان در این جا چیست؟ چندین دیدگاه وجود دارد: برخی مفسران معتقدند که مواضع زینت است، با این استدلال که اظهار خود زینت از قبیل گوشواره و دستبند حرام نیست، پس مراد از اظهار زینت، اظهار محل آن‌ها است (ر.ک. طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۱۵، ص ۱۱۱). بعضی دیگر از مفسران مراد را خود زینت می‌دانند، اما نه زینت آلات به تنهایی، بلکه زینتی که روی بدن قرار گرفته باشد

و طبیعی است که آشکار کردن چنین زینتی توأم با آشکار کردن اندامی است که زینت بر آن قرار دارد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۴۳۹).

۳.۲. احکام اجتماعی

این بخش مربوط به احکام الهی در اجتماع است که حکم هر فرد با افراد دیگر مشخص می‌شود؛ زنان پلید برای مردان پلید و زنان پاک برای مردان پاک هستند (نور: ۲۸)، هنگام وارد شدن به خانه هر فرد باید اجازه گرفت (آیه ۲۸)، مردان و هم زنان مؤمن باید چشم از نامحرم فروبندند (نور: ۳۰ و ۳۱)، بیان حد پوشش و نحوه ارتباط با محرم و نامحرم (نور: ۳۱)، بردگان و کسانی که به سن بلوغ نرسیده‌اند باید در سه وقت اجازه بگیرند (نور: ۵۸). حکم خوردن از خانه‌های دیگران (نور: ۶۱)، کسب اجازه از پیامبر ﷺ هنگام گردهمایی (نور: ۶۱) و چگونه صدا زدن پیامبر ﷺ در جمع (نور: ۶۳).

۴.۲. بیان هدف غایی و نتیجه عمل به احکام

هدف اصلی از نازل شدن احکام و لزوم انجام آن توسط فرد و اجتماع، قرار گرفتن در مسیر روشنی است که رو به سوی پروردگار دارد و باعث تقرب به او می‌شود. در این بخش از ساختار سوره، خداوند به نام‌ها و صفات خود اشاره می‌کند که به طور معمول در پایان هر آیه می‌آید. نباید گمان برد که نام سوره نور تنها به دلیل وجود آیه ۳۵ این سوره است که در آن خداوند، نور آسمان‌ها و زمین معرفی شده است؛ بلکه دلیل اصلی نام‌گذاری سوره این است که تمام احکام خداوند به منزله نشانه‌ها و راه روشنی است که انسان را به سمت خدا که نور آسمان‌ها و زمین است، هدایت می‌کند. این آیه بخش چهارم و نهایی ساختار چهارگانه سوره است که می‌توان آن را قلب این سوره نامید:

﴿أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُّجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ﴾ (نور: ۴۰)؛ یا همچون ظلماتی در یک دریای عمیق و پهناور که موج آن را

پوشاننده و بر فراز آن موج دیگری و بر فراز آن ابری تاریک است؛ ظلمت‌هایی است یکی بر فراز دیگری، آن‌گونه که هرگاه دست خود را خارج کند ممکن نیست آن را ببیند! و کسی که خدا نوری برای او قرار نداده، نوری برای او نیست. نکته مهمی که در این جا باید به آن اشاره شود این است که خداوند در همین سوره، برای آشکار شدن بیشتر مطلب، نقطه مقابل نور را که همان ظلمت و تاریکی باشد، یادآوری کرده است. پس نتیجه عمل به آیات روشن خداوند، خارج شدن از تاریکی و رسیدن به نور است، چنان‌که در سوره‌ای دیگر نیز به این مطلب اشاره شده است: ﴿هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَؤُفٌ رَّحِيمٌ﴾ (حدید: ۹)؛ او کسی است که آیات روشنی بر بنده اش (-محمد) نازل می‌کند تا شما را از تاریکی‌ها به سوی نور برد و خداوند نسبت به شما مهربان و رحیم است.

بعضی از پژوهشگران هدف نهایی سوره نور را رعایت عفاف و پاک‌دامنی دانسته‌اند، اما باید بیان کرد که هدف بالاتری در این سوره وجود دارد. در واقع رعایت عفاف و پاک‌دامنی برای رسیدن به خداست که نور آسمان‌ها و زمین است. بنابراین هدف غایی این سوره با نام سوره پیوندی ناگسستنی دارد. در ادامه به مواردی که با بخش چهارم ساختار سوره در پیوند است، اشاره می‌شود: اَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ (نور: ۱۰)، اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (نور: ۱۸)، اللَّهُ يُرِيكُم مِّنْ يِّشَاءُ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (نور: ۲۱)، اللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (نور: ۲۲)، اَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ (نور: ۲۵)، هُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (نور: ۲۶)، اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (نور: ۲۸)، اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَ مَا تَكْتُمُونَ (نور: ۲۹)، اِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (نور: ۳۰)، وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (نور: ۳۲)، فَاِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ اِكْرَاهِيْهِمْ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ (نور: ۳۳)، وَ اللَّهُ يُرِزُّكُمْ مِّنْ يِّشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (نور: ۳۸)، وَ اِلَى اللَّهِ الْمَصِيْرُ (نور: ۴۲)، اِنَّ اللَّهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ (نور: ۴۵)، اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يِّشَاءُ اِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ (نور: ۴۶)، اُوْلٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ (نور: ۵۱)، تَهْتَدُوا (نور: ۵۴).

نتیجه‌گیری

با بررسی جایگاه حجاب در ساختار سوره نور مشخص می‌شود که خواست خداوند از رعایت پوشش اسلامی تنها یک وظیفه فردی نبوده، بلکه اسلام مصلحت اجتماعی را نیز مد

نظر قرار داده و وظایف هر فرد در اجتماع را مشخص می‌کند. اما این نکته، هدف غایی و نهایی انجام تکالیف الهی نیست، بلکه رعایت واجبات فردی و عمل به آداب و مسائل اجتماعی برای رسیدن به هدف دیگری است که همان رو کردن به سوی خداوند بلندمرتبه است که با نام سوره به طور کامل هماهنگ است.

شناخت جایگاه حجاب در ساختار آیه ۳۱ سوره نور نه تنها ما را به اهمیت حجاب و پیوند آن با بسیاری از احکام در دین اسلام واقف می‌کند، بلکه درک تازه‌ای از هنرنمایی و شیوه بیان احکام شرعی در قرآن را ایجاد می‌کند. پوشش اسلامی هماهنگ با تمام احکامی است که در سوره نور وجود دارد و از این نظریک انسجام واژگانی خاص در سوره نور وجود دارد. بررسی ساختار معنایی آیه ۳۱ سوره نور ما را متوجه جلوه‌ای خاص از هنرهای قرآن، برای بیان احکام شرعی می‌سازد که این ساختار در شکلی وسیع‌تر در کل سوره نور وجود دارد.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰.
۱. ابودیوب، کمال. صورخیال در نظریه جرجانی، ترجمه فرزانه سجودی و فرهاد ساسانی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات هنری، ۱۳۸۴.
 ۲. بهرام پور، ابوالفضل. تفسیر یک جلدی متین، چاپ ششم، قم: انتشارات آوای قرآن، ۱۳۸۹.
 ۳. پاینده، حسین، گفتمان نقد: مقالاتی در نقد ادبی. چاپ اول، تهران: روزنگار، ۱۳۸۲.
 ۴. ———. نظریه و نقد ادبی، چاپ اول، تهران: سمت، ۱۳۹۷.
 ۵. جوادی آملی، عبدالله. مفاتیح الحیاة، چاپ یکصد و سی و نه، قم: اسراء، ۱۳۹۲.
 ۶. حافظ، شمس‌الدین محمد. غزل‌های حافظ، تدوین سلیم نیساری، چاپ دوم، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۱.
 ۷. خامه‌گر، محمد. اصول و قواعد کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۶.
 ۸. ———. تفسیر ساختاری قرآن کریم، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷.
 ۹. شهبازی، محمود و شهبازی، اصغر. «کارکردهای زیباشناختی ایجاز حذف در قرآن کریم». دوفصلنامه کاوشی در پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن کریم. ۱ (۳). ۱۳۹۲، ص ۶۸-۵۵.
 ۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین. تفسیر المیزان، مترجم سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ سی و سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۲.
 ۱۱. ———. انسان از آغاز تا انجام، ترجمه و تعلیقات صادق لاریجانی، به کوشش سید هادی خسرو شاهی، چاپ سوم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹.
 ۱۲. لسانی فشارکی، محمدعلی و حسن مرادی زنجانی. سوره‌شناسی (روش تحقیق ساختاری در قرآن)، چاپ سوم، قم: نصاب، ۱۳۹۸.
 ۱۳. مطهری، مرتضی. مسأله حجاب. چاپ سی و دوم، تهران: صدرا، ۱۳۶۹.
 ۱۴. معرفت، محمد هادی. تاریخ قرآن، چاپ هفتم، تهران: سمت، ۱۳۸۴.
 ۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱.
 ۱۶. مولوی، جلال‌الدین محمد. مثنوی معنوی، چاپ سوم، تهران: هرمس و فرهنگستان، ۱۳۹۷.
 ۱۷. میر، مستنصر. ادبیات قرآن، ترجمه محمد حسن محمدی مظفر، چاپ اول، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۷.

نقش حجاب بر کاهش میزان انحرافات اجتماعی - روانی زنان از منظر اسلام^۱

فرزانه اله ویردی^۲

چکیده

حجاب از مهم‌ترین مسائل مورد توجه ادیان توحیدی به ویژه دین مبین اسلام است و نقش بسیاری در کاهش میزان انحرافات اجتماعی-روانی دارد. مسأله بدحجابی به عنوان آسیب اجتماعی در سطح جامعه مطرح است و اصلاح و ترمیم آن، نیازمند مهندسی فرهنگی و اتخاذ سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی است. این مقاله به بررسی نقش حجاب بر کاهش انحرافات اجتماعی - روانی زنان اختصاص یافته است. برای پاسخ‌گویی به پرسش اصلی پژوهش، با روش تحقیق کتابخانه‌ای، منابع مکتوب مربوط به موضوع حجاب مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان داد که از منظر اسلام، پوشش مناسب، آثار و پیامدهای مثبت بسیاری برای فرد و جامعه به همراه دارد. داشتن حجاب هم بر سلامت اخلاقی جامعه و هم بر پاک‌ی و طهارت و ارتقای شخصیت زن تأثیرگذار است. حجاب، نه تنها مانع آزادی زن نیست، بلکه به او نقش دفاعی در برابر آسیب‌های فردی و اجتماعی می‌بخشد. همچنین گسترش بی‌حجابی و بی‌عفتی در جامعه موجب از هم پاشیدگی خانواده‌ها، رواج بی‌بند و باری، تنزل جایگاه زنان و به وجود آمدن بیماری‌های روحی و روانی در جامعه می‌شود. نتیجه آن‌که اگر خانواده‌ها بر حفظ حجاب اهتمام ورزند و به آن توجه کنند، میزان انحرافات اجتماعی - روانی کاهش خواهد یافت.

واژه‌های کلیدی: حجاب، اسلام، انحرافات اجتماعی، انحرافات روانی، زنان.

۱. تاریخ دریافت: ۹۹/۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۲۸

۲. عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان استان زنجان، پردیس الزهرا  Allahverdi1347@gmail.com

مقدمه

مسأله حجاب علاوه بر این که از مهم ترین احکام الهی آیین مقدس اسلام است، از موضوعات ضروری و کلیدی جامعه نیز به شمار می آید و با بسیاری از مسائل پیوند خورده و دارای ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. این مسأله از آن جهت که خطابش با زنان است، نیمی از جمعیت جامعه را در بر می گیرد و از آن جهت که در تنظیم روابط زن و مرد نقش دارد به همه افراد جامعه مربوط می شود. خداوند به زنان دستور می دهد که در پوشش، رفتار و گفتار خود با نامحرممان، حدودی را رعایت کنند که البته این حکم الهی در ادیان مختلف مطرح شده است و در طول تاریخ مورد پذیرش همگان قرار نگرفته است و برخی نیز به مخالفت با آن پرداخته اند.

از آن جا که بشراهمیت بسیاری برای سلامت خود قائل است، به سلامت جامعه نیز ارزش می نهد؛ چرا که بیماری جامعه را بیماری خود می داند. او هم چنان که تلاش می کند برای حفظ و تأمین سلامت خود از بسیاری از امور بپرهیزد و یا از واکسن های پیشگیری و داروهای گوناگون استفاده کند، برای سلامت جامعه هم باید نهایت سعی و کوشش خود را بکار گیرد و جامعه را از مبتلا شدن به بیماری های اخلاقی و روانی حفظ کند تا در سایه ی چنین جامعه ی سالمی، افراد بتوانند به رشد، تعالی و سعادت برسند (خندق آبادی، بی تا، ص ۱۹) فرهنگ هر جامعه ای از جنبه های گوناگونی تشکیل می شود؛ جنبه های هنجاری فرهنگ جامعه شامل ارزش ها و قواعد خاص رفتاری است. هنجارها نشان می دهند که چه چیزی ارزش و چه چیزی ضد ارزش است، مانند شیوه های پوشش که برگرفته از فرهنگ آن جامعه هستند. تلقی بد از بدحجابی، باور به ارزشی بودن حجاب و پوشش و قضاوت درست درباره حجاب در زندگی اجتماعی و فرهنگی تأثیر بسزایی می گذارد.

حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب (مطهری، ج ۱۹، ص ۴۳۰). از فواید تشریح حکم حجاب، آرامش روانی، استحکام پیوند خانوادگی، استواری اجتماع و ارزش و احترام زن است، اما از عواملی که باعث پذیرش فرهنگ بی حجابی می شود، می توان به جهل و ناآگاهی، علل سیاسی، دوستان ناباب، لقمه حرام و ... اشاره کرد. از

پیامدهای ناگوار بدحجابی بر اجتماع، طلاق و تهدید خانواده، گرایش مردان به چند همسری و ... است (مهریزی، ۱۳۷۹، ص ۲۴). با توجه به مطالبی یادشده، این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که به چه میزان حجاب موجب کاهش انحراف های اجتماعی-روانی می شود؟ و بدحجابی چه آثاری برای فرد و جامعه دارد؟ همچنین داشتن حجاب چه فواید و آثار مثبتی برای فرد و جامعه دارد؟

۱. پیشینه و مبانی نظری

حجاب به معنای سترو پوشش بیرونی و عفاف به معنای پوشش درونی است. این دو عامل در کنار هم باعث سلامت جامعه می شوند و در صورت عدم رعایت آن ها مشکلات و آثار مخرب زیادی در جامعه ایجاد می شود. حجاب اسلامی یکی از نشانه های زن مسلمان است و اهمیت آن به حدی است که از مصادیق معروف و جزو شعائر اسلامی قرار گرفته است. پوشش و حجاب پدیده ای چند بعدی است؛ از یک سو مقوله ای اخلاقی، دینی و معرفتی و از سوی دیگر پدیده ای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... به شمار می آید. ابعاد مختلف این پدیده به گونه ای در هم تنیده شده است که نمی توان تنها در خصوص ابعاد و آثار اجتماعی آن به تحقیق پرداخت و ابعاد باطنی یعنی مبانی اعتقادی و ایدئولوژی را نادیده گرفت. آن چه موجب احساس نیاز به مطالعه و تحقیق در این باره شده، گسترش روزافزون بدحجابی و آثار مخرب آن در جامعه است. مسأله حجاب در چهارچوب دفاع از حقوق زن، سال هاست که در کشورهای اروپایی و به دنبال آن در کشورهای اسلامی، مطرح شده است. سابقه ی این مباحث در کشور ما به صورت محدود، به سه چهار دهه ی پیش از مشروطه، به ویژه دوره ی سلطنت رضاخان پهلوی (۱۳۰۵-۱۳۲۰ش) بازمی گردد. در آن زمان در برابر تبلیغات بی حجابی، علمای دین دست به تالیف مقالات، رساله ها و کتاب های متعدد در ایران و عراق زدند که رسول جعفریان در کتابی با عنوان «رسائل حجابیه» در دو جلد ۱۴۵۰ صفحه ای به ۳۳ مقاله ی مهم اشاره کرده اند. همچنین چهار کتاب شناسی مهم درباره موضوع حجاب به چاپ رسیده است که از جمله ی آن ها می توان «کتابنامه ی حجاب و لباس» را نام برد که توسط سازمان تبلیغات

اسلامی در سال ۱۳۷۰ در چهل صفحه چاپ شده و شامل ۱۰۸ کتاب و مقاله است، دومین کتاب شناسی حجاب در مجله‌ی «پیام زن» شماره ۸ به چاپ رسیده که از ۱۴۸ کتاب یاد کرده است، سومین کتاب شناسی توسط آیت الله رضا استادی گردآوری شده است که به ۴۰ کتاب و ۲۰ مقاله اشاره دارد و چهارمین کتاب شناسی که جامع‌تر از بقیه است توسط رسول جعفریان نگاشته شده است که در آن از ۱۷۷ مقاله و کتاب یاد کرده است.

این واژه در لغت به معنی پوشیدن، پرده و حاجب آمده است و بیشتر در معنای پرده به کار رفته است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده و وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت که به حسب لغت هر پوششی حجاب نیست، آن پوشش حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۴۳۰). قرآن کریم در داستان حضرت سلیمان علیه السلام، غروب خورشید را این طور توصیف می‌کند: «حتی توارت بالحجاب: (ص: ۳۲)؛ یعنی تا آن وقتی که خورشید در پشت پرده مخفی شد».

۲. فلسفه حجاب

از آنجا که خداوند، خالق و دانای مطلق است، هیچ قانونی را بدون حکمت وضع نکرده است. زنان به سبب نوع خلقت و زیبایی‌های ظاهری که دارند، همواره در معرض آزار و اذیت‌های انسان‌های شهوت‌ران و بی‌بند و بار هستند، بنابراین حکم حجاب و پوشیدگی در ظاهر، رفتار و گفتار برای آنان مصالح متعددی دارد که به بیان برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

۲.۱. آرامش روان

تحقیقات روانشناسی نشان داده است که پوشیدگی زنان ریشه‌ای روانی دارد و برای رشد و بلوغ روانی آنان ضروری است. برخی محققان برآنند که که صرف نظر از فرهنگ، دین یا محیط اجتماعی، پوشیدگی زنان ریشه‌ای عمیق در روان آدمی دارد و بسیار بیش از آن که در سلامت اخلاقی دیگران مؤثر باشد، با فطرت زنان هماهنگ است و برای بلوغ روانی و تعیین هویت کامل انسانی آنان ضروری است (هدایت‌خواه، ۱۳۸۸، ص ۶۶).

امروز می‌توان گفت که علت بسیاری از بیماری‌های روانی که در دنیای غرب به وجود آمده، آزادی جنسی و تحرکات فراوان است. نبود حریم میان زن و مرد و بی‌بند و باری، هیجان‌ها را فزونی می‌بخشد و پیامد آن، بیماری‌های روانی است (شریف موسوی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۶). از جمله این بیماری‌ها، قساوت است که بی‌حجابی زن، عامل مهمی در ایجاد آن است؛ چرا که جلوه‌ی بی‌پرده‌ی زن در برابر مرد در دنیای امروز با عنوان تمدن و تجدد در زندگی، چنان آتشی در اجتماعات بشری افروخته است که به این آسانی خاموش نخواهد شد. مراد اصلی آیه‌ی «و من شرالنفثات فی العقد» (فلق: ۴)؛ زنانی هستند که مردان را تحت تأثیر جمال، رفتار و گفتار تحریک آمیز خود قرار می‌دهند و آنان را تسلیم هوای نفس خود می‌کنند؛ جلوه‌ی زن است که عقده‌ی ایمان را از دل انسان می‌گشاید و رشته‌ی جمعیت و مردانگی را پاره می‌کند، عزم و اراده‌ی تصمیم را از دست می‌گیرد و یک حالت بی‌قیدی و بی‌بند و باری در آدمی ایجاد می‌کند. از این رو اگر علل و موجبات برخی جنایات را در عالم بشکافیم، می‌بینیم پای زن در میان بوده است (ضیاء آبادی، ۱۳۷۰، ص ۷۶-۷۲). پیغمبر اکرم ﷺ فرمودند: «ما ترکت بعدی فتنه اضر علی الرجال من النساء» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، باب ۱۱۷، حدیث ۱۵)؛ خطرناک‌ترین فتنه برای امتم بعد از من، فتنه‌ی زنان خواهد بود.

۲.۲. استحکام پیوند زندگی

یکی از دلایل وجوب حفظ نگاه در مردان و زنان، لزوم پوشش برزن و ممنوع بودن دل‌ربایی و جلوه‌گری زن در اسلام، جلوگیری از تحریک، تهییج و التهاب غریزه‌ی بسیار نیرومند جنسی در راه حرام است؛ زیرا پوشش و ایجاد حریم بین دو جنس مخالف از ایجاد این هیجان‌های جنسی کاسته و از طوفانی شدن این غرایز و تبدیل شدن آن‌ها به یک عطش روحی اشباع‌ناپذیر و خطرآفرین، جلوگیری می‌کند (محمدی‌آشنایی، ۳۸۹، ص ۴۳). سیراب کردن این عطش برای زنان و مردان در خارج از کانون خانواده سبب رواج خیانت و سست شدن بنیان اعتماد در خانواده می‌شود؛ بنابراین رعایت حجاب و عفاف می‌تواند مقدمه ابتلا به این گناهان را تا حد چشمگیری کاهش دهد و از بروز فساد در میان خانواده‌ها و جامعه جلوگیری کند. شکی

نیست که هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین شود، برای کانون خانواده مفید است.

۳.۲. استواری اجتماع

یکی از مسائل مورد بحث درباره‌ی زنان، مسأله کار و فعالیت اجتماعی آنان است. گسترش تعلقات جنسی حرام در یک جامعه، نیروی کار و فعالیت آن را ضعیف می‌کند. روشن است که پوشش و حجاب مانع فعالیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زن نمی‌شود و آن چه موجب فلج شدن نیروی اجتماع است، آلوده کردن محیط کار به لذت جویی‌های شهوانی است (افتخاری، بی‌تا، ص ۴۸). عدم رعایت حجاب و عفاف، جامعه را به انحطاط می‌کشاند و آن را از مسیر پیشرفت منحرف می‌کند.

۴.۲. حفظ ارزش و احترام زن

اسلام تأکید کرده است که زن هر اندازه باوقارتر رفتار کند و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد، براحترامش افزوده می‌شود. زنانی که حجاب و عفاف خود را حفظ می‌کنند و در مواجه شدن با مردان حدود پوشش، رفتار و گفتار خود را رعایت می‌کنند، کمتر در معرض آزار هوسرانان قرار می‌گیرند و دیگران با مشاهده متانت آنان از تعرض به حریمشان چشم‌پوشی می‌کنند؛ چراکه می‌دانند پاسخ این‌گونه زنان به مطالبات گناه‌آلود آنان منفی است.

۵.۲. خصلت انسانی

یکی از فلسفه‌های اصلی پوشش آدمی، خصلت انسانی اوست. شریعت اسلامی نیز دفاع از پوشش را برپایه همین خصلت قرار داده است (مهریزی، ۱۳۸۷، ص ۴۱). آدمی در فطرت پاک خود به پوشش گرایش دارد و نسبت به هرزگی و بی‌بند باری اکراه دارد؛ حال آنکه بی‌حجابی و بی‌عفتی نتیجه‌ای جز این‌ها ندارد.

۳. علل پذیرش فرهنگ بی‌حجابی

امروز شاهد پدیده‌ی بی‌حجابی در سطح جامعه هستیم و برخی زنان گویا در مارا تن بی‌حجابی شرکت کرده و می‌خواهند گوی سبقت را از دیگری ببرایند، حال آنکه نمی‌دانند این پیروزی در این میدان به معنای واقعی شکست است. در اینجا مناسب است به بررسی عوامل پذیرش فرهنگ بی‌حجابی در جامعه پرداخته شود.

۱.۳. جهل و ناآگاهی

یکی از عوامل اصلی در عدم پذیرش حجاب، ضعف اعتقادی و دینی است. تا زمانی که دین و احکام آن به درستی برای جوانان ما تفهیم نشود و این فهم درست با اعتقاد قلبی آنان پیوند نخورد، زمینه پذیرش فرهنگ بی‌حجابی برای آنان مهیاست. به جرأت می‌توان گفت اصلی‌ترین علت بدحجابی و سایر مفاسد، جهل و نادانی است؛ مانند جهل به خدا، دین و فلسفه احکام آن، ارزش‌ها و استعدادهای ذاتی خود. کسی که خود را نشانسد، به هر شری تن می‌دهد. همین نادانی‌ها موجبات بدحجابی را فراهم می‌آورد. خانواده‌ها و مادرانی که در قید و بند حجاب و سایر مسائل شرعی نبوده‌اند، نمی‌توانند حجاب را به عنوان یک ارزش و یک واجب الهی به فرزندان خود آموزش دهند؛ از این رو فرزندان را با همان فرهنگی که خود گرفتار آن بوده‌اند، تربیت می‌کنند. بنابراین ریشه‌ی بسیاری از بدحجابی‌ها و بی‌بند و باری‌های دختران جوان امروز را در محرومیت آنان از تربیت صحیح دینی باید جستجو کرد. قرآن کریم می‌فرماید: «قوا انفسکم و اهلیکم نارا» (تحریم: ۶)؛ خود و خانواده خود را از آتش جهنم محافظت کنید. بدیهی است محافظت از جهنم جز با تربیت صحیح ممکن نیست. البته پدر و مادرانی هم یافت می‌شوند که خود نسبت به نماز و حجاب و سایر واجبات مقیدند، ولی نسبت به فرزندان‌شان و تربیت صحیح آنان غافل و ناآگاهند و همین بی‌توجهی سبب انحراف فرزندان و مایه رنج روحی والدین می‌شود (رزاقی، ۱۳۶۹، ص ۱۱۶).

۲.۳. علل سیاسی

امروز تهاجم فرهنگی ابعاد بسیار متنوع، پیچیده و سازمان یافته‌ای را به خود گرفته است که گسترش بدحجابی و حتی بی‌حجابی مصداق بارز آن است تا حریم بین مرد و زن شکسته شود و اراده‌ی ملت برای اقدام به کارهای مهم تضعیف شود (مؤسسه فرهنگی قدر، ۱۳۸۰، ص ۱۴). بدون تردید تعداد زیادی از مصداق بدحجابی و سایر جلوه‌های فحشا و منکرات، جنبه سیاسی دارد، یعنی دشمنان برای مبارزه با نظام و ارزش‌های حاکم بر آن، عده‌ای را برای گسترش بی‌بند و باری و فحشا در جامعه به کار گرفته‌اند. این افراد با فعالیت‌های خود، زمینه‌های عمده و اصلی بدحجابی و بی‌بند و باری را برای سایرین فراهم می‌کنند.

۳.۳. غلبه روحیه راحت طلبی و فرار از مسئولیت

برخی افراد راحت طلب و بی‌توجه به حلالو حرام الهی، اعم از مرد و زن، از اطاعت مقررات شرعی و قبول محدودیت‌های دینی فرار می‌کنند و عمل به آن‌ها را سخت می‌دانند. آنان با بهانه‌ها و توجیه‌های مختلف از مسئولیت‌های شرعی و رعایت احکام دین، شانه خالی می‌کنند و معتقدند حجاب و یا هر واجب دیگری ما را به زحمت می‌اندازد و برای ما سخت است که آن را رعایت کنیم (میرغفوری، ۱۳۷۳ش، ص ۹۴). در پاسخ به این‌گونه افراد چند نکته شایان توجه است:

۱- انسان فقط تحت تربیت ویژه می‌تواند از سطح زندگی حیوانی به زندگی انسانی ترقی کند.
۲- محدودیت لازمه هر نوع تربیتی است. بی‌قیدترین و ناآگاه‌ترین مردم نیز اصل لزوم محدودیت و رعایت دستورالعمل‌ها در تربیت را قبول دارند.

۳- راحت طلبی و شانه خالی کردن از احکام الهی، راحتی نمی‌آورد و فرار از مقررات دینی برای راحتی، خیالی بیش نیست، زیرا اولاً احکام دینی مبتنی بر انسان‌شناسی دینی است. دین برای سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت مردم آمده است. خداوند این طور اراده کرده است که بشر با اجرای احکام الهی به سعادت واقعی نایل شود. کسی که از یاد او و اجرای دستوراتش سرباز زند، به فشارها و تنگناهای مختلف روحی دچار می‌شود و

برعکس کسانی که با خدا پیوند دارند و مطیع دستورات او هستند، آرامش و نشاط خاصی دارند که این آرامش همان خواسته‌ی روحشان است. دومین دلیل این است که کسالت و تنبلی در برابر مقررات الهی و ترک واجبات، موجب گرفتاری انسان به خشم الهی و عذاب او می‌شود. کسی که حجاب را برای راحتی کنار می‌گذارد، باید بداند سختی و عذاب طولانی و دردناک در انتظار اوست.

۴.۳. احساس حقارت و کمبود شخصیت

فقر در هر صورتی انسان را به ذلت، گدایی و التماس می‌اندازد؛ چه فقر مادی و چه فقر معنوی. از میان انواع فقرها هیچ فقری به سختی و زشتی فقر روحی و معنوی نیست. کسی که روح و شخصیت‌اش فقیر است، همواره به چیزی بیرون از خود محتاج است. او همیشه گدایی شخصیت می‌کند و به راستی که بدفقری است بدحجابی و بی‌حجابی. زنان بی‌حجاب همواره در اسارت و گدایی نگاه و توجه دیگران هستند. آن مقدار نفعی که از حجاب نصیب خانم‌ها می‌شود به اندازه‌ای است که جز با حجاب کامل حاصل نمی‌شود و نتیجه‌ی رعایت آن، حفظ شخصیت انسانی زنان است (آذری قمی، ۱۳۷۲، ص ۸۴).

۵.۳. دوستان نامناسب و ناباب

علت بدحجابی بعضی از اشخاص، داشتن دوستان نامناسب است. برخی دختران و زنان در ابتدا مقید به حجاب و عفاف بوده‌اند، ولی در اثر بی‌اطلاعی و عدم ایمان قوی تحت تأثیر دوست بدحجاب قرار گرفته‌اند. بدون تردید، بدحجابی از گناهان بزرگ است که در صورت مواجه شدن با شخص بی‌حجاب حتی دوست، باید به او تذکر داد و در صورت عدم همراهی، از هم‌نشینی با وی خودداری نمود. امام حسین علیه السلام می‌فرماید: « مجالسه اهل الدناء شرو مجالسه اهل الفسوق ريبه؛ همنشینی با افراد پست ناپسند است و همدمی گناهکاران موجب بدبینی مردم و از دست دادن اعتماد و اعتبار است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۱۲۲)

۴. پیامدهای بدحجابی بر جامعه

گسترش بدحجابی در جامعه موجب گسترش فساد و فحشا در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. جامعه‌ای که در آن زنان به جلوه‌گری پرداخته و مردان به هوس رانی و شهوت طلبی مشغول اند، هرگز نمی‌تواند در مسیر پیشرفت و ترقی قرا بگیرد و همواره در فقر و فساد غوطه‌ور است. در این بخش به بررسی پیامدهای بدحجابی در سطح جامعه می‌پردازیم.

۱.۴. طلاق و تهدید خانواده

از پیامدهای زیان‌بار عدم رعایت عفاف و حجاب، طلاق و جدایی زن و شوهر و از هم پاشیدن نظام خانواده است. طلاق در نظر اسلام مبعوض‌ترین حلال است که تنها در صورت اختلافات حل‌نشده ضرورت پیدا می‌کند. اسلام عزیز به منظور حفظ و تحکیم بنیان خانواده، افزایش صفا و صمیمیت میان همسران و جلوگیری از اختلافات شدید خانواده و فروپاشی آن، تدابیر حکیمانه‌ای اندیشیده است و ایمان، آراستگی به فضایل اخلاقی و انسانی، اصالت خانوادگی و مانند آن را برای انتخاب همسر شایسته مقرر فرموده و حقوق و وظایفی را برای زوجین مشخص کرده است. برای طلاق نیز شرایطی معین کرده که شامل بعد از آن نیز می‌شود، قوانینی چون رجوع و بازگشت دوباره شوهر به زندگی مشترک و... که همه‌ی این‌ها در جهت حفظ بنای خانواده است (بقره: ۲۲۹)، اما آن‌چه به اجتماع باز می‌گردد، سلامت و امنیت جامعه از هرگونه اقدامات منافی عفت و حیا است (اصفهان‌ی حائری، ۱۳۴۶ق، ص ۶۴). مهم‌ترین موضوع این بحث، بررسی تأثیر عدم رعایت حجاب و عفاف در فروپاشی خانواده و طلاق است. موضوع طلاق از جهات و عوامل گوناگون قابل بررسی و تبیین است، اما می‌توان بیان کرد که ریشه طلاق به طور عمده، فاصله گرفتن از پوشش خداپسندانه توسط زنان و خودنمایی در پوشش، رفتار و گفتار و در نتیجه آسیب دیدن عفت عمومی و اخلاق فردی و اجتماعی است. برای روشن شدن این بحث جهات و عوامل طلاق با توجه به عدم رعایت عفت عمومی را مورد توجه و بررسی قرار می‌دهیم.

۱.۱.۴. هوس مداری در خانواده

طلاق در اثر اختلافات عمیق زن و شوهر تحقق می‌یابد و از خودخواهی و گاه هوسرانی یک یا هر دو طرف، ناشی می‌شود. یکی از عوامل بسیار مؤثر و سازنده در حفظ کیان خانواده، پاسداری از عفت عمومی، سلامت و پاکی جامعه در مقابل غفلت، هوس و ناپاکی‌ها است. هتک حریم حجاب و پوشش عفیفانه، ضعف غیرت در مردان و عفت در دختران و عدم احساس مسئولیت پدران، مادران و شوهران نسبت به این امور، موجب سوق افراد جامعه به سمت هوس‌های نفسانی می‌شود؛ در نتیجه حق محوری جای خود را به هوس‌بازی و خودخواهی خواهد داد و همین امر، عامل بروز اختلافات خانوادگی و در نهایت طلاق خواهد بود.

تاریخ حکایت از آن دارد که عدم رعایت حجاب و عفاف، دامن زنانی خاص و با خانواده را ننگین کرده است؛ زنانی چون میسالین همسر امپراتور رومانی و کلود که معروف به پلیدی، فسق و فجور شد و سرانجام محکوم به قتل شد و مانند سرسیه که از اشخاص اودیسه و ساحره و فتنه‌انداز بود و بین اودیسیوس و اصحاب او در اثر فجور و فسق، تفرقه‌سازی کرده و عاقبت به دارالبوار ملحق شد (جعفریان، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۰۰).

۲.۱.۴. چشم‌چرانی و مقایسه با همسر

حضور زنان با ظاهری آراسته و بدن نما در جامعه، زمینه بهانه‌جویی مردان و عیب‌جویی، تحقیر و بی‌احترامی نسبت به زنان خویش را فراهم می‌آورد. مردان هوسران با چشم‌چرانی و مشاهده زیبایی‌های ظاهری زنان بی‌حجاب و مقایسه همسران خویش با این زنان نوعی بی‌رغبتی یا کاهش محبت نسبت به همسران خود پیدا می‌کنند و در نتیجه اختلافات جدی در خانواده ایجاد شده و در نهایت به طلاق و جدایی منجر می‌شود.

۳.۱.۴. شهوت‌طلبی و لذت‌گرایی

ازدواج از یک سو پیوند، اتحاد و مصاحبت جسمی زوجین است و این اتحاد در صورتی محقق می‌شود که دوروح در ابعاد والای انسانی از سنخیت و شباهت برخوردار باشند. آزادی غیرمعقول زنان - که آزادی در اسارت هوا و هوس است - شعله‌های هوس و شهوت را در مردان هوسران برمی‌افروزد و لذت‌گرایی را در آنان رشد می‌دهد؛ از این رو عده‌ای برای تأمین خواسته‌های

شهواری بی حد و مرز خود با ترفندها و بهانه‌های گوناگون، همسران خویش را طلاق می‌دهند تا به خودخواهی و شهوت‌های حیوانی خود، پاسخ مثبت بدهند (شیرازی، ۱۳۵۸ ش، ص ۲۱).

۴.۱.۴. دوستی‌های نامشروع

حضور تحریک‌آمیز زنان در صحنه‌ی اجتماع باعث ایجاد روحیه‌ی شهوانی در مردان، رواج پدیده‌ی دوستی با جنس مخالف و روابط نامشروع می‌شود؛ به‌گونه‌ای که علاقه‌ی آن‌ها به همسران خود کاهش پیدا می‌کند و در نتیجه پایه و رکن زندگی خانوادگی، متزلزل می‌شود.

۵.۱.۴. غفلت از معیارهای اصولی در گزینش همسر

خودنمایی دختران سبب انتخاب و گزینش غلط و نادرست در فرایند ازدواج می‌شود. باید توجه داشت که غفلت از معیارهای اصولی و سازنده در انتخاب همسر، مانع واقع‌بینی شده و در نتیجه زوجین پس از ازدواج و گذشت مدت زمانی، متوجه شکست در ازدواج شده و به تدریج میان آنان فاصله می‌افتد و سرانجام زندگی مشترک آن‌ها به طلاق منتهی می‌شود.

۶.۱.۴. فریب خوردن در ازدواج و انتقام جویی

گاهی جوانان مجرد با مشاهده‌ی ظواهر آراسته و آرایش شده زنان بی‌حجاب، فریب خورده و شیفته‌ی آنان می‌شوند. پس از ازدواج و گذشت چند ماه و سال متوجه می‌شوند که همسرشان شایسته‌ی محبوبیت نبوده و در این پیوند زناشویی ناموفق بوده و دچار زیان شده‌اند. در این صورت عشق تبدیل به نفرت و دشمنی می‌شود و درصدد انتقام برمی‌آیند. آنان ضمن تحقیر، سرزنش، عیب جویی و سوءظن به همسران خود، در نهایت آنان را طلاق می‌دهند.

۲.۴. گرایش مردان به چندهمسری

از ویژگی‌های زنان، انحصارطلبی در معشوق و محبوب بودن است و اقتضای یگانه معشوقه بودن زن، آن است که قلب همسرش، کسی جز او را نخواهد و تنها در گرو محبت و عشق او و فرزندانش باشد و هرگز سراغ همسری دیگر نرود؛ اگرچه این میل طبیعی باید تعدیل شود. زندگی تک همسری بهتر و باصفا تر است، مگر در مواقع ضروری و با رعایت شرایطی خاص به ویژه شرایط عدالت که در قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام بر آن تأکید شده است (نساء: ۳).

در بحث ازدواج‌های غیرمنطقی و غیرضروری باید گفت که بی‌تردید علت آن‌ها، هوس‌بازی و شهوت‌رانی است. البته نباید فراموش کرد که در بیش‌تر مواقع، منشأ چنین ازدواج‌هایی جلوه‌گری و پوشش‌های تحریک‌آمیز زنان در جامعه است؛ به عبارتی بدحجابی و خودنمایی زنان با تحریک‌پذیری و ایجاد شهوت و هوس در مردان ارتباط مستقیم و تنگاتنگی دارد؛ امکان ندارد تحریک جنسی در جامعه باشد، اما در مردانی که از کنترل چشم و تقوای لازم برخوردار نیستند، هوس و میل به کام‌جویی ایجاد نشود. همین هوس و میل‌هاست که در مردان تک‌همسرگرایش به ازدواج مجدد را پدید می‌آورد. چنین مردانی با دلدادگی و مجذوب شدن به جاذبه‌های آشکار زنان، اندک‌اندک به ازدواج با آن‌ها تمایل نشان می‌دهند که این امر با کاهش محبوبیت همسر قبلی ملازم و همراه است و چه بسا محبت او را به طور کامل از دل خارج کرده و تنها به همسر جدید خود می‌اندیشند و دل می‌بندند. بدیهی است که چنین شرایطی، کاهش محبوبیت، فشارهای روحی و اختلال‌های روانی و جسمی را برای زن اول و فرزندان او ایجاد می‌کند (دعوتی، ۱۳۷۷ش، ص ۱۸۳).

۳.۴. تضعیف غیرت ناموسی و اعتقادی

از پیامدهای شوم بی‌حجابی به وجود آمدن عقده و کینه‌ای شدید در افراد بی‌دین نسبت به احکام و اعتقادات مذهبی است که حجاب را برای زنان لازم و واجب دانسته است. هدف اصلی استکبار جهانی نیز ایجاد تضادها و تنش اجتماعی به واسطه ایجاد چنین افکاری است که نسل جدید را از نسل پیشین جدا می‌کند؛ چرا که نسل پیشین این عده را منحرف - بی‌دین و لامذهب - تلقی می‌کنند و نسل جدید، بزرگان خود را «عقب افتاده»، «مرتجع» و «خرافات‌ی» می‌پندارند (پارسا، ۱۳۷۷، ص ۸۴ - ۸۱).

غیرت از فضیلت‌های اخلاقی است و انسان‌غیور همواره حافظ و نگاهبان ناموس خداوند - دین و آیین او - در برابر عوامل انحراف‌زا است. نتیجه غیرتمندی افراد در جامعه، تأمین و استمرار شرف انسانی، امنیت اجتماعی و تربیت نسل پاک است. در جامعه‌ای که زنان از عفاف و پوشش کامل و صحیح برخوردار نیستند، عفت عمومی در معرض خطر قرار می‌گیرد

و نتیجه‌ی این امر کاهش یا نابودی غیرت است. بیماری بی‌حجابی و بدحجابی با بیماری فقدان یا ضعف غیرت، رابطه و تأثیر متقابل دارد؛ یعنی از یک طرف دوری زنان از لباس حیا به غیرت مردان به‌ویژه نسل نوحاسته ضربه می‌زند و از طرف دیگری از علت‌ها و ریشه‌های عمده این بیماری خطرناک و فاجعه‌آفرین، نبود یا ضعف غیرت در پدران یا شوهران است. مردان باید بدانند که در گناهایی که دختران یا همسران بی‌عفت خود مرتکب می‌شوند و در جرم‌ها و فاجعه‌هایی که از طریق آن‌ها در سطح جامعه گسترش پیدا می‌کنند، شریک و درپیشگاه خداوند مسئول خواهند بود. آنان باید بدانند که بزرگ‌ترین دشمنی را در حق خود و خانواده خویش در لباس دوستی می‌کنند و وظیفه قرآنی خود را در برابر آنان انجام نمی‌دهند (همان، ص ۱۹۲)؛ آن‌جا که قرآن کریم توصیه می‌کند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده‌تان را از آتشی که هیزمش انسان و سنگ - بت‌ها - است، باز دارید» (تحریم: ۶).

۴.۴. ایجاد اختلال روانی و عصبی

یکی از عوامل گسترش بیماری‌های روحی و اختلال‌های روانی و عصبی، خودنمایی زنان در جامعه است. محیطی که در آن بی‌بند و باری رواج یابد و افراد از راه صحیح نیازهای جنسی خود را تأمین نکنند یا به افعال حرام تن دهند یا مجبور به سرکوب این نیازها شوند، در نهایت به بیماری‌های مختلف روانی و عصبی مبتلا خواهد شد. برخی عوامل انحرافات اجتماعی - روانی، عدم رعایت حجاب و عفاف در سطح جامعه به شرح زیر است:

۱.۴.۴. محرومیت از نیازهای ضروری جسمی و مادی

عواطف انسانی در اثر گرایش به بی‌بند و باری، شهوت و دنیازدگی، تضعیف شده و در نهایت از امور انسانی و الهی همانند کمک به محرومان و نیازمندان جامعه غفلت خواهد کرد. همانا منشأ فقر و محرومیت، بی‌عدالتی و نرسیدن طبقه محروم و کم‌درآمد به حقوق مسلم خود است که این امر محصول عواملی از جمله غفلت طبقه مرفه از مبدأ و معاد و غرق شدن در جاذبه‌های دنیوی و تحریکات جنسی است.

۲.۴.۴. عدم تأمین نیازهای روحی

همان‌گونه که کم توجهی به نیازهای جسمی، سلامت بدن و حیات طبیعی انسان را در معرض خطر قرار می‌دهد، بی‌اعتنایی به نیازها و خواسته‌های روحی و قوانین مربوط به روان هم سلامت روح و شخصیت را مختل کرده و حیات معنوی آن را در معرض خطر قرار می‌دهد. ترغیب افراد به سمت شهوت‌ها و تمایلات غیرمعقول نفسانی از طریق تحریکات جنسی زنان و امثال آن، موجب بی‌اعتنایی و یا کم‌توجهی به نیازهای باطنی و روحی می‌شود؛ به همین دلیل، امروز، بیماری خودفراموشی و از خودبیگانگی از بیماری‌های شایع روحی است که افرادی از بشردچار آن هستند و برخی اختلال‌ها و بیماری‌های روانی و مشکلات جوامع بشری ناشی از آن است.

۳.۴.۴. انحراف از فطرت انسانی و مسیر طبیعی گزینه جنسی

به‌طورکلی هر فعلی که برخلاف ساختار فطرت و طبیعت آدمی باشد، زیان‌بزرگی برای گوهر شریف روح و جسم است. انحرافات جنسی نیز که از عمده‌ترین عوامل آن بی‌حجابی و بی‌عفتی است، منشأ اختلال‌ها و بیماری‌های روانی و عوارض نامطلوب جسمی خواهد بود. برهنگی ارزش زن را از بین می‌برد و او را تا حد یک کالا و یک «جنس» پست خواهد نمود. زنی که تن و اندام خود را در معرض دید همگان قرار می‌دهد و آن‌چه را که به جنسیت او مربوط می‌شود به‌کوچه و بازار می‌کشانند، در حقیقت می‌خواهد با تکیه بر «زنانگی» خویش، جایی برای خود در جامعه باز کند و در این راه شخصیت انسانی و جایگاه والای خود به‌عنوان یک زن و مادر را قربانی می‌کند (حداد عادل، ۱۳۵۹، ص ۵۹).

۴.۴.۴. شهوت‌طلبی افراطی و غیرقابل کنترل

گزینه‌ی جنسی از نظر حرارت جسمی، ظرفیت محدودی دارد. به‌همین دلیل گزینه‌ی جنسی با یک همسرارضا می‌شود، اما از نظر روحی ممکن است به‌صورت عطش نفسانی درآید و گنجایش نامحدود و ارضانشدنی پیدا کند. این حالت بیشتر به‌خاطر کنارزدن حریم ارزشی حجاب و معاشرت‌های آزاد و سهولت اطفال و ارضای شهوت از راه نامشروع به‌وجود می‌آید. از آن‌جا که آرزوها و خواسته‌های نفسانی نامحدود در دنیای محدود محقق نمی‌شود، از این رو

در اثرا حساس محرومیت تعادل روحی و روانی خویش را از دست داده و گرفتار انواع بیماری ها و اختلال های روانی خواهد شد! نتیجه این که تن دادن به حکم عقل و وحی درباره لزوم و ضرورت پوشش کامل اسلامی و رعایت عفاف و شئون انسانی برای حفظ آرامش و بهداشت روانی و عصبی دارای اهمیت و برکات فراوانی است و بی اعتنایی به آنها منجر به آسیب های روحی و روانی و عصبی افراد جامعه می شود و گریبان زنان خودنما و بدحجاب و همسران و فرزندان امروز و فردای آنها را نیز خواهد گرفت (خراسانی، ۱۳۴۹ق، ص ۲۱۸).

۵.۴.۴. سلب امنیت زنان

احساس امنیت و آرامش روحی، جسمی و جنسی برای زنان، با توجه به ویژگی های خاص آفرینش آنان چه از بُعد جاذبه های جسمی و رفتاری و چه از بُعد ضعف جسمانی در مقایسه با مردان از اهمیت بسیاری برخوردار است. حجاب و عفاف، دژ محکم امنیتی برای زنان در مقابل تهدیدها و خطرات محیط پیرامون آنهاست. رعایت حجاب کامل و عدم اختلاط با مردان، ضامن کنترل غریزه ها و میل های حرام، حافظ بهداشت و سلامت روانی و جسمانی افراد جامعه و تأمین امنیت اجتماعی زنان است. در جامعه ای که زنان با زیرپا گذاشتن حکم فطرت و شریعت، خود را در معرض تماشای نامحرمان قرار می دهند و زینت ها و اندام های تحریک کننده ی خود را به دیگران نمایش می دهند، مردان به ویژه جوانان با مشاهده چنین صحنه هایی دچار فشار روانی و هیجان های شدید جنسی و طغیان شهوت شده و تسلیم تندباد هوس می شوند و در این حال، گاه جرأت تجاوز به حریم زنان و دختران را پیدا می کنند. آن چه امنیت اجتماعی زنان و جامعه را تأمین می کند، انسانیت و معنویت حاکم بر جامعه است که اساس آن دین اسلام است؛ جامعه ای که یاد خدا و هدف والای زندگی در دل و جان افرادش حکومت می کند و روابط آن ها بر پایه توحید و خدامحوری است در امنیت کامل خواهد بود. از آثار مخرب بی حجابی و بی عفتی، از بین رفتن شخصیت زن و ایجاد ناامنی برای او در جامعه است و از شواهد بارز آن، عدم امنیت زن در جوامع غربی است. تجاوز به زنان و آزارهای جنسی در کشورهای غربی به قدری بالاست که زنان مجبور به حمل سلاح با خود هستند. وقتی حجاب و پوشش مناسب نباشد، قدرت تخیل جنسی در مردان زیاد

شده و تحریک جنسی در آنان، به وجود می‌آید، همین امر مقدمه‌ای برای از بین رفتن امنیت و احترام و ارزش زن خواهد شد (شجاعی، ۱۳۷۸، ص ۴۴-۳۸).

از دیگر آثار مخرب عدم رعایت عفت عمومی در جامعه، سستی بنیان خانواده و سلب امنیت و آرامش از اعضای خانواده است. بالا رفتن آمار طلاق و پایین آمدن سطح ازدواج در کشورهای غربی گواه این مدعا است. مرکز آمار بهداشتی آمریکا در یکی از آمارهای خود اعلام کرد که از هر ۱۰۰۰ زن متأهل آمریکایی تنها ۹۱ نفر پیوند زناشویی با همسران خود را حفظ می‌کنند. شبکه سی ان ان آمریکا به استناد آخرین تحقیقات وزارت شهری آمریکا اعلام کرد، در هر ۱۲ دقیقه یک نفر در آمریکا به ویروس مهلک ایدز مبتلا می‌شود که این بیماری به طور عمده از طریق بی بند و باری جنسی منتقل می‌شود (همان).

۶.۴.۴. شیوع انحراف جنسی

انسان‌ها - اعم از مرد و زن - در برابر غریزه‌ی جنسی به سه گروه تقسیم می‌شوند:

۱- کنترل و تعدیل غرایز جنسی در سایه تقوای الهی و اشباع آن از راه ازدواج؛

۲- تفریط و بی‌توجهی به این میل نفسانی؛

۳- افراط و انحراف در غرایز جنسی.

انسان‌های باتقوا و مؤمن که جز به معشوق و دلربای حقیقی دل نبسته و عظمت و جودی خویش و تمام نعمت‌های خود را از لطف او می‌دانند و از حساب و کتاب آخرت هراس دارند، به هنگام رو به رو شدن با عوامل مهیج و هوس‌انگیز با الگوگیری و پیروی از حضرت یوسف علیه السلام در سایه محکم‌ترین و مطمئن‌ترین دژها یعنی پناه بردن به خداوند و یاد او خویشتن‌داری و صبرپیشه می‌کنند. کسانی که راه دوم را برگزیده و غریزه خود را سرکوب می‌کنند، کارشان به حکم عقل و شرع ناپسند و مذموم است و با هدف آفرینش غریزه جنسی که تولید نسل است، مغایرت دارد. اما دسته سوم - که موضوع بحث ماست - کسانی‌اند که از دین و ایمان تهی بوده و یا ایمان ضعیفی دارند؛ این افراد هنگام مواجه شدن با عوامل هیجان‌انگیز و تحریک‌کننده، پا از دایره‌ی تقوا و عفاف بیرون می‌نهند و به انحراف جنسی می‌آیند (حسینیان، ۱۳۷۳، ص ۵۸).

۵. راه‌های مبارزه با بدحجابی و بی‌حجابی

رواج بی‌حجابی و بی‌عفتی در جامعه، زمینه‌ساز گسترش فساد در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. جامعه‌ای که به این بیماری دچار شود، بنیانش فرومی‌ریزد و به جای پیشرفت و ترقی در عرصه دنیا، گرفتار فقر و فحشا می‌شود. برهمگان واجب است که در حفظ و اعتلای فرهنگ حجاب بکوشند و جامعه را به سمت آگاهی از آثار و فواید آن راهنمایی کنند. گسترش فرهنگ حجاب در جامعه با فعالیت‌های فرهنگی به ثمر می‌نشیند که در اینجا به ذکر نمونه‌هایی از آن بسنده شده است:

۱.۵. اعتلای فرهنگ حجاب در جامعه

زنی که از مقام و ارزش‌های واقعی خود آگاه شود، فلسفه حجاب و آثار و فواید آن را از دیدگاه اسلامی بداند و در انتخاب حجاب، ریشه‌ای برخورد کند نه موروثی، دیگر حجاب را یک حصار و زندان برای خود تلقی نمی‌کند؛ بلکه آن را وقار و متانت برای خویش می‌یابد. وقتی آگاهی افراد جامعه نسبت به ضرورت حجاب بالا رفت، دیگر نیازی نیست که نیروی تهدیدآمیزی از بیرون، زنان را مجبور به رعایت حجاب کند. چنین زنی حتی اگر در بدترین شرایط و فاسدترین مکان‌ها قرار گیرد، با شهامت و آگاهی و بدون توجه به عقاید دیگران، حجاب و عفت خویش را حفظ خواهد کرد. اصل این است که مقام واقعی زن به وی شناسانده شود تا بفهمد که ارزش یک زن در بدن مادی و زیبایی‌های ظاهری او خلاصه نشده و مقام او بالاتر و بالاتر از آن است که بخواهد با خودنمایی خود را به یک موجود بی‌ارزش و خوار تبدیل کند. برای زایل کردن تفکرات نادرست و خام در زنان جامعه باید اندیشه‌ای برتر جایگزین آن‌ها سازیم و این امر جز با اعتلای فرهنگی جامعه میسر نخواهد شد.

یکی از مؤثرترین روش‌ها برای رشد زن از مرحله نفس و آزادی از این قید پنهان، پوشیدگی و مستوری است. دختران جوان با مستور نگاه داشتن خویش در خارج از محدوده‌ی خانواده می‌آموزند که از جدابیت فقط در محدوده‌ی خانواده استفاده کنند و این نهاد مقدس را تحکیم بخشدند (روحانی، ۱۳۶۹، ص ۵۱).

۲.۵. تقویت ایمان و اعتقاد

در زن باید باوری استوار و ایمانی عمیق ایجاد شود. زنی که اندیشه و قلبش خدا باشد و به معاد و جزا معتقد باشد، حاضر به خودآرایی و خودنمایی نخواهد بود و خود را در معرض نگاه‌های آلوده قرار نخواهد داد و زمینه‌های تلذذ دیگران و فسادآفرینی را به وجود نخواهد آورد. چنین زنی می‌داند که مخالفت با امر خداوند عاقبتی جز آتش دوزخ به دنبال نخواهد داشت.

۳.۵. احیای فرهنگ اصیل اسلامی

احیای ارزش‌های اصیل اسلامی و فراخوانی زن مسلمان به تعقل، تعبد و تعهد نسبت به این ارزش‌ها، نقش مهمی در گسترش و اعتلای فرهنگ حجاب در جامعه خواهد داشت. زن مؤمن باید به آن چه اسلام به عنوان ارزش بدان می‌نگرد، آگاهی و باور داشته باشد و بداند که شخصیت و عظمت او در گرو روح بلند، اندیشه‌ی والا، قلب پاک و جان پیراسته از آلودگی است نه خودنمایی و تَبَج (حجرات: ۱۳).

۴.۵. شناساندن الگوهای والا

نقش الگوها در ساختار روحی و رفتاری افراد، دارای اهمیت است. جای تأسف است که امروز برخی زنان و دختران مسلمان با الگوهایی چون حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، دخت نبی اکرم و اسوه نجابت و عفاف و همچنین دخترگرامی شان حضرت زینب کبری علیها السلام، اسطوره کربلا و پیام‌آور عاشورا، آشنایی ندارند. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، حضرت زینب علیها السلام و دیگر چهره‌های والای تاریخ اسلام باید به زنان مؤمن شناسانده شود تا بنگرند چه سان با حفظ هویت، شخصیت، وقار و متانت می‌توانند در جامعه حضور پیدا کرده و ایفای نقش کنند. زن اگر عشق اهل‌البیت علیهم السلام را فراگرفت و آنان را رهبر شناخت و الگوپذیرفت، رویین تن می‌شود و حضورش در جامعه دلهره‌آفرین نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

با رعایت حجاب و عفاف از طرف مردان و زنان به ویژه بانوان، جامعه از بسیاری خطرات حفظ خواهد شد. فلسفه حجاب شامل آرامش روانی، استحکام پیوند زندگی، استواری اجتماع و حفظ ارزش و جایگاه زن در جامعه است. امروز شاهد این امر هستیم که پدیده‌ی بدحجابی به یک ارزش کاذب در برخی جوامع تبدیل شده است. علل پذیرش این امر از سوی زنان و مردان در اجتماع، جهل و ناآگاهی، دشمنی سیاسی، احساس حقارت در شخصیت و دوستی با افراد ناباب است و پیامدهای آن تهدید جایگاه خانواده، گرایش مردان به چندهمسری، تضعیف غیرت ناموسی و مذهبی و ایجاد عمیق‌ترین اختلالات روحی و روانی بین افراد جامعه است. بنابراین افراد برای رسیدن به جامعه‌ای مطلوب، باید فرهنگ حجاب را براساس آموزه‌های اسلامی گسترش دهند و در این امر دولت، مردم و رسانه‌های گروهی می‌توانند نقشی مؤثر ایفا کنند. با اعتلای فرهنگ حجاب در جامعه، تقویت ایمان و اعتقاد، احیای فرهنگ اصیل اسلام، معرفی الگوهای برتر زنان به نسل کنونی و اهتمام جدی به احکام عملی و اخلاقی دین نورانی اسلام، به خصوص جنبه‌های تربیتی ارزشمندی که در سیره‌ی معصومین علیهم‌السلام است، می‌توان شاهد جامعه‌ای پویا، فعال و برخوردار از آرامش روحی و روانی بود.

فهرست منابع

۱. اصفهانی حائری، غلامحسین. *فلسفه الحجاب فی وجوب النقاب*، نجف: مطبعه العلوبه، ۱۳۴۶ق.
۲. افتخاری، محمدباقر. *دردهای اجتماع بدحجابی و بی حجابی*، تهران: انتشارات افتخاری، بی تا.
۳. آذری قمی، احمد. *سیمای زن در نظام اسلامی*، قم: مؤسسه انتشارات دارالعلم، ۱۳۷۲.
۴. جعفریان، رسول. *رسائل حجابیه*، قم: چاپ سوم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۰.
۵. جمعی از نویسندگان. *حکایت کشف حجاب*، تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۰.
۶. حداد عادل، غلامعلی. *فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی*، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۵۹.
۷. حسینیان، روح الله. *حریم عفاف*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳ش.
۸. خراسانی، ابوالفضل. *حکمه الحجاب و ادله النقاب*، تهران: مطبعه علمی، ۱۳۴۹ق.
۹. خندق آبادی، جعفر. *ادیان و حجاب*، تهران: نشر جامعه صفویه، بی تا.
۱۰. دعوتی، میرابوالفتح. *سلام برحجاب*، قم: نشر ایام، ۱۳۷۷ش.
۱۱. رزاقی، احمد. *عوامل فساد و بدحجابی و شیوه های مقابله با آن*، چاپ سوم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹ش.
۱۲. روحانی، شهریار. *آیا حجاب ضرورت دارد (بررسی مسئله پوشیدگی از دیدگاه روانشناسی)*، تهران: نشر شرکت اشراقیه «مهدویه»، ۱۳۶۹.
۱۳. شجاعی، محمد. *در و صدف*، چاپ سوم، تهران: نشر محیی، ۱۳۷۸.
۱۴. شریف موسوی، مصطفی. *درس حجاب از قرآن و حضرت زهرا (علیها السلام)*، مشهد: انتشارات بنیان، ۱۴۱۹ق.
۱۵. شیرازی، سید صادق. *مفاسد بی حجابی*، ترجمه علی کاظمی، قم: انتشارات امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۵۸ش.
۱۶. ضیاء آبادی، سید محمد. *قساوت بیماری مهلک بشر*، چاپ پنجم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰.
۱۷. طیبیه، پارسا. *پوشش زن در گستره ی تاریخ*، قم: انتشارات احسن الحدیث، ۱۳۷۷.
۱۸. محدث نوری، محمدتقی. *مستدرک الوسائل*، قم: مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸ق.
۱۹. محمدی آشنایی، علی. *پوشش و حجاب*، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۹.
۲۰. مطهری، مرتضی. *مسئله حجاب*، مجموعه آثار، چاپ دوم، تهران: صدرا، ۱۳۷۹.
۲۱. مهریزی، مهدی. *حجاب*، چاپ ششم، تهران: انتشارات کانون اندیشه ی جوان، ۱۳۸۷.
۲۲. میرغفوری، سید مجتبی. *روانشناسی و فرهنگ پوشش (آرامش، آرایش، محبت با پوشش)*، تهران: نشر جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۲۳. هدایت خواه، ستار. *زیور عفاف*، چاپ دوم، مشهد: مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب، ۱۳۸۸.

The Role of Hijab in the Reduction of the Rate of Psycho-Social Deviations among Women from the Perspective of Islam

Farzaneh Allahverdi¹

Hijab is among the most important issues in monotheistic religions, particularly, Islam and it has a significant role in the reduction of the rate of psycho-social deviations. The issue of bad-Hijab is considered as a social harm in the society and its modification needs to have a cultural engineering and cultural-social policies. This article aims to examine the role of Hijab in the reduction of the rate of psycho-social deviations among women. To respond to the main research question, the written sources related to Hijab were reviewed by a library research method. According to the results, from the perspective of Islam, a proper Hijab has several positive effects on the individuals and society. Hijab affects the moral health of society, women's purity and the improvement of their personality. Not only does it not hinder a woman's freedom, but also it gives her a defensive role against personal and social harms. In addition, the spread of non-chastity in the society causes the disintegration of families, the prevalence of promiscuity, the reduction of women's position, and the appearance of psychological diseases in the society. As a result, if families pay attention to Hijab and observe it, the rate of psycho-social deviations will be reduced.

Keywords: Hijab, Islam, social deviations, psychological deviations, women

1. Faculty Member of Farhangian University, Alzahra Campus, Zanjan, Email: Allahverdi1347@gmail.com

The Position of Hijab in the Structure of the Verse 31 of Surah Noor and Its Connection with the Whole Surah

Habib Kargar¹

Zahra Bahmani²

Islamic coverage and Hijab is one of the most important Quranic issues that comes in the divine verses. One of those verses is the verse 31 of Surah Noor. The present research tries to explain the position of Hijab and chastity from the view of the Holy Quran with the aim of determining the structure of this verse and its connection with the whole Surah. The main question is whether the verse 31 of Surah Noor can have a coherent structure and how its structure has a connection with the whole Surah. The content of this descriptive-analytical research was classified and analyzed according to the research questions and aims. The results demonstrate that all divine verses, as well as the whole structure of Surah Noor, are considered as a shining light that leads humans to the God. In Surah Noor, sometimes one part of the structure is placed in a verse, and sometimes one part of the structure is omitted based on the verbal and semantic evidences. The verse 31 of Surah Noor has a four-part structure which is visible in the whole Surah. Examining the Quranic concepts in a coherent structure makes us more familiar with the miraculous dimensions of Quran, and take advantage of the infinite sea of its crucial concepts.

Keywords: Hijab, coverage, verse 31 of Surah Noor, structure of Surah Noor

-
1. Ph.D. in Persian Language and Literature, Instructor of Farhangian University, Ayatollah Taleghani Campus, Qom, Email: h.kargar08@gmail.com
 2. M.A. in Psychology, Islamic Azad University, Science and Research Branch of Bushehr, Email: zahra.bahmani.24@gmail.com

Chastity and Hijab in the Scriptures with an Emphasis on the Holy Quran

Masoumeh Sharifi¹

Mohsen Rafiei²

Chastity and Hijab are sacred and famous words in divine religions, especially, in Islam, and they have long been in the center of attention by interpreters, narrators, historians, sociologists, and other scholars. These two words are not only rooted in Sharia, they are but also innate and favored by humans' pure soul. The words of chastity and Hijab logically have the absolute general and specific relationship; that is, although perhaps some people with Hijab are not chaste, every chaste one is certainly with Hijab. In other words, the more chaste and pure everyone is, the more he/she observes Hijab. According to the Holy Quran and scripture, the research hypothesis that chastity and Hijab have been important in all divine religions and they have laid down several rules on them was confirmed. Chastity and Hijab have a very high position in the Holy Quran, as the highest and most lasting divine regulation, and the most complete and immortal regulations and commands have come in it to maintain Hijab and chastity, and to prevent individual and society from committing the destructive sins. The findings show that the instances of Hijab and chastity are proposed in four levels of coverage, look, speech, and behavior in the Holy Quran.

Keywords: chastity, Hijab, Jilbab, the Holy Quran, scriptures

-
1. Assistant Professor, Farhangian University, Department of Islamic Knowledge, Hazrat Masoumeh Campus, Qom, Email: dr_sharifi_masoomeh@yahoo.com
 2. Assistant Professor, Farhangian University, Department of Islamic Knowledge, Ayatollah Taleghani Campus, Qom, Email: dr_mohsen_rafiei@yahoo.com

Value Cultural Engineering Based on the Trend of Revelation of Hijab Verses

Zahra Fakhr Rouhani¹

According to divine verses, the issue of coverage is among the first issues that the Prophet Adam faced it after his fall. God in the Holy Quran lays down some duties and commands on how to cover correctly. The correct methodology for institutionalizing the culture of coverage in human societies is one of the issues that is always in the battlefield of different opinions. Therefore, it is necessary to choose the most complete version of divine revelation as the basis of building culture by analyzing the view of Quran in this regard. This descriptive-analytical article attempts to draw cultural planners' attention to the method of presenting value topics based on the method of Quran for building culture as an effective way to plan cultural activities, so that it makes the improvement of value criteria in society easier and makes audiences more receptive to tolerate its difficulties. God uses some techniques such as gradation, modeling, rating, and expressing the philosophy and reason of commands. It is obvious that if Hijab is a criterion of being honorable rather than an issue that restricts the people in a society, it will receive the public attention.

Keywords: the Holy Quran, coverage, Hijab, panache, Jilbab

1. Fourth Level of Comparative Interpretation, Management Center for Women's Seminaries, Email: z.frohani@gmail.com

An Investigation into Chastity Dimensions from the View of Quran and Narratives

Zeinab Tayebi¹

Zohreh Azizi²

One of the moral virtues that is emphasized in Quran is chastity. Chastity is an inner state in humans that prevents them from Haram and leads them to the high levels of humanity. Since chastity has an important role in the individual behavior toward the destination of creation and can save the society from the threat of moral fall and foreign cultural domination, the study of chastity dimensions and its function in the growth of humans is necessary. Because chastity is presented in three domains of action, speech, and thought in the Holy Quran, and it is considered as the best worship in innocents' narratives, this descriptive-analytical study tries to investigate chastity dimensions using the library written sources. The findings show, from the view of Quran and narratives, chastity in looking, chastity in covering, the lack of covering the clothes of fame, the lack of panache, and chastity in food and property are instances of chastity in action. In the case of chastity in speech, the examples are as follows: appropriate saying, necessarily talking, not joking with non-Mahrams, and not using lustful content. Furthermore, the prohibition of interaction with non-Mahrams, not being alone with non-mahrams, the avoidance of flirtation, the avoidance of handshaking, and the avoidance of solitude and illegitimate love are among the solutions of Quran and narratives to keep chastity in thought.

Keywords: the Holy Quran, chastity dimensions, Hijab, narrative

-
1. Assistant Professor of Quran & Hadith Sciences, Farhangian University, Qom, Email: ztayyebi62@gmail.com
 2. M.A. in Quran & Hadith Sciences, Faculty of Theology & Islamic Knowledge of Hoda, Email: azizi68z@yahoo.com

The Legislation Trend of Hijab from the View of the Holy Quran

Fatemeh Faker¹

Mohammad Faker Meibodi²

The issue of Hijab is one of the most important issues in Islamic society that Islamic scholars, especially, jurists, interpreters, sociologists, and psychologists have been paying attention to it since the first century of the advent of Islam. The Holy Quran also pays attention to it in several verses on different occasions; meanwhile, Quran points out the position, rules, and philosophy of the principle of Hijab legislation. This descriptive-analytical research tries to investigate the issue of Hijab from the view of Quran using narratives with the purpose of explaining this basic issue from the view of the most significant reference of Islamic legislation. In this article, it will be clarified that Hijab, regardless of its quantity and quality, is a certain issue in Islam and its observance is a necessity for men and women. Quran pays attention to the two attributes concerning the stages of Hijab trend; first, the observance of this necessity starts from the family of the Prophet Mohammad and then it is followed by other members of the society; and second, gradation which means to start from an easy stage to a hard stage. Finally, God declares in Quran that the effects of the adherence to this divine rule are beneficial to society, itself, and guarantee the health of human society.

Keywords: Hijab, ornament, panache, legislation, the Holy Quran

1. B.A. Student in Elementary Education, Farhangian University, Hazrat Masoumeh Campus, Qom, Email: fatemehfaker1379@gmail.com

2. Professor of Department of Quran & Hadith Sciences, Al-Mustafa International University, Email: m_faker@miu.ac.ir

Quran and Etrat

Bi-Annual Scientific Journal of Educational & Social Studies of Quran & Etrat
Volume 3, Spring & Summer 2020, Number 5, Hijab & Chastity (Special Issue)

Proprietor and Chief Director:	Masoumeh Sharifi (Ph.D.), The Head of Basij of Instructors of Hazrat Masoumeh Campus Zeinab Tayyebi (Ph.D.)
Editor-in-Chief:	
Executive Manager:	Hadi Borhani
Line Editor:	Mohsen Rafiei (Ph.D.), Masoumeh Sharifi (Ph.D.)
Copy Editor:	Zeinab Tayyebi (Ph.D.), Zeinab Rabiei
English Editor:	Kamal Barzegar
Page Layout:	Mohammad Hussein Hamedanian
Language:	Persian
Release Format:	Printed-Electronic
Release Frequency:	Bi-Annual
Circulation:	200 Copies

It is permitted to cite the sources referred in this journal.

“Bi-Annual Scientific Journal of Educational & Social Studies of Quran & Etrat” was licensed by the Ministry of Culture & Islamic Guidance, No.80717, Date: 25/12/2017.

Editorial Board (in Alphabetical Order):

Faezeh Azimzadeh Ardabili, Ph.D.	(Associate Professor, Department of Jurisprudence & Islamic Law, Imam Sadiq University)
Mohammad Faker Meibodi, Ph.D.	(Professor, Department of Quran & Hadith Sciences, Al-Mustafa International University)
Fariba Hajali, Ph.D.	(Associate Professor, Department of Jurisprudence & Principles of Islamic Law, Al-Zahra University)
Abdollah Motamedi, Ph.D.	(Associate Professor, Department of Psychology, Allameh Tabataba'i University)
Zahra (Shadi) Nafisi, Ph.D.	(Associate Professor, Department of Quran & Hadith Sciences, University of Tehran)
Hamid Parsania, Ph.D.	(Associate Professor, Department of Sociology, Research Institute for Islamic Culture & Thought)
Mohsen Rafiei, Ph.D.	(Assistant Professor of Quran & Hadith Sciences, Farhangian University, Qom)
Ahmad Rahnamaei, Ph.D.	(Associate Professor, Department of Educational Sciences, Imam Khomeini's Educational & Research Institute)
Mohammad Mahdi Safouraei, Ph.D.	(Associate Professor, Department of Educational Psychology, Al-Mustafa International University)
Masoumeh Sharifi, Ph.D.	(Assistant Professor of Quran & Hadith Sciences, Farhangian University, Qom)
Zeinab Tayyebi, Ph.D.	(Assistant Professor of Quran & Hadith Sciences, Farhangian University, Qom)

Reviewers of This Number (in Alphabetical Order):

Fatemeh Alipour (Ph.D.), Abdollah Motamedi (Ph.D.), Mohsen Rafiei (Ph.D.), Sedigheh Shakeri Husseinabad (Ph.D.), Zohreh Shariat Naseri (Ph.D.), Masoumeh Sharifi (Ph.D.), Zeinab Tayyebi (Ph.D.), Fatemeh Zhian (Ph.D.)

Partners of This Number: Razieh Omrani, Zeinab Souri, Leila Tahmasebi

Address: The Office of Basij of Instructors, Hazrat Masoumeh Campus, Farhangian University, Opposite Banafsheh Boustan, Shahid Karimi Boulevard, Qom, Iran

Telephone: 02532704673

Email: quran.etrat.journal@gmail.com